

# کیفیت و مراحل

## ظهور

(جلد دوم)

(نقش خراسانی در دوران ظهور)

و

(تشکیل لشکر امام زمان در ایران)

بقلم

سید حسین موسوی

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللهم کن لولیک حجة ابن الحسن  
فی هذه الساعة و فی کل ساعة  
ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا  
حتى تسکنه ارضک طوعا  
و تمتعه فیها طویلا

ارتباط با مولف:

ایمیل: hamimhoo@yahoo.com.....

در فضای مجازی: 093 66 34 24 14 .....

زهي خجسته زماني که يار بازآيد  
به کام غمزدگان غمگسار بازآيد

به پيش خيل خيالش کشيدم ابلق چشم  
بدان اميد که: آن شهسوار بازآيد

اگر نه در خم چوگان او رود سر من  
ز سر نگويم و سر خود چه کار بازآيد

مقيم بر سر راهش نشسته ام چون گرد  
بدان هوس که بدین رهگذار بازآيد

## فهرست مطالب

موضوع..... صفحه

---

### مقدمه:

- ۷ ..... ضرورت شناخت صحیح علائم ظهور
- ۱۱ ..... ظهور، جنگ جهانی و نهائی حق و باطل

### فصل اول: مراحل ظهور

- ۱۶ ..... مرحله اول ظهور: آماده شدن مقدمات حکومت واحد جهانی
- ۲۱ ..... مرحله دوم ظهور: قدرت گرفتن و شکل گیری جبهه شیعه
- ۲۶ ..... مرحله سوم ظهور: هلاک الملوک
- ۳۲ ..... مرحله چهارم ظهور: آمدن سفیانی و خراسانی و یمانی و پاکسازی زمین
- ۳۵ ..... گسترش طاعون و مریضیهای واگیردار قبل از ظهور
- ۳۷ ..... جنگ جهانی و کشته شدن یکسوم بشریت قبل از ظهور
- ۳۹ ..... ضرورت غضب خداوند و پاکسازی زمین قبل از ظهور
- ۴۶ ..... مرحله پنجم: ظهور و خروج سفیانی، خراسانی و یمنی و ظهور حضرت

### فصل دوم: ظهور و خروج سفیانی

- ۵۰ ..... شخصیت و حرکت سفیانی
- ۵۳ ..... سفیانی یک حرکت ضد شیعه
- ۵۶ ..... نتیجه گیری از احادیث وارده در باره سفیانی
- ۵۷ ..... هفت حادثه قبل از خروج سفیانی
- ۵۷ ..... جنگ و کشتار در سرزمینهای عربی و ویرانی شام
- ۵۸ ..... کشتارهای گسترده در عراق
- ۵۹ ..... کشته شدن رئیس ضد شیعه در عراق
- ۶۰ ..... خروج و انقلابی در مصر

## فهرست مطالب

موضوع.....	صفحه.....
خروج زیدی ها از صنعتای یمن.....	۶۰.....
آمدن مردی از نسل حسین (ع) به کوفه و دعوت مردم.....	۶۱.....
حمله هوائی غرب به شام و سقوط دمشق.....	۶۳.....

### فصل سوم: خراسانی

#### شخصیت و نقش مهم خراسانی در دوران ظهور

خراسانی یکی از شخصیت‌های مهم در دوران ظهور.....	۶۶.....
چرا خراسان و قیام خراسانی مورد توجه اهل بیت (ع) بوده است؟.....	۷۰.....
خراسانی کیست؟.....	۷۱.....
خراسانی دومین رهبر انقلاب شیعی در ایران.....	۷۳.....
خراسانی ایران را برای تشکیل لشگر امام زمان (عج) آماده می کند.....	۷۵.....
خلاصه مطالب بخش.....	۷۹.....

### فصل چهارم: تشکیل لشگر حضرت

تشکیل لشگر امام زمان (عج) در ایران.....	۸۲.....
محل تشکیل لشگر حضرت.....	۸۳.....
تعداد نفرات لشگر حضرت.....	۸۴.....
ظهور غریبانه.....	۸۸.....
گنجهای طالقان.....	۹۰.....
گنجهای طالقان چه کسانی هستند؟.....	۹۳.....
اکثریت ۳۱۳ نفر و لشگر حضرت ایرانی هستند.....	۹۹.....
تأکید ویژه اهلبیت (ع) روی ایران.....	۱۰۰.....

## فهرست مطالب

موضوع.....	صفحه.....
شعيب ابن صالح فرمانده ميدانى لشگر حضرت.....	۱۰۱.....
مسير حرکت لشگر از طالقان.....	۱۰۴.....
استقرار لشگر در کوفه.....	۱۰۶.....
حرکت لشگر به سوى مکه.....	۱۰۷.....
برگشت از مکه به سوى کوفه.....	۱۰۸.....
حرکت لشگر به سوى بيت المقدس.....	۱۰۹.....

## فصل پنجم: تشکیل دهنده لشگر

توصيف پرچم اين لشگر.....	۱۱۲.....
دستور اکيد برای پيوستن به لشگر.....	۱۱۳.....
رهبر و تشكيل دهنده لشگر.....	۱۱۵.....
القاب و صفتهاى تشكيل دهنده لشگر.....	۱۱۸.....
اشاره به عملکردهاى رهبر اين لشگر.....	۱۲۵.....
شاب هاشمى و طالع المشرق در کلام امير المؤمنين(ع).....	۱۲۷.....
شاب هاشمى و طالع المشرق کيست؟.....	۱۳۰.....

### يک تذکر:

همانطور که در قرآن کریم، بعضی مطالب، یا آیات با توجه به اهمیت موضوع، بارها و بارها تکرار شده اند، در این کتاب نیز بعضی مطالب و یا احادیث بدلیل اهمیت خاص آنها، آگاهانه به دفعات مختلف تکرار شده است.



## مقدمه

### ضرورت شناخت صحیح علائم و کیفیت ظهور

در جلد اول کتاب به بررسی احادیث علائم ظهور پرداختیم و علائم مهمی که در حین ظهور نقش اساسی و بزرگی ایفا می کنند مثل دجال و سفیانی را مورد بحث و بررسی قرار دادیم، در این جلد به تحلیل و بحث و بررسی علائم ادامه داده و سعی می کنیم کیفیت و مراحل ظهور را از روی احادیث اهل بیت (ع) بررسی کرده و شناخت درستی از ظهور و کیفیت آن به دست آوریم.

اینک که اکثر علائم ظهور آشکار گشته و محقق شده است در این مرحله حساس، شناخت علائم ظهور و مراحل و کیفیت آن، برای منتظران از اهمیتی روز افزون و حیاتی برخوردار می باشد، تا از طریق رهنمودها و احادیث اهل بیت (ع) به جای تصورات غلط و کارتونی و شبه افسانه ای از ظهور، تصور و شناخت صحیحی از آن به دست آوریم، چرا که در طول تاریخ عدم شناخت درست از موعود منتظر و کیفیت ظهور او باعث شد که منتظران در حین ظهور، او را نشناخته و او را مدعی کذاب پنداشته و به جنگ او رفته و تبدیل به بدترین دشمنان او شوند، چنانچه خداوند در این باره در قرآن کریم می فرماید:



• أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ (المؤمنون : ۶۹)

آیا رسولشان را نشناختند؟ در نتیجه او را انکار می کنند؟

یعنی در امتهای گذشته فرستاده حق را درست تشخیص نداده و در نتیجه او را نشناخته و به انکار و تکذیب و استهزاء او پرداختند. از جمله قوم یهود که منتظر حضرت مسیح(ع) بودند دچار همین اشتباه عظیم شدند، حضرت مسیح(ع) وقتی آمد و خودش را به عنوان مسیح موعود معرفی کرد، (در حالی که سی سال به طور ناشناخته در شهر ناصریه زندگی کرده بود و همه او را به عنوان فردی عادی و به اسم عیسیای ناصری می شناختند) چون نحوه ظهور و آمدنش با علم ناقص و ظهور کارتونی و تحریف شده آنها انطباق نداشت، و آنها علم ناقص خود را کامل و معیار حق و باطل می پنداشتند، به تکذیب و استهزاء او و در ادامه به دشمنی با او پرداخته و اینگونه هلاک شدند، در قرآن کریم به این غره شدن به علم ناقص خود و تکذیب و استهزاء فرستاده شده به دلیل عدم انطباق او با این علم ناقص منتظران، اشاره کرده و می فرماید:

• فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ، فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ، وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ. (غافر: ۸۳)

و با توجه به تأکید رسول اکرم(ص) مبنی بر اینکه امتش تجربه امتهای گذشته از جمله اعمال یهود و نصارا را عینا و مو بمو تکرار خواهند کرد، و در احادیث نیز وارد شده که در حین ظهور حتی خیلی ها حضرت را نشناخته و به تکذیب و مقابله با او خواهند پرداخت! (طبعاً اینبار نیز با تکیه به علم ناقص خود و مغرور شدن به آن) لذا باید نسبت به این خطر عظیم هوشیار و حساس باشیم تا بقول شاعر ندانسته دشمن حضرت نشویم:

هشدار منتظران که حسین را منتظرانش کشتند!





و تنها راه نجات از این مهلکه عظیم، تمسک به ثقلین و شناخت کیفیت ظهور با رهنمودهای ثقلین می باشد چنانچه فرمودند علائم ظهور و خود ظهور را کسانی خواهند شناخت که با احادیث و روایات اهل بیت (ع) در این باره آشنا بوده و راوی آن احادیث باشند:

• قلت فمن يعرف الصادق من الكاذب؟ قال يعرفه الذين كانوا يروون

حدیثنا و یقولون إنه یكون قبل أن یكون. (غیبت نعمانی ص ۲۶۴)

در نتیجه، برای اجتناب از دشمنی ناخواسته و ندانسته با حضرت و هلاک شدن در حین ظهور، آشنائی با احادیث اهل بیت (ع) و شناخت درست از علائم و کیفیت ظهور، ضرورتی اجتناب ناپذیر می شود، تا با تمسک به ثقلین و کسب شناخت صحیح از ظهور، با استفاده از احادیث اهل بیت (ع)، از افتادن در هلاکتی که گذشتگان از امم سالفه افتادند در امان باشیم.

بعد از بررسی علائم اصلی ظهور در جلد اول، در این جلد از کتاب به توضیح و تجزیه و تحلیل علائم، و روشن کردن مراحل و کیفیت ظهور بر مبنای احادیث اهل بیت (ع) می پردازیم.

باید گفت همانطور که رسول خدا (ص) فرمودند تنها راه هدایت و نجات از گمراهی تمسک به ثقلین می باشد و امر ظهور امام زمان (عج) یکی از مهمترین مسائل دین می باشد که آراء و نظرات شخصی هیچ جای و مقامی در آن نمی تواند داشته باشد و باید و فقط با رهنمودهای اهل بیت عصمت (ع) به حقائق آن دست یافت و از هر گونه اظهار نظر شخصی یا پذیرفتن آراء و نظرات شخصی در مورد ظهور که مبنای روائی نداشته باشند به شدت پرهیز کرد و هر کس در



این رابطه هر نظری ارائه کرد باید مبنای تقلینی آن و حدیث مربوطه را طلب نمود و در صورت عدم ارائه حدیث، از آن روی برگرداند، چرا که اکثر آراء و نظرات موجود در بین مردم دو باره ظهور، مغشوش بوده و انطباقی با احادیث ندارد، در این کتاب سعی شده امر ظهور و علائم و مراحل آن بر مبنای احادیث اهل بیت (ع) تبیین شده و توضیح داده شود.

بر خلاف غلط رایج و تصور عمومی از امر ظهور، بر مبنای تقلین و طبق احادیث اهل بیت (ع) ظهور امام زمان (عج) نیز مثل ظهور رسول خدا (ص) و موعودهای قبلی، عادی و معمولی خواهد بود، یعنی به صورت کاملاً طبیعی و عادی اتفاق خواهد افتاد، ادعای معجزه گونه آمدن حضرت و پیروزی با معجزات، ناشی از برداشتهای سطحی از نصوص و تلفیق آن برداشتهای غلط با تصورات اشتباه می باشد، یعنی دقیقاً همان چاه و چاله ای که قوم یهود زمان ظهور حضرت مسیح (ع) در آن افتادند و به دلیل عدم تطابق آمدن حضرت مسیح (ع) با تصورات خود ساخته آنها به مخالفت با آن حضرت و انکار و تکذیب او پرداختند.

در رد معجزه آسا و غیر عادی بودن ظهور حضرت، کافی است که نیم نگاهی به احادیث اهل بیت (ع) ببینیم، از جمله یکی از اصحاب امام باقر (ع) از حضرت سؤال کرد که آیا ظهور قائم (ع) خودبخود و براحتی (معجزه آسا) و بدون خونریزی اتفاق خواهد افتاد؟ حضرت در جواب فرمودند نه والله! اگر بنا بود بر راحتی و معجزه آسا اتفاق بیافتد برای رسول خدا (ص) اتفاق می افتاد! در حالی که حضرت جنگها کرد و دندان مبارکش شکست و صورتش خونین شد:

• قلت لأبي جعفر (عليه السلام): إنهم يقولون: إن المهدي لو قام لاستقامت له



الأمر عفو، ولا يهريق محجمة دم، فقال: كلا والذي نفسي بيده لو استقامت لأحد عفووا لاستقامت لرسول الله(ص) حين أدميت رباعيته، وشج في وجهه... (غيبت نعمانی ص ۲۹۲)

و در حدیث دیگری فرمودند: "خروج رسول الله(ص)"، یعنی ظهور قائم آل محمد(عج) هم مثل ظهور رسول خدا(ص) خواهد بود، در ادامه احادیث و توضیحات بیشتری در این رابطه ارائه خواهد شد.

موضوع دیگری که باید به آن توجه داشت این نکته است که اکثر علائم ظهور در واقع حوادث و اتفاقاتی هستند که قبل از ظهور اتفاق خواهند افتاد و به عبارت دیگر مقدمات ظهور محسوب شده و بنحوی پروسه و مراحل ظهور را روشن می کنند، که باید مثل قطعات پازل به شکل صحیح و درست کنار هم چیده شوند تا نقشه، مراحل و کیفیت ظهور مقدس آشکار شود، یعنی در واقع چند هزار حدیثی که از طریق شیعه و سنی در باره ظهور وارد شده قطعات این پازل محسوب می شوند و بدون تسلط بر آنها و بررسی کافی آنها، و کنار هم نهادن درست آنها، درک درستی از ظهور و علائم آن به دست نخواهد آمد.

## ظهور جنگ جهانی و نهائی حق و باطل

برای درک دست و صحیح از ظهور باید توجه داشته باشیم که ظهور جنگ جهانی و نهائی حق و باطل می باشد، جنگی که از زمان خلیفه شدن حضرت آدم(ع) شروع شد و در طول تاریخ ادامه داشت و همیشه جبهه حق به رهبری انبیاء و اولیاء الهی، و جبهه باطل به رهبری شیطان و جنود انس و جن آن، درگیر



این جنگ بودند، و همیشه جبهه حق، مظلوم و مستضعف، و جبهه باطل، ظالم و قدرتمند بودند، اما طبق احادیث، این جنگ به صورت نهائی و جهانی در آخرالزمان اتفاق می افتد، که یک طرف دجال قرار دارد با اعوان او انصار یهود و عربش، و در طرف دیگر جبهه حق به رهبری قائم آل محمد(عج)، که این بار جبهه حق پیروز شده و مهلت شیطان به سر آمده و جبهه باطل شکست خورده و نابود می شود و حکومت عدل و داد الهی به رهبری حضرت مهدی(عج) بر جهان حاکم می شود.

اما جبهه حق به رهبری حضرت چگونه شکل می گیرد؟ آیا معجزه آسا و در یک لحظه این امر محقق می شود؟ همانطور که گفته شد تصور غلطی که بر خلاف احادیث اهلبیت(ع) در بین مردم ایجاد شده و وجود دارد این است که امر ظهور در چشم به هم زدن محقق خواهد شد و پیروزی حضرت معجزه آسا خواهد بود! اما همانطور که گفته شد این تصور غلط بوده و بر خلاف احادیث وارده می باشد که در ادامه به بحث و بررسی در این مورد خواهیم پرداخت.

به طور خلاصه آنچه که از تجزیه و تحلیل مجموع احادیث و علائم ظهور بر می آید این است که این جنگ جهانی و نهائی حق و باطل، مثل ظهور و خروج رسول خدا(ص) به صورت طبیعی و طی مراحل و مجموعاً در پنج مرحله محقق خواهد شد، این پنج مرحله به طور خلاصه عبارت هستند از:

۱- در مرحله اول و قبل از ظهور حضرت، زیر ساختهای حکومت واحد جهانی ایجاد می شود بنحوی که حکومت واحد بر کل جهان میسر و عملی شود و چنانچه امروز شاهدش هستیم جهان تبدیل به دهکده جهانی شود، در غیر اینصورت حاکمیت و حکومت واحد بر کل جهان میسر و عملی نخواهد بود



طبق احادیث این مرحله بوسیله ظهور دجال - که چنانچه در جلد اول دیدیم یک سیستم فاسد، جهانگستر و شیطانی می باشد و سعی بر سیطره و حکومت بر کل جهان خواهد کرد- ایجاد خواهد شد.

۲- در مرحله دوم آنچه از احادیث بر می آید با خروج و انقلابی در ایران، جبهه شیعه شکل گرفته و وارد میدان شده و در جنگی مستمر با غرب قرار گرفته و در ادامه آن، نسل مورد نظر برای ایجاد لشگر امام زمان (عج) و همینطور زمینه و منطقه امن و بدور از سیطره دجال، برای تشکیل لشگر حضرت ایجاد می شود (در ادامه خواهیم دید که بر مبنای احادیث لشگر حضرت قبل از ظهورش در ایران تشکیل خواهد شد).

۳- در مرحله سوم ابتدا کل خاورمیانه دچار جنگ و آشوب و اختلاف و انقلابات می شود سپس با وبا و مریضیهای واگیردار و همینطور جنگ جهانی تمامی قدرتها و دو سوم بشریت هلاک می شوند تا کلیه موانع ظهور و حکومتهای فاسد و دیکتاتور، متلاشی و ریشه کن شوند و زمینه برای ظهور مهیا شود، که در احادیث از این مرحله تحت عنوان هلاک الملوک و قضم الجبارین یاد شده است.

۴- در مرحله چهارم، علائم حتمیه محقق شده و سفیانی و خراسانی و یمانی به صحنه می آیند، و لشگر امام زمان (عج) قبل از ظهور حضرت، در ایران تشکیل می شود، بخشی از علائم حتمیه حوادثی بزرگ در مسیر ظهور هستند که با تحقق آنها مثل ظهور یمانی و سفیانی، زمینه ظهور مهیا می شود.

۵- در مرحله پنجم سفیانی خروج کرده و با خراسانی و یمانی وارد جنگ شده



شکست خورده و حضرت ظهور می کنند و حکومت مهدوی را در مرحله اول در خاورمیانه تشکیل می دهند و بعد از دو سال بعد از جنگ بزرگی که از آن به "ملحمه کبری" یا جنگ بزرگ یاد شده و در تورات و انجیل از آن به "حارمجدو" یا به عبارت مشهور در زبان انگلیسی "آرماگدون" تعبیر شده طی جنگی عظیم با سیستم جهانی دجال که در غرب مستقر می باشد آنها را شکست داده و با شکست و متلاشی شدن حکومتها غربی، حکومت مهدوی جهانی شده و در سطح جهانی ایجاد می شود.

در ادامه به شرح و توضیح و بررسی این مراحل خواهیم پرداخت.

این جلد کتاب در پنج فصل تدوین شده است که در فصل اول به توضیحات بیشتری در باره این پنج مرحله می پردازیم، در فصل دوم به خروج سفیانی و در فصل سوم به نقش و شخصیت خراسانی می پردازیم و در فصل چهارم و پنجم به تشکیل لشکر حضرت در ایران و شخصیت تشکیل دهنده آن خواهیم پرداخت.

فصل اول

# مراحل ظهور



## مرحله اول ظهور: خروج دجال

### و ایجاد زیر ساختها و امکانات حکومت واحد جهانی

همانطور که گفته شد امر ظهور منجی عالم و محقق شدن حکومت عدل جهانی مقدماتی لازم دارد، با دقت در علائم ظهور روشن می شود که این مقدمات طی چند مرحله آماده می شود، در مرحله اول، مقدمات و زیرساختهای لازم برای حکومت واحد جهانی مهیا می شود، و این مرحله توسط دجال که اسم مستعاری است برای یک سیستم جهانی<sup>(۱)</sup> عملی می شود، و دجال به عنوان اولین علامت از علائم مهم ظهور وارد صحنه می شود، و به همین دلیل در احادیث وارد شده که اولین علامت که باید ظاهر شود دجال می باشد<sup>(۲)</sup>:

• أول الآيات في زمانه: الدجال (منتخب الانوار المضيئه ص ۸۵)

دجال نه تنها اولین علامت می باشد بلکه بزرگترین علامت و بزرگترین پدیده تاریخ نیز می باشد:

• قال رسول الله(ص): «ما ليس) بين خلق آدم عليه السلام إلى قيام الساعة

أمر أكبر من الدجال» (فتن ابن حماد ص ۳۵۵)

طبق احادیث، دجال از جن بوده و در زمان حضرت سلیمان(ع) به غل و زنجیر کشیده شده و در آخرالزمان آزاد می شود،<sup>(۳)</sup> این جن که دجال نام دارد در

1 - در جلد اول کتاب احادیث مربوط به دجال مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

2 - در اجیل نیز آمده است که قبل از آمدن منجی، اول باید دجال بیاید.

3 - همین مضمون در انجیل و همینطور در اوستا نیز وارد شده است.





آخرالزمان رابط بین شیطان و یهود خواهد بود و رهنمودهای شیطان را به کاهنان یهود - که در علوم غریبه و کابالا و ارتباط با جن تبخر دارند - خواهد داد و آنها گردانندگان جهان را - که یهودی بوده و در پشت پرده جهان را مدیریت می کنند (۱) - به کار گرفته، و یک سیستم شیطانی و جهانی در غرب بنا نهاده، کفر و فسق و فجور و فساد را در جهان گسترش خواهند داد و چون در پی حاکمیت بر کل جهان هستند، مقدمات و زیر ساختهای لازم برای حکومت واحد جهانی شیطانی را به وجود می آورند و این سیستم جهانی نیز به دلیل اعمال برنامه های شیطان و معاونش، در جهان، دجال نامیده میشود. اما چرا باید اول دجال بیاید؟

همانطور که می دانیم امام زمان (عج) بعد از ظهور، حکومت واحد جهانی تشکیل داده و بر کل جهان حکومت می کنند، اما حکومت بر کل جهان و ایجاد حکومت واحد جهانی بدون به وجود آمدن لوازم و مقدمات آن، امری غیر ممکن می باشد، به عنوان مثال قبل از وجود آمدن امکانات مواصلاتی و ارتباطی مدرن از قبیل هواپیما و قطار و تلفن و اینترنت، و تبدیل شدن جهان به دهکده جهانی، چگونه می شد حکومت واحد جهانی تشکیل داد و بر کل جهان حاکم شده و آن را مدیریت کرد؟

آیا در احادیث به این امور مهم و ایجاد آنها در دوران ظهور اشاره شده است؟ باید گفت که بله، در احادیث به این پیشرفتهای به صورت رمزی اشاره شده و

---

1 - در اینترنت به مقالات مربوط به ایلو میناتی یا illuminati یا "گردانندگان راز آلود پشت پرده جهان" مراجعه شود.



گفته شده که در زمان ظهور این امکانات وجود خواهد داشت - چنانچه بخشی از احادیث مربوطه در جلد اول آورده شد- و در واقع طبق مفاد احادیث در مرحله‌ی اول، زمینه‌های عینی و فکری حکومت واحد جهانی طی دهها سال قبل از ظهور بوجود می‌آید، چرا که امروزه همانطور می‌دانیم، برای حکومت واحد جهانی، همه پیشرفتهای علمی و تکنولوژیک و ارتباطی ایجاد شده است، امکاناتی که جهان را تبدیل به دهکده جهانی کرده، از قبیل تلفن و اینترنت و هواپیما و غیره، امکاناتی که بدون آنها حکومت واحد جهانی اساسا امری غیر ممکن می باشد، و می‌دانیم که کشف و تکمیل این امکانات و پیشرفتهای دهها سال و بیشتر وقت برده است و طبق احادیثی که به این وسائل اشاره کرده اند و در جلد اول تحت عنوان علائم تکنولوژیک به بخشی از آنها پرداختیم.

طبق احادیث، این پیشرفتهای در عصر ظهور، توسط یک سیستم جهانی ایجاد خواهد شد که در احادیث از آن با اسم رمز "دجال" یاد شد است.

همانطور که گفته شد دجال بزرگترین علامت ظهور می باشد طوری که بفرموده حضرت رسول(ص) از آدم تاکنون امری به بزرگی آن وجود نداشته است، حضرت رسول(ص) فرمودند: "اکبر امر من لدن آدم(ع)" و فرمودند: "یظهر علی الارض کلها" یعنی بر کل کره زمین ظاهر خواهد شد، و این یعنی دجال چنانچه شرحش در جلد اول گذشت سیستمی است جهانی و سعی دارد بر جهان سیطره پیدا کند و طبعاً امکانات و مقدمات و زیر ساختهای حکومت بر جهان را ایجاد می کند تا بر جهان سیطره یافته و حکومت واحد جهانی شیطانی خودش را ایجاد کند.

و روشن است که حکومت واحد جهانی یک امر ساده و کوچکی نیست که یک شبه و بدون امکانات و زیرساختهای لازم قابل تحقق باشد، بالفرض پانصد



سال پیش با توجه به اینکه قاره آمریکا و استرالیا هنوز کشف نشده بود، ایجاد حکومت واحد جهانی امری غیر ممکن و غیر قابل تحقق بود.

و همانطور که گفته شد -طبق احادیثی که بخشی از آنها در جلد اول آورده شد- این امر یعنی تحقق پیشرفتهای علمی، صنعتی و دیگر مقدمات و زیرساختهای لازم برای حکومت واحد جهانی، قبل از ظهور و توسط دجال -که ابرقدرتی است مستقر در مغرب زمین- بوجود می‌آید.

از جمله بوجود آمدن وسائلی مثل تلفن و تلوزیون و هواپیما و کشتیها و قطار و موبایل و اینترنت، پیشاپیش در احادیث اهل بیت (ع) پیش گوئی شده است، و این است دلیل و فلسفه پیشرفتهای تکنولوژیک که توسط غرب ایجاد شده است، یعنی طبق برنامه الهی، مسئولیت این کارها را به عهده آنها گذاشته شده است.

و همانطور که گفته شد اسم مستعار و رمزی این ابر قدرت که این زیرساختها و پیشرفتهای تکنولوژیک لازم را برای حکومت واحد جهانی ایجاد می کند، دجال می‌باشد.

طبق احادیث، این حکومت در مغرب زمین شکل می‌گیرد (الدجال و السفیانی فإنهما یطلعان من المغرب - بشارة الإسلام ص ۹۲) و اکثر گردانندگان این قدرت جهانی، یهود می‌باشند (اکثر اتباعه الیهود) که در پی ایجاد یک قدرت و حکومت واحد جهانی اما شیطانی و کفر آمیز برای خودشان بوده و پایه‌های عینی و ذهنی حکومت واحد جهانی را با پیشرفتهای معجزه آسا و شگفت انگیز علمی، صنعتی و ارتباطی، (که در احادیث از آنها تحت عنوان معجزات دجال یاد شده است!) پایه ریزی و محقق می‌کنند، و بر جهان سیطره یافته و زیرساختهای لازم برای حکومت واحد جهانی را ایجاد کرده و در ضمن جهان را



پراز فسق و فجور و کفر و بی‌دینی می‌کنند، چیزی که امروزه ما بعینه شاهد آن می‌باشیم.

اما دجال نهایتاً طبق مشیت الهی که فرمود: "مکروا و مکر الله ان الله خیر الماکرین"، با مکر و برنامه الهی، بزرگترین دشمن حضرت، بزرگترین زمینه ساز ظهور شده، و بعد از ایجاد زمینه‌ها و الزامات و امکانات حکومت واحد جهانی، به دست حضرت مهدی(عج) نابود شده و حضرت وارث حکومت واحد جهانی و همه‌ی امکانات ایجاد شده توسط آنها در کره زمین می‌شود چنانچه خداوند فرموده: "و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین".

در جلد اول کتاب احادیث دجال مفصلاً مورد بحث و بررسی قرار گرفت، برای روشنتر شدن موضوع حتماً به آنجا مراجعه شود، و در بررسی مرحله پنجم ظهور این امر را بیشتر مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.



## مرحله دوم ظهور:

### قدرت گرفتن شیعه با انقلابی در ایران و شکل

### گیری جبهه ضد دجال

از مجموع احادیث اهل بیت (ع) استفاده میشود که قبل از ظهور، شیعه با انقلابی در ایران قدرت گرفته و جبهه ضد دجال و ضد سفیانی را تشکیل داده و با آنها درگیر می شود، چرا که با ظهور و استقرار سیستم دجال در مغرب زمین، عملاً جبهه باطل برای جنگ نهائی با حق و حقیقت شکل می گیرد، بعد از شکل گیری جبهه باطل و استقرار سیستم جهانی دجال در غرب، نوبت به ظهور و آماده شدن جبهه حق می رسد، که میتوان آن را بعد از ظهور دجال، مرحله دوم ظهور در نظر گرفت که طی آن شیعه با خروج و انقلابی در ایران قدرت گرفته و در مقابل دجال غرب ایستاده و جبهه شیعه علیه دجال را تشکیل می دهند، و در ادامه این امر یعنی قدرت گرفتن شیعه و تشکیل جبهه ضد دجال، زمینه های تشکیل لشکر امام زمان (عج) بوجود می آید، چرا که در ادامه خواهیم دید که طبق احادیث وارده از طریق شیعه و سنی، تعداد لشکر امام زمان (عج) دوازده هزار نفر می باشد باضافه سیصد و سیزده نفر، که قبل از ظهور و به فرماندهی شخصی که اولین نفر از ۳۱۳ نفر از یاران خاص حضرت می باشد، در ایران تشکیل خواهد شد.

با توجه به سیطره جهانی سیستم دجالی، باید شیعه قدرت بزرگی بشود تا بتواند در قبال این سیستم قدرتمند شیطانی و جهانی ایستادگی کرده و نهایتاً نقطه



امنی بوجود آورد که خارج از سیطره دجال و دشمن بوده و امن باشد، تا دوازده هزار نفر در آنجا جمع شوند - در غیر اینصورت دجال که بر جهان سیطره خواهد یافت، اجازه تحقق چنین امری را نخواهد داد- و آن جبهه شیعه چنانچه گفته شد، طبق احادیث، در خراسان یا "المشرق" یعنی ایران شکل خواهد گرفت و قدرت عظیمی یافته و و در مقابل دجال و سفیانی ایستاده و نقطه امن را برای تشکیل لشکر در ایران ایجاد خواهد کرد:

• ظهور ملك المشرق فيعظم أمره، و يشتد في الآفاق خبره، و يعلو شأنه

إلى أن تصعد جناحاه إلى الغرب و القبلة. (۱) (بشارة الإسلام ص ۲۶۸)

طبق این احادیث، خروج و انقلابی در ایران به وقوع می پیوندد که شیعه در آن پیروز می شود و بین ایران و غرب (دجال) اختلاف می افتد که هرگز این اختلاف حل نمی شود و بلکه رفته رفته بزرگ و بزرگتر می شود تا نهایتاً باهم وارد جنگ می شوند و جنگشان از شام شروع می شود. طبق احادیث زیادی که شیعه و سنی آن را نقل کرده اند، این انقلاب با قدرت گرفتن شیعه مبدأ فرج و ظهور می باشد:

• و عن علي عليه السلام أنه قال: المهدي أقبلي، جعد، بخده خال، يكون مبدأه

من قبل المشرق... (بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۵۲)

و طبق احادیث آنها پرچم انقلاب شیعی را در ایران و جهان بر افراشته با دجال در افتاده و نهایتاً پرچم را تسلیم صاحبش یعنی قائم آل محمد (عج) خواهند کرد، امام باقر (ع) در تأیید این خروج فرمودند کشته شده های آنها شهید هستند ولی اگر من آن انقلاب را در می کردم خودم را برای صاحب این امر حفظ می

<sup>1</sup> - یعنی آن قدرت شیعی دو شاخه خواهد زد به سمت غرب و به سمت قبله، و امروز می بینیم که انقلاب دو شاخه زده، در غرب حزب الله لبنان و در سمت قبله، انصارالله یمن.



کردم:

- عن أبي جعفر(ع) أنه قال: كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ... حتى يَقوموا و لا يدفَعونها إلَّا إلى صاحبكم... (غیبت نعمانی ص ۲۷۳)
- به عبارت دیگر این انقلاب وصل به ظهور خواهد بود و شرکت کنندگان در آن انقلاب می توانند صاحب الامر(ع) را درک کنند. همین مضمون قیام مشرق و دادن پرچم به صاحب الامر(ع) را اهل سنت هم از رسول خدا(ص) نقل کرده اند:
- ان رسول الله(ص) ذكر بلاء يلقاه أهل بيته حتى يبعث الله راية من المشرق سواد، من نصرها نصره الله، و من خذلها خذله الله، حتى يأتوا رجلا اسمه كَأَسْمِي فيولونه أمرهم فيؤيده الله و ينصره... (الحاوي للفتاوي ج ۲ ص ۶۸)
- و در نتیجه این خروج و انقلاب و گسترش آن به شیعیان دیگر کشورها، ایران مرکز و محور شیعه می شود و در نتیجه همانطور که غرب محل شکل گیری و ظهور دجال می باشد، ایران نیز مبدأ ظهور و محل شکل گیری جبهه شیعه و نهایتا محل تشکیل لشکر دوازده هزار نفره امام زمان(عج) می شود، چنانچه خواهیم دید طبق احادیث اکثریت لشگریان حضرت ایرانی هستند و در ایران جمع شده و به رهبری مردی از آل محمد(ص)، به همراه لشکر خراسانی خروج کرده و به جنگ سفیانی می روند) اثنی عشر الف یخرجون بخراسان)
- و لذا بعد از این انقلاب، چنانچه ذکر شد، دولت و قدرت عظیمی در ایران ایجاد می شود (مُلک عظیمٌ فی المشرق) که بتواند در قبال قدرت جهانی دجال و غرب عرض اندام کند.

همانطور که گفته شد طبق احادیث، و به دلیل همین تضاد ماهوی که بین آنها وجود دارد، بین ایران و غرب اختلاف افتاده و اختلاف تبدیل به فتنه شده و



نهایتاً منتهی به جنگ می‌شود و جنگ ایران و غرب از شام شروع می‌شود، که فرمودند: اختلاف بین المغرب و المشرق و فتنة بين المغرب و المشرق!؛ و در روایت دیگری که در آن از پرچمهای ایران که در شام حضور دارند به آیات سود تعبیر شده و از پرچمهای غربی به آیات الصفر (در احادیث به غربی‌ها و روم، بنی‌اصفر، و به پرچمهایشان آیات الصفر گفته می‌شود) درگیری بین ایران و غرب را در شام پیشگوئی کرده و فرمودند آنگاه که آیات السود با آیات الصفر بر سر تصرف دمشق درگیر شوند بلا آنجاست! بلا آنجاست!

• إذا أقبلت الرايات السود من المشرق، و الرايات الصفر من المغرب

حتى يلتقوا في..دمشق فهناك البلاء، هنالك البلاء(فتن این حمادص ۱۸۰)

باین شکل با انقلاب شیعی در ایران قدرت و حکومت قدرتمندی در ایران شکل می‌گیرد که در ایران امنیت و بازدارندگی لازم در قبال دجال را ایجاد می‌کند و در ادامه انقلاب نسلی بوجود می‌آید که صلاحیت و لیاقت تشکیل لشکر دوازده هزار نفره امام زمان(عج) را داشته باشند، و با اختلاف بین ایران و نظام استکباری و شیطانی غرب، و ایجاد قدرت عظیم بعد از آن انقلاب، ایران از سیطره غرب خارج شده و عملاً زمینه و محدوده جغرافیائی لازم جهت تجمع افراد، و امکانات لازم جهت ایجاد و تشکیل لشکر امام زمان(عج) در ایران بوجود می‌آید، چرا که در غیر این صورت و بدون انقلاب و مستقل و جدا شدن ایران از غرب، عملاً جمع شدن لشکر دوازده هزار نفره امام زمان(عج) در هیچ نقطه‌ای از جهان تحت سیطره دجال غرب امکان‌پذیر نخواهد شد(۱) و لذا طبق برنامه ریزی خداوند، این امر با آن انقلاب شیعی در ایران استارت خورده و

1 - چنانچه عملاً هم می‌بینیم با انقلاب بود که ایران از سلطه آمریکا خارج شد و در غیر اینصورت

ایران همچنان به عنوان اسرائیل دوم در منطقه برای دجال غرب نقش ایفا می‌کرد





شروع می شود و شاید به همین دلیل فرمودند: "مبدأه من المشرق".  
و چنانچه اشاره شد و بعدا خواهیم دید طبق احادیث، اساسا لشکر امام زمان (عج) قبل از ظهور و با شرکت جوانان ایرانی، در ایران و مشخصا شمال ایران و گیلان و طالقان تشکیل می شود، و وقتی سفیانی بعد از تصرف شام و عراق، به ایران حمله کرد این لشکر، همراه نیروهای نظامی ایران (عساکر خراسان) حرکت کرده و سفیانی را شکست داده و برای بیعت با حضرت مهدی (عج) راهی مکه میشوند، چنانچه فرمودند: (رایاتُ السود التي خَرَجَتْ مِنْ خِرَاسَانَ وَ نَزَلَتْ بِالْكُوفَةِ تُبْعَثُ لِلْبَيْعَةِ إِلَى الْمَكَّةِ)

طبق احادیث وارده، در ادامه انقلاب، خراسانی مذکور در احادیث رشته امور را در دست می گیرد و آماده جنگ با غرب و عوامل غرب یعنی سفیانی می شود. از احادیث مستفاد می شود که رهبر دوم انقلاب شیعی ایران، خراسانی مذکور در احادیث می باشد (خراسانی به معنی ایرانی) که در زمان رهبری او یمانی وارد صحنه شده و مردم را به امام زمان (عج) دعوت کرده و به کمک خراسانی شروع به تشکیل لشکر امام زمان (عج) می کند و همراه او به جنگ سفیانی می رود. (در ادامه به بررسی بیشتر ایم موضوع خواهیم پرداخت)

• عن امیر المومنین (ع): فیموت النائر یقوم الاخر ثم ینهض الیمانی

لمحاربة السفیانی، (الزام الناصب ج ۲ ص ۱۳۳)

یعنی (رهبر) انقلاب کننده از دنیا می رود و رهبر دیگری جای او می آید و زمان رهبر دوم نهضت یمانی برای آمادگی جنگ با سفیانی شروع می شود، و فرمودند یقوم هاشمی بخیلان یعنی المشرقی - ای الخراسانی. هاشمی از خیلان (گیلان) با کمک مشرقی - یعنی خراسانی قیام می کند (برمی خیزد)



## مرحله سوم ظهور:

### جنگها و کشتارها و هلاک الملوك و قضم الجبارين

در ادامه این امور و در مرحله بعد، جهان وارد دوره جنگها و آشوبهای گسترده شده و جهان پر از خوف و وحشت و قتل و کشتار می شود:

- و يتخالف الترك و الروم و تكثر الحروب في الأرض (غيبت طوسی ص ۴۶۳)
- «ابن عيسى عن البزنطی عن الرضا عليه السلام «قدام هذا الامر قتل بيوح، قلت: و ما البيوح؟ قال: دائم لا يفتر. (قرب الإسناد ص ۳۸۴)
- قال الباقر (عليه السلام): لا يقوم القائم إلا على خوف شديد من الناس، وزلازل وفتنة، وبلاء يصيب الناس... (غيبت نعمانی ص ۲۶۰)
- .... و هي سنة اختلاف في كل ارض من ارض العرب، وان أهل الشام يختلفون عند ذلك على ثلث رايات ... (تفسير عیاشی ج ۱ ص ۶۴)
- فتلك السنة - يا جابر - فيها اختلاف كثير في كل أرض (من ارض العرب) من ناحية المغرب، فأول أرض تخرب أرض الشام... (غيبت نعمانی ص ۲۸۹)

در انجيل نیز به جنگهای پیش از ظهور اشاره شده است:

- عیسی فرمود: ... وقتی درباره جنگها و اغتشاشات چیزی می شنوید نترسید. این چیزها باید اول اتفاق بیفتند... و افزود:  
«ملتى با ملت دیگر و مملکتى با مملکت دیگر جنگ خواهد کرد... وقتی این چیزها شروع شود شما راست بایستید و سرهایتان را راست نگاه دارید چون رستگاری شما نزدیک است. (انجيل لوقا باب ۷: ۳۱ - ۲۱)

طبق احادیث بویژه منطقه خاورمیانه پر از آشوب و جنگ و کشتار گسترده شده و اختلافات و جنگها و انقلابها در سرزمینهای عربی شروع می شود و با اختلافات و انقلابات و کشت و کشتارها در بیشتر کشورها، حکومتهای



مستحکم و دیکتاتور یکی پس از دیگری متلاشی می‌شوند، به نحوی که حین ظهور هیچ قدرت و حکومت مستحکمی در منطقه باقی نمی‌ماند، به عبارت دیگر در نتیجه این جنگها و آشوبهای گسترده پروسه "هلاک الملوک و قاصم الجبارین" یا به عبارت دیگر هلاکت رؤسا و حاکمان و پادشاهان و قلع و قمع دیکتاتورها و برجیده شدن بساط آنها در منطقه خاورمیانه که برای محقق شدن امر ظهور ضروری می‌باشد، عملی شده تا آنکه همه حکومتهای جبار منطقه متلاشی می‌شود و بدین شکل هیچ قدرت و حاکمیت مستحکمی باقی نخواهد ماند تا در حین ظهور مانع امر حضرت شود، در حدیثی می‌فرماید وقتی که خداوند اراده کند تا اسلام و عزتش را اعاده کرده و برگرداند بعد از این که از آن جز اسمی و از قرآن جز رسمی نمانده باشد، همه جبارین و دیکتاتورها را متلاشی می‌کند:

• ...- فإذا أراد الله عز وجل أن يعيد الاسلام عزيزا قاصم كل جبار، وهو القادر على ما يشاء...

(بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۳)

و در حدیث دیگری می‌فرماید حضرت مهدی (عج) خروج نمی‌کند تا اینکه هیچ امیر و دیکتاتوری نمانده باشد:

• ... لا يخرج المهدي حتى لا يبقى قیل و لا ابن قیل إلا هلك، والقيل هو الرأس. ("قیل" یعنی رئیس، دیکتاتور و امیر)

(فتن ابن حماد ح ۳۷)

در عراق و عربستان و یمن نیز جنگ و اختلاف و ویرانی بار می‌آید، که در احادیث از آنها نام برده شده و در جلد اول بخشی از این احادیث را آوردیم، از جمله در روایتی به هلاکت دو تن از رؤسا و ملوک اشاره شده و گفته شده یکی کشته می‌شود و نه کسی در زمین از او حمایت می‌کند و نه کسی در



آسمان عذرش را می پذیرد، و دیگری از سلطنت خلع می شود و همه زمین را می گردد کسی پناهش نمی دهد(۱) و هلاکت آنها قبل از ظهور و برگشتن حاکمیت به خاندان نبوت اتفاق می افتد:

• یقتل خلیفة ماله من السماء عاذر، و لا فی الأرض ناصر، و یخلع خلیفة حتی یمشی علی وجه الأرض لیس من الآخر شیء- لا یجد ملجأ-...الملک یرجع فی أهل النبوة (بشارة الإسلام ص ۲۴۴)

و به این شکل طبق برنامه الهی کل حکومت‌های باطل و دیکتاتور در منطقه، که احتمال تسلیم شدنشان در قبال حضرت در حد صفر می باشد، پاکسازی و ریشه کن می شوند، به طوری که فرمودند در حین ظهور ("لا قیل و لا ابن قیل" "والقیل هو الرأس") یعنی هیچ رئیس و امیر و امیرزاده‌ای باقی نمی ماند و خداوند همه آنها را پاکسازی می کند، به طور خلاصه قبل از ظهور حضرت، حکومت‌های دیکتاتور منطقه با مشیت الهی یکی پس از دیگری متلاشی می شوند به نحوی که در حین ظهور، هیچ حکومت مستحکم و پر قدرتی در منطقه باقی

---

1 - سرنوشت و هلاکت صدام و شاه ایران شباهت زیادی به این دو مورد هلاکت مذکور در این روایت دارد! چرا که صدام کشته شد و کسی در زمین از او حمایت نکرد و طبعاً در اثر کثرت جنایات وحشتناکش عذری هم از او در آسمان پذیرفته نخواهد شد، و شاه ایران خلع شد و در جهان گشت اما کسی حاضر نشد به او پناه دهد و نهایتاً در مصر و در حال در بدری از دنیا رفت و اساساً هلاک الملوک و قضم الجبارین با انقلاب ایران و خلع شاه ایران شروع شد و استارت خورد چنانچه در زمان انقلاب نیز اعلامیه ها همیشه با "بسم الله القاصم الجبارین" شروع می شد، و اگر چنانچه انقلاب ایران اتفاق نمی افتاد عراق نیز شلوغ نمی شد و صدام نابود نمی شد و بهار عربی هم که در احادیث از آن به "اختلاف کثیر فی کل ارض من ارض العرب" تعبیر شده، و در نتیجه آرایش ژئوپلیتیک منطقه دست نخورده می ماند ظهور و جمع شدن یاران حضرت در ایران غیر ممکن می شد، و شاید به همین جهت اهلیت(ع) فرمودند مبدأ ظهور ایران می باشد.



نمی ماند که جلوی حضرت مقاومت کند و مانع مستقر شدن حکومت مهدوی در منطقه شود، آنچه از احادیث استفاده می شود این است که هلاک الملوک با هلاکت شاه ایران شروع می شود و اثر آن خروج به دیگر مناطق رسیده و جباران و دیکتاتورها در کشورهای عربی یکی پس از دیگری هلاک می شوند:

• عن النبي (ص) انه قال: «أول الناس هلاكا فارس ثم العرب على اثرهم». من يتتبع معنى كلمة: (هلاک الفرس و هلاک العرب) في اخبار الغيب النبوية يقطع بأن المراد منها، ملوك العرب، و ملوك الفرس خاصة... و معنى الحديث الاول: ان اول الملوك الظالمين هلاكا في العالم هم ملوك بلاد فارس، ثم ملوك العرب على اثرهم، ثم يهلك بقية ملوك العالم فتنهاوی عروش طواغیت الشرك و ائمة الكفر في المعمورة كلها تدريجيا. (ثورة الموطئين للمهدي ص ۲۸۵)

چنانچه عملا هم شاهد هستیم که هلاک الملوک با هلاکت شاه ایران شروع شد و با هلاکت دیکتاتورها یکی پس از دیگری با انقلاباتی که متأثر از انقلاب ایران بودند از جمله در عراق و در سطح منطقه ادامه پیدا کرد، از این مرحله در احادیث تحت عنوان "هلاک الملوک" و "قصم الجبارین" یاد شده است:

• «تكون بعد فتنة الشامية الشرقية هلاک الملوك و ذل العرب... بعد از فتنه شام شرقی به هلاکت رسیدن پادشاهان و ذلیل شدن عرب ها باشد - یعنی در پی فتنه های مشرق زمین حاکمان هلاک شده و گردنکشان عرب ذلیل می شوند! به عبارت دیگر از هم پاشیدن حکومت های دیکتاتور عرب در سطح منطقه خاورمیانه می باشد) (فتن ابن حماد ص ۱۱۳)

• ...ثم الشرقية هلاک الملوك ثم تتبعها الغربية... (فتن ابن حماد ص ۳۰)

یعنی پس از فتنه های مشرق زمین و هلاک ملوک آن، فتنه ها در مغرب زمین



شروع می‌شود. که احتمالاً جنگ جهانی عظیمی خواهد بود که طی آن طبق احادیث دو سوم بشریت نابود خواهد شد و حاکمیت جهانی دجال تا متلاشی شدن پیش خواهد رفت،

اینها تعدادی از احادیث هستند که به این مرحله اشاره دارند و حتی چگونگی و کیفیت متلاشی شدند بعضی حکومت‌های منطقه نیز در احادیث بیان شده است. طبق این احادیث، هلاک الملوک با خروج و انقلاب شیعی در ایران شروع شده و شاه ایران خلع شده و همه زمین را می‌گردد کسی پناهنش نمی‌دهد و هلاک می‌شود، رئیس ضد شیعه عراق کشته می‌شود و در عربستان پادشاهی به اسم عبدالله می‌میرد و بعد از او بینشان اختلاف می‌افتد که به درگیری و کودتا و کشتار همدیگر می‌انجامد، یکی از افراد خاندان سلطنت کسی را می‌کشد و کشتن او را چند روزی مخفی می‌کند ولی بعداً افشا می‌شود و از همانجا زوال حکومتشان شروع می‌شود.

در احادیث حتی از کشورهای منطقه نام برده شده به و نحوه متلاشی شدن حکومت‌هایشان اشاره شده است، از جمله:

- عراق با حمله‌ی غرب و جنگ و کشتار بی‌امان، (رایات الصفر یحتلون العراق بدم یراق- طوفان السیوف یا طوفان انفجارات، بغداد- قتل لا یتوقف بالعراق- کشته شدن رئیس ضد شیعه عراق- قتل خلیفه التی علیکم بالعراق و...

- در مصر و یمن خروج و انقلاب می‌شود

- غرب و سفیانی به ایران حمله کرده و ویران می‌کنند و ری از بین می‌رود (یخربون خراسان، و خراب الری من السفیانی ) ولی نهایتاً غرب و عاملش سفیانی به دست لشگر خراسانی و یمانی شکست خورده و فرار می‌کند.

- عربستان: مرگ عبدالله و اختلافات داخلی بین حاکمیت، و شورش شیعیان.



- شام : جنگ و آشوب در کشورهای عربی به سوریه کشیده میشود و آنجا به جز دمشق و حوالی اش، در اثر جنگ شدید و مستمر ویران میشود و پس از ویرانی شام، غرب با "براذین الشهب" یا حمله کننده هائی مثل شهاب، به آنجا حمله‌ی هوائی می‌کند... و نهایتاً دمشق را می‌گیرد.

- من الملاحم عند خراب الشام... فإذا قرع الرأس هلك الناس، قيل لكعب، وما قرع الرأس؟ قال: الشام تخرّب. (الملاحم و الفتن ص ۴۷)
- تكون بالشام فتنة تسفك فيها الدماء... (الملاحم و الفتن ص ۱۲۴)
- فأول أرض تخرّب أرض الشام.... (غيبت نعماني ص ۲۸۹)
- وتحرّق نارهم الشام "فأها لحلب بعد حصارهم وآها لخرابها بعد دمارهم... وستهدم حصون الشامات وتطوف ببلادها الآفات "فلا يبقى إلا دمشق ونواحيها" ویراق الدماء بمشارقتها وأعالیها. (الزام الناصب ج ۲ ص ۱۸۹. و ص ۲۰۴)
- وخراب الشامات.. (بحار ۵۲ ص ۲۷۵)

و به این شکل قبل از ظهور حکومت‌های منطقه یکی پس از دیگری متلاشی و نابود می‌شوند تا زمینه ظهور ایجاد شود و حضرت حین ظهور با هیچ حکومت مستحکمی روبرو و درگیر نشود.

یعنی اول منطقه عرب و خاورمیانه، و در ادامه همه جهان، از قدرتها خالی شده و دچار خلأ عظیم سیاسی و خلأ قدرت خواهد شد، و حضرت با دوازده هزار نفر لشگری که اکثراً جوان و اهل ایران خواهند بود، آن خلأ را پر کرده و ابتدا به منطقه خاورمیانه و در ادامه به جهان مسلط خواهد شد.



## مرحله چهارم ظهور:

### آمدن سفیانی خراسانی و یمانی

پاکسازی زمین با مریضیه‌های واگیردار و جنگ جهانی اتمی

### و متلاشی شدن قدرتهای جهانی

در ادامه جنگ و آشوبها و هلاک الملوک در کشورهای عربی وارد مرحله‌ی چهارم ظهور شده و کم کم به ظهور حضرت نزدیکتر می شویم و بعد از آنکه دنیا پر از آشوب شده و جنگ و کشتار و ویرانی و گرانی و مشکلات همه جا را پر می کند و در حالیکه زمینه‌های حکومت واحد جهانی توسط سیستم دجالی ایجاد شده و در ایران حکومت و قدرت شیعی شکل گرفته و اختلاف و تضاد ماهوی بین ایران شیعی و غرب دجال تشدید شده و حکومتها و دیکتاتورهای منطقه یکی پس از دیگری در اثر جنگها و آشوبها و انقلابات سقوط کرده و متلاشی شده و شام در اثر جنگها ویران شده، علائم حتمیه شروع می شود و سه شخصیت مشهور که از علائم حتمیه هستند و نقش بزرگی را در دوران قبل از ظهور حضرت بازی می کنند، یعنی سفیانی، خراسانی و یمانی، ظاهر گشته و وارد صحنه می شوند، نیرو جمع کرده، لشکر آماده کرده و آماده جنگ می شوند، سفیانی به عنوان عامل دجال، خراسانی از طرف جبهه شیعه و یمانی از طرف امام زمان(عج) وارد جنگ شده و با سفیانی مقابله کرده و او را شکست می دهند، در فصلهای بعدی به بررسی این سه نیرو خواهیم پرداخت:

- إن قدام هذا الأمر خمس علامات أولاهن النداء في شهر رمضان و خروج السفیانی و خروج الخراسانی... (غیبت نعمانی ص ۲۹۰)





- للقائم خمس علامات ظهور السفیانی و الیمانی... (غیبت نعمانی ص ۲۵۲)

قابل توجه است که برای این سه نیرو، یک ظهور مطرح است و یک خروج، چرا که این نیروها نیروهای خلق الساعه نیستند که در یک روزه از زمین برویند یا از آسمان نازل شوند و با هم وارد جنگ شوند، بلکه اول باید بطور طبیعی وارد صحنه شوند و کار و فعالیت خود را شروع کنند چرا که سالها وقت لازم خواهد بود تا اینها نیرو جمع کرده و موقعیت خود را تثبیت کرده و نهایتاً در موعد مقرر همزمان خروج کرده و وارد جنگ شوند، بویژه این که طبق روایات هر سه شخصیت دارای نیروهای جنگنده و ورزیده و لشکر عظیم خواهند بود.

در دورانی که این سه شخصیت وارد صحنه شده و کارها و فعالیتشان را برای آماده شدن جهت جنگ بزرگ شروع می کنند در سطح جهانی نیز اتفاقات مهیبی پیشگوئی شده است و از جمله طبق پیشگوئیهای موجود در تورات و انجیل و احادیث وارده از اهل بیت (ع)، دوسوم بشریت با طاعون و وبا و مرضهای واگیر و جنگ جهانی مهیب و اتمی از بین خواهد رفت، جنگی که طی آن بنابر آنچه در تورات آمده انسانها به جای مردن، ایستاده ذوب می شوند، و بدین شکل ابرقدرتهای جهانی طی یک جنگ مهیب و عظیم همدیگر را متلاشی کرده و دوسوم بشریت که امیدی به ایمان آوردنشان نمی رود، مثل زمان حضرت نوح، هلاک خواهند شد. (ثم الشرقية هلاك الملوك ثم تتبعها الغربية)

- سمعت علیا یقول: (لا یخرج المهدي حتی یقتل ثلث ویموت ثلث ویبقی

(ملاحم سید ابن طاووس باب ۱۱۱)

ثلث!



• - سمعنا أبا عبد الله عليه السلام يقول: لا يكون هذا الامر حتى يذهب ثلثا الناس، ....!  
 (غيبت نعمانی ص ۳۳۹)  
 در انجیل نیز آمده است که آن زمان مثل زمان حضرت نوح(ع) و زمان حضرت لوط(ع) خواهد شد!:

• آنروزها همچون روزهای نوح خواهد بود، مردم می خوردند و می نوشیدند.... تا آن روز که نوح به کشتی درآمد. آنگاه سیل برخاست و همه را هلاک کرد. و مثل زمان لوط.... مردم سرگرم خوردن و نوشیدن و خرید و فروش بودند.... آتش و گوگرد از آسمان بارید و همه را هلاک کرد. روز ظهور پسر انسان نیز به همین گونه خواهد بود ( انجیل لوقا باب ۱۷)

طبق این فرمایش حضرت مسیح(ع) مردم باور نخواهند کرد که حین ظهور است و آشکار شدن بلاها و عذابهای قبل از ظهور را جدی نگرفته و به عنوان مشکلات عادی در نظر خواهند گرفت! و به کار و زندگی عادی خود ادامه داده و مشغول کار و بار و خورد و خوراک و روزمره خود خواهند شد و یک دفعه خواهند دید دنیا پر از جنگ و کشتار و آشوب و بلا گشته و راه حلی هم نخواهند یافت! و لذا در حدیثی هم فرمودند تا همه از اصلاح امور مایوس نشوند و به این نتیجه نرسند که دیگر جز صاحب امر کسی نمی تواند امور را اصلاح کند، حضرت ظهور نخواهد کرد، و لذا طبق این احادیث، قبل از ظهور همه جا پر از مشکلات خواهد شد، و عذابها و کشتارها پی در پی و در همه جا پدیدار خواهند شد، و گرانی یا باصطلاح احادیث به جوش و خروش آمدن قیمتها (غلاء الاسعار) همه جا مشهود خواهد بود:

• عن أبي عبد الله(ع) قال: إن قدام قيام القائم علامات بلوى من الله تعالى لعباده المؤمنين. قلت: و ما هي؟ قال: ...غلاء أسعارهم، و نقص من الأموال، و فساد التجارات... و موت ذريع... عند ذلك يخرج القائم (غيبت نعمانی ص ۲۵۰)



در نتیجه مردم با دیدن اینهمه مشکلات از اصلاح امور مأیوس خواهند شد: (۱)

- إذا خرج عند اليأس و القنوط من أن يروا فرجا. (غیبت نعمانی ص ۲۵۵)

در این بلوا و بلاهای بزرگ دو سوم مردم کره زمین با با مرگ سفید و مرگ سرخ یعنی مریضیه‌های واگیردار و جنگ پاکسازی خواهد شد، در ادامه به بررسی مختصر این دو امر می پردازیم:

### ۱- گسترش طاعون (یا بیماریهای واگیردار) قبل از ظهور حضرت

- قال أمير المؤمنين(ع): بين يدي القائم موت أحمر وموت أبيض... فأما الموت الأحمر فالسيف وأما الموت الأبيض فالطاعون. (غیبت طوسی ص ۴۵۸)
- قال الباقر (عليه السلام): لا يقوم القائم إلا على خوف شديد من الناس، وزلازل وفتنة، وبلاء يصيب الناس، وطاعون قبل ذلك. (غیبت نعمانی ص ۲۶۰)

در تورات نیز اینچنین آمده است:

- اگر آسمان بسته شد و بارانی نبود، و اگر به ملخ ها فرمان دادم تا زمین را بخورند، و اگر بر خلق خود وبا را بفرستم... اینها اگر وصل شوند و روی مرا بخواهند و از راه های سقوط (وگمراهی) خود باز گردند من از آسمان می شنوم و گناهان آنها را می بخشایم و زمین آنها را (با فرستادن منجی) پاکیزه می سازم. (تورات، سفر دوم تواریخ باب ۷)

<sup>1</sup> - این وضعیت امروزه در اکثر کشورها حتی در کشورهای اروپائی مشهود می باشد و مردم اکثرا کلافه و سردرگم هستند و نگران آینده خودشان هستند که چه خواهد شد.



بنابر این احادیث و پیشگوئیها، قبل از ظهور حضرت دوسوم بشریت که امیدی به ایمان آوردن آنها نیست، طی وضعیتی شبیه طوفان نوح(ع)، با مرگ سرخ و مرگ سفید هلاک خواهند شد و زمین از کفر و بی ایمانی پاک خواهد شد:

• وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا [سوره نوح: ۲۶]

یک سوم از این تعداد با سلاح هلاک خواهند شد (طبعاً امروزه هیچ سلاحی جز سلاح اتمی قادر به نابود یک سوم بشریت نمی باشد)، و یک سوم با طاعون و مریضیهای مسری هلاک خواهند شد، چرا که در حین ظهور نیز مثل زمان نوح(ع) کفر و فساد و تباهی زمین را فرا می گیرد:

• ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ.  
(روم: ۴۱)

بنابر این طاعون و جنگ جهانی اتمی، دو عذاب الهی خواهند بود تا خداوند زمین را قبل از ظهور حضرت، مثل زمان حضرت نوح(ع)، از قدرتها و انسانهایی که از خداوند دور شده و غرق در فسق و فجور و فساد شده اند و امیدی به اصلاح و ایمان آوردن آنها نیست، پاکسازی کند.



## ۲- جنگ جهانی اتمی و کشته شدن یک سوم بشریت

طبق تصریح احادیث اهل بیت (ع)، قبل از ظهور یک سوم بشریت در جنگ با سلاح از بین خواهند رفت، چند نمونه از این احادیث را در زیر می آوریم

• قال أمير المؤمنين عليه السلام: بين يدي القائم موت أحمر، وموت

أبيض... فأما الموت الأحمر فالسيف... (غیبت طوسی ص ۴۵۸)

یعنی امیرالمؤمنین (ع) فرمودند قبل آمدن قائم (ع)، مرگ سرخ خواهد بود و

مرگ سفید، مرگ سرخ مرگ با سلاح خواهد بود.

مرگ یک سوم بشریت با سلاح در انجیل نیز پیشگوئی شده است:

• -پس آن چهارفرشته که برای ساعت و روز و ماه و سال معین مهیا شده اند

تا اینکه ثلث مردم را بکشند، خلاصی یافتند. و به اینطور اسبان و سواران

ایشان را در رؤیا دیدم که جوشن های آتشین ... و از دهانشان آتش و دود و

باروت بیرون می آید. از این سه بلا یعنی آتش و دود و کبریت که از دهانشان

برمی آید، ثلث مردم هلاک شدند. (انجیل، مکاشفات یوحنا، باب ۹)

طبعاً یک سوم بشریت با سلاح معمولی از بین نمی رود و این کار جز از سلاح

هسته ای ساخته نیست، خداوند در سوره یس می فرماید:

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۸) مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً

تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ (۴۹) فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ) ۵۰»



مضمون آیه این است که منکران با تمسخر می گویند پس این وعده (آمدن منجی) چی شد؟ بگو وقتی زمانش رسید با صوت و صیحه‌ای (منکران) نابود خواهند شد و مجال هیچ کاری را نخواهند یافت!

و در تفسیر برهان در تفسیر این آیه می فرماید این صوت و صیحه در آخرالزمان اتفاق خواهد افتاد و همه (منکران و تمسخر کنندگان) با آن صوت و صیحه در لحظه خواهند مرد و محو و نابود خواهند شد :

• قوله: وَ يَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ؟ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَ هُمْ يَخِصِّمُونَ! ذلك في آخر الزمان، يصاح فيهم صيحة و هم في أسواقهم يتخاصمون، فيموتون كلهم في مكانهم، لا يرجع أحد منهم إلى منزله، و لا يوصى بوصية، و ذلك قوله: فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَ لَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ. (البرهان في تفسير القرآن ج ۴ ص ۵۷۸)

• قال تعالى: (وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ)..(وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ)...لأن "الصيحة" فيها بمعنى العذاب والخزي، (البرهان للزركشي ج ۳ ص ۳۶۸)

در نیز تورات در باره صیحه جنگ و عذاب قبل از ظهور و دلیل آن آمده:

• خداوند می فرماید...مردم همه شریر شده‌اند....غرض صدای خداوند... برمی خیزد! و همچون رعد ... فریاد می زند آسمان و زمین به لرزه در می آیند، (تورات کتاب یوئیل باب ۳ آیه ۹ به بعد)

می توان گفت این صیحه همان صوت انفجارهای اتمی است که در تورات می فرماید مردم آن زمان ایستاده ذوب خواهند شد!، و در انجیل از زبان حضرت



مسیح آمده است که اگر آن جنگ در آخرالزمان طول می کشید همه جانداران نابود می شدند! :

- زیرا در آن روزها چنان مصیبتی روی خواهد نمود، که از زمانی که خدا دنیا را آفرید تا به حال، مثل آن دیده نشده و دیگر هم دیده نخواهد شد اگر خداوند آن روزها را کوتاه نمی کرد، هیچ جانداری، جان سالم بدر نمی برد، اما به خاطر برگزیدگان خود آن روزها را کوتاه کرده است. (انجیل مرقس باب ۱۳)
- آدمیان از وحشت تصوّر آنچه بر سر دنیا خواهد آمد، از هوش خواهند رفت و قدرت های آسمانی به لرزه خواهند افتاد... (انجیل لوقا باب ۲۱: ۷-۳۱)

ملاحظه میشود که حضرت مسیح می فرماید اگر آن جنگ در آخرالزمان طول بکشد کل موجودات زنده نابود می شود! و چه سلاحی جز سلاح هسته ای میتواند کل جانداران را نابود کند؟ و واقعا چرا خداوند اینهمه بمب اتم را به دست بشر ایجاد کرده و در زرادخانه ها ذخیره کرده؟ برای یکچنین روز و هدفی! اما چرا این عذاب الیم و بلای عظیم؟

**ضرورت غضب خداوند بر ظالمین و تطهیر زمین از کفر و**

**ظلم و فساد در دوران پیش از ظهور**

چنانچه دیدیم دو سوم بشریت با عذاب و بلاهای عظیم یعنی طاعون جنگ، مثل زمان حضرت نوح(ع) و حضرت لوط، هلاک خواهند شد، و این امر به فرموده امام صادق(ع) لابد و ضروری می باشد:

- عن أبي عبد الله(ع): إنه لا بد أن يكون قدام ذلك الطاعونان، الطاعون الأبيض و الطاعون الأحمر... أما الطاعون الأبيض فالموت الجارف و اما



اما چرا ضروری؟ و ضرورت این عذاب عظیم و بلای گسترده کجاست؟ با توجه به این حقیقت که با ظهور امام زمان (عج) تاریخ بشریت ورق می خورد و حاکمیت زمین از دست شیطان و شیطانیان در آمده و به دست حجت خدا افتاده و حاکمیت خدا در زمین شروع می شود، برای این تغییر و تحول بزرگ و عظیم، که طی آن جهنم زمین تبدیل به بهشت می شود، یک سری اقدامات اساسی ضروری خواهد بود، از جمله تطهیر زمین از لشگریان شیطان، چرا که در دوران حاکمیت شیطان، زمین پر از ظلم و فساد و تباهی می شود و هرچه به آخرالزمان نزدیکتر می شود ظلم و تباهی و کفر نیز بیشتر می شود، طوری که حقیقت، صفا و صمیمیت، ایمان و معرفت از بین می رود، و زمین پر از ظلم و جور و فساد و مشکلات متعدد می شود و چنانچه خداوند در قرآن می فرماید فساد همه گیر میشود:

• ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ، لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي

عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

[الروم: ۴۱]

در انجیل نیز به این فساد و تباهی گسترده اشاره کرده و می گوید: وای بر مردم آخرالزمان چرا که شیطان در آن زمان می داند مهلتش رو پایان است و زمین را پر از تباهی می کند.

با این شرائط در حین ظهور منجی، دو مشکل و معضل بزرگ پیش می آید، اول اینکه اکثریت مردمی که به کفر و بی ایمانی و فساد خو کرده و در آن بزرگ شده اند و از خدا و ایمان و معنویت دور شده اند، حاضر به تمکین و ایمان به حجت خدا نخواهند شد و بلکه او را به تمسخر و استهزاء گرفته و طرد خواهند





کرد، مثل زمان حضرت نوح(ع) که حضرت نوح را به تمسخر گرفته و ایمان نمیآوردند.

دومین معضل بزرگ قدرتهای بزرگ شیطانی می‌باشند که به هیچوجه در مقابل حجت خدا تمکین نکرده و به او مجال نداده و تسلیم او نخواهند شد بلکه مثل همیشه تاریخ در پی سرکوب و از بین بردن آنها خواهند بود، مثلاً در حال حاضر قدرتهای بزرگی مثل آمریکا و روسیه و چین به هیچوجه به اختیار خود تسلیم حجت خدا نشده بلکه در صورت رو در روئی در پی نابود کردن او خواهند بود.

به همین دلائل، طبق احادیث اهل بیت(ع)، باید خداوند در آخرالزمان بر ظالمین غضب آورده و زمین را بعد از آنکه از ظلم و فساد و فسق و فجور و کفر پر شده و مردم تبدیل به بهائم شوند، از لوث وجود آنها تطهیر کند و احدی از آنها را زنده نگذارد، چنانچه زمان حضرت نوح(ع) حضرت دعا کرد و از خدا خواست تا زمین را تطهیر فرموده و احدی از کافران را زنده نگذارد، چرا که در غیر اینصورت زمین همچنان پر از کفر و فسق و فجور خواهد ماند:

• وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا \*

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا [سوره نوح : ۲۷- ۲۶]

در آن زمان خداوند زمین را با دعای حضرت نوح(ع) از کافران پاکسازی کرد، و طبق احادیث همین امر در آخرالزمان نیز تکرار خواهد شد، اما طبق احادیث وارده این بار به جای حضرت نوح، پیامبر(ص) با اهل بیتش در آسمانها دعا خواهند کرد که خدایا وعدهات را عملی ساز و غضب فرما بر ظالمین و حجتت



را جانشین آنها در زمین قرار بده، چنانچه در کتاب غیبت نعمانی آمده است:

- عن الإمام الصادق عليه السلام قال: إذا كان ليلة الجمعة أهبط الرب تعالى ملكا إلى السماء الدنيا، فإذا طلع الفجر جلس ذلك الملك على العرش فوق البيت المعمور، و "نصب لمحمد وعلي والحسن والحسين(ع) منابر من نور." فيصعدون عليها وتجمع لهم الملائكة والنبيون والمؤمنون، وتفتح أبواب السماء، فإذا زالت الشمس قال رسول الله صلى الله عليه وآله : يارب ميعادك الذي وعدت به في كتابك، (وهو هذه الآية: وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف الذين من قبلهم وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد خوفهم أمنا) ثم يقول الملائكة والنبيون مثل ذلك، - ثم يخبر محمد وعلي والحسن والحسين سجدا، ثم يقولون :

يا رب اغضب" فإنه قد هتك حريمك، وقتل أصفياؤك، وأذل عبادك

الصالحون، فيفعل الله ما يشاء، وذلك يوم معلوم... (غیبت نعمانی: ص ۲۸۲)

شرح این جلسه آسمانی که در این حدیث شریف آمده، در انجیل نیز در کتاب مکاشفات یوحنا که وقایع آخرالزمان را توضیح می دهد، در باب های ۴ تا ۶ آمده است.

بله در آخرالزمان هم خداوند با دعای پیامبر(ص) مثل زمان حضرت نوح(ع) بر غضب کرده و با کن فیکون زمین را شخم زده و آن را از وجود ظالمان و فاسدان آنها تطهیر و پاکسازی می کند، و تحویل صاحبش و منجی عالم بشریت می دهد، در احادیث دیگری نیز به این غضب اشاره شده است از جمله:

- فعند ذلك يغضب الله تبارك وتعالى عليهم، فيقطعن بالرمح النافذ، ويضرب بالسيف القاطع... (معجم احادیث امام مهدی ج ۱ ص ۳۶۰)



- فیومئذ یغضب الله لدینه فیطعن برمحہ و یضرب بسیفہ ویسلط الله الحدید بعضه علی بعض، (معجم احادیث امام مهدی ج ۱ ص ۳۷۲)
- فإذا نزل غضب الله تعالی، نزل علیهم کلهم". (معجم احادیث امام مهدی ج ۲ ص ۷۱)

بنابر این، به دلایل عقلی و نقلی ذکر شده، تطهیر زمین پیش از ظهور حضرت، از ظالمان و فاسدان امری اجتناب ناپذیر و ضروری می نماید و دلیل ضرورت این بلا و عذاب عظیم دقیقاً همان دلیل عذاب قوم نوح (ع) و دیگر اقوام هلاک شده گذشته می باشد، چرا که بدون این پاکسازی بزرگ امکان تطهیر زمین از ظلم و کفر و فساد وجود نخواهد داشت!

نوح نهمصد سال مردم را به سوی خدا دعوت کرد اما نتیجه نزدیک به صفر بود! و مردم عکس العملی جز تکذیب و استهزاء و تمسخر نشان ندادند! نوح بعد از مأیوس شدن از هدایت مردم در خواست عذاب کرد، اما مردم باز به تمسخرش ادامه دادند! تا اینکه روز عذاب و پاکسازی زمین از کافران رسید! چرا که چاره دیگری نمانده بود!

یا باید خداوند زمین را برای همیشه به دست کافران می سپرد تا همه چیز را به فساد و تباهی و نابودی بکشانند.

و یا اینکه زمین را از وجود کافران پاکسازی میکرد! و خداوند پاکسازی کرد! در زمان ظهور هم خداوند یا باید زمین را برای همیشه در دست ظالمان و کافران و ستمگران فاسد رها کند تا تباه شود!

و یا مثل زمان حضرت نوح (ع)، قبل از آمدن منجی، زمین را از وجود قدرتهای شیطانی و انسانهایی که حاضر به ایمان آوردن و همراهی با منجی نخواهند شد



برای همیشه پاکسازی کند و چاره دیگری نیست!  
و خداوند اراده کرده که اول زمین را پاکسازی کند، و سپس به دست حجت و خلیفه اش بسپارد تا آن را برای یکسوم باقیمانده که ایمان می آورند، پر از عدل و داد و ایمان و آزادی کند و آنها وارث زمین می شوند، چنانچه پیامبر(ص) فرمودند:

- قال رسول الله(ص): فإذا أَرَادَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُعِيدَ الْإِسْلَامَ عَزِيزًا قَصِمَ كُلَّ جَبَّارٍ، وَهُوَ الْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ... (معجم احادیث امام مهدی ج ۱ ص ۱۷)

یعنی وقتی خداوند بخواهد اسلام را برگرداند و عزت دهد و بر زمین حاکم کند، ابتدا همه قدرتهای جبار را تار و مار میکند.  
چنانچه حضرت عیسی(ع) نیز در پاسخ فریسیان که پرسیده بودند پادشاهی خدا کی خواهد آمد؟ فرمود:

- روزهای (آمدن منجی) همچون روزهای نوح خواهد بود... و مثل زمان لوط ... که آتش و گوگرد از آسمان بارید و همه را هلاک کرد. (انجیل لوقا باب ۱۷)

آیا اگر قدرتهای آمریکا و چین و روسیه دست نخورده بمانند تسلیم حضرت خواهند شد؟ طبعاً و صد البته که نه! پس خداوند همه این جباران را و انسانهای فاسد شده تابع آنها را با مریضیهای واگیردار جهانی و یک جنگ جهانی و اتمی، با بمبهای اتمی و سلاحهای بیولوژیک و مرضهای مسری که خودشان ساختند، به دست خودشان تار و مار خواهد کرد:

- يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ (الحشر: ۲)
- لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا...! (روم: ۴۱)

لذا امام صادق(ع) فرمود این امر(ظهور) اتفاق نخواهد افتاد مگر بعد از هلاکت دو سوم مردم. پرسیده شد بعد از از بین رفتن دوسوم مردم چه کسی باقی



میماند؟ فرمود آیا دوست ندارید شما(ایمان آورندگان ) آن یکسوم باقیمانده باشید؟

• ... سمعنا أبا عبد الله عليه السلام يقول: لا يكون هذا الأمر حتى يذهب  
ثلثا الناس! فقلنا: إذا ذهب ثلثا الناس فمن يبقى؟ فقال: أما ترضون أن  
تكونوا في الثلث الباقي؟  
(بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۱۳)

و در انجیل نیز آمده که آن روزها نترسید چون رستگاری شما رسیده است:

• عیسی فرمود: ... وقتی درباره جنگها و اغتشاشات چیزی می شنوید  
نترسید". این چیزها باید اول اتفاق بیفتند" و افزود: ملتتی با ملت دیگر و  
مملکتی با مملکت دیگر جنگ خواهد کرد زمین لرزه های سخت پدید  
خواهد آمد. در بسیاری از نقاط خشکسالی و بلاها پدید خواهد آمد... وقتی  
این چیزها شروع شود: شما راست بایستید و سرهایتان را راست نگاه دارید  
چون رستگاری شما نزدیک است.  
(انجیل لوقا باب ۷)

بله این بار برخلاف زمان حضرت نوح(ع) که همه هلاک شدند و فقط هفتاد  
هشتاد نفر باقی ماند، یک سوم بشریت که بیش از دو میلیارد نفر می شود باقی  
خواهند ماند و صدها سال زمین مثل بهشت خواهد شد و صالحان وارث و حاکم  
زمین خواهند شد.

چنانچه گفته شد در تورات و انجیل نیز به این غضب خداوند در آخرالزمان  
بارها تصریح شده است، از جمله:

• و آوازی بلند شنیدم که از میان قدس به آن هفت فرشته میگوید که «بروید،  
هفت پیاله غضب خدا را بر زمین بریزید.»  
(مکاشفات یوحنا باب ۱۶)



- مردم با شکستن قوانین خدا و با شکستن پیمانی که آنها با خداوند تا ابد بسته بودند، زمین را آلوده کرده‌اند. پس زمین لعنت شده است و مردم آن، جزای آنچه را که خود کرده‌اند می‌بینند و تعداد کمتر و کمتری زنده می‌مانند...حتی کسانی که زمانی آدمهای شادی بودند، اکنون افسرده هستند...در شهر هرج و مرج است و مردم برای امن بودن، درهای خانه‌های خود را قفل می‌کنند...شهر ویران شده و دروازه‌های آن شکسته است. این است آنچه برای تمام ملت‌های جهان (در آخرالزمان) روی خواهد داد. (کتاب اشعیا نبی باب ۲۴)
- و در جای دیگر تورات در باره صیحه جنگ و عذاب قبل از ظهور می‌فرماید:
- مردم همه شریر شده‌اند! «به اقوام جهان اعلام کنید: برای جنگ آماده شوید...خداوند می‌فرماید:... مردم همه شریر شده‌اند...غرض صدای خداوند... برمی‌خیزد! و همچون رعد ... فریاد می‌زند، آسمان و زمین به لرزه در می‌آیند،

(کتاب یوئیل باب ۳ آیه ۹ به بعد)

## مرحله پنجم ظهور:

### خروج و جنگ سفیانی با خراسانی و یمانی و ظهور حضرت

در مرحله پنجم جنگ بین سفیانی و خراسانی و یمانی شروع خواهد شد، به عبارت دیگر بعد از این که این سه شخصیت طی سالیان نیروهای خود را جمع کرده و آنها را آماده نبرد بزرگ کردند، با هم و همزمان همانطور که در حدیث شریف آمده در یک سال و یک ماه و یک روز خروج کرده طی جنگی بزرگ که از شام تا عراق و ایران گستره اش خواهد بود باهم وارد جنگ می‌شوند، جنگی که در یک طرف غرب دجال و عوامل عربش که همان سفیانی است قرار دارد و در طرف مقابل خراسانی و یمانی، هدف غرب و سفیانی در این نبرد نابودی شیعه می‌باشد، یعنی بعد از اینکه غرب و عواملش



هجوم آورده و دمشق را گرفته و بر کل شام مسلط شدند به عراق حمله کرده و شیعه را در عراق شدیداً سرکوب می کنند، سپس به ایران که هدف اصلی و نهائی آنهاست حمله می کنند و با مقاومت شدید خراسانی و یمانی روبرو شده و در جنگ زمینی شکست خورده و فرار می کنند، شش ماه بعد از شروع جنگ سفیانی و خراسانی و یمانی که طبق احادیث شروعش در ماه رجب خواهد بود، در ماه محرم همان سال سفیانی یک لشگرش در ایران از یمانی و خراسانی شکست خورده و لشگر دیگرش در بیداء خسف شده و در زمین فرم می روند و حضرت مهدی (عج) در روز عاشورا ظهور می کنند و لشگر حضرت به تعقیب لشگر سفیانی رفته و بعد از هشت ماه جنگ آنها را در بیت المقدس شکست داده نابود کرده و بیت المقدس را از دست یهود آزاد می کنند.

طبق احادیث، بعد از ظهور، در حالی که غرب در جنگ زمینی شکست خورده و عقب نشینی کرده و عوامل عربش نابود شده اند پیشنهاد آتش بس خواهد داد و با حضرت قرار داد آتش بس هشت ساله امضا خواهد کرد، و حضرت در اولین قدم حکومت عدل و داد الهی را در خاورمیانه تشکیل داده و آنجا را پر از عدل و داد و رفاه خواهد کرد، و اخبار خاورمیانه به غرب رسیده و عطر عدل مهدوی جهان را پر خواهد کرد به نحوی که همه مردم جهان عاشق و خواهان این حکومت عادلانه که از شرق طلوع کرده، خواهند شد:

• تظهر بالمشرق و توجد ریحها بالمغرب کالمسک (بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۷۵)

و جهانیان که از دست ظلم و جور جنگ و فساد و مشکلات خسته شده اند خواهان آن نوع حکومت عادلانه و الهی خواهند شد و در نتیجه حکومتهای غربی بعد از دو سال آتش بس، حکومت خود را در اثر شورشها و



اعتراضات مردم غرب (که از هم اکنون شروع شده و قابل مشاهده است) در خطر دیده و برای نجات حکومت خود نقض آتش بس کرده و برای ریشه کن کردن حکومت عدل مهدوی به خاورمیانه حمله خواهند کرد و در طی جنگ عظیمی که از آن در احادیث به "ملحمه کبری" و در تورات و انجیل حارمجدو یا آرمادگدون تعبیر شده شکست خواهند خورد و پس از شکست آنها جهانیان تسلیم حضرت شده و خواهان استقرار سیستم عدل و داد خاورمیانه در کشورشان خواهند شد و حضرت ۳۱۳ نفر را به کشورهای جهان خواهد فرستاد تا تحت امر و نظارت ایشان، حکومت عدل مهدوی را که قبلا در خاورمیانه مستقر شده، در همه کشورها و در سطح جهانی پیاده و مستقر کنند، چنانچه امام صادق(ع) به حاکم شدن حضرت بر جهان اشاره کرده و فرمودند ۳۱۳ نفر حاکمان کره زمین خواهند شد:

- قال الصادق(ع): کأني أنظر إلى القائم على منبر الكوفة و حوله أصحابه ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا عدة أهل بدر و هم أصحاب الألوية و هم حكام الله في أرضه على خلقه (بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۹)

به این شکل طی این مراحل، و بعد از حوادث عظیمی که قبل از ظهور اتفاق می افتد، جهان از ستمگران خالی شده و مقدمات حکومت واحد عدل جهانی آماده می شود و با ظهور خود حضرت در پی این مراحل و حوادث، سیستم حاکمیت شیطان از جهان برچیده شده و حکومت عدل مهدوی برقرار می شود.



فصل دوم

# ظهور و خروج سفیانی



## شخصیت و حرکت سفیانی

چنانچه روشن شد، طبق احادیث، بعد از ظهور دجال و ایجاد زمینه ها و زیر ساختهای حکومت واحد جهانی (که امروزه تحت عنوان دهکده جهانی از آن یاد می شود) و بعد از خروج و انقلابی شیعی در ایران و قدرت گرفتن شیعه در جهان، و بعد از جنگ و کشتارها در کشورهای عربی و خاورمیانه پروسه هلاک الملوک و متلاشی شدن نظامهای جبار و دیکتاتور منطقه در مرحله سوم ظهور، در مرحله چهارم ظهور، سفیانی و خراسانی و یمانی وارد صحنه شده و آماده جنگ می شوند، در این مرحله است که چنانچه در ادامه خواهیم دید، لشگر امام زمان(عج) نیز در ایران تشکیل می شود، در ادامه به بررسی این حوادث که مربوط به مرحله چهارم ظهور می شود خواهیم پرداخت.

همانطور که گفته شد غرب یا همان جبهه کفر و باطل جهانی دجال، در ادامه اختلاف و درگیری با ایران شیعی و برای در هم کوبیدن جبهه شیعه به محوریت ایران، به کمک عوامل عرب خود و یهود به منطقه شام هجوم آورده و شام را در حالی که ویران شده و جز دمشق و اطرافش سالم نمانده(الایقی الا دمشق و حوالیها)، تصرف خواهد کرد.

از عوامل عرب دجال (که فرمودند: اکثر اتباعه العرب و الیهود)، در احادیث تحت عنوان سفیانی یاد شده است، که بعد از ویرانی و خراب شدن شام، مثل لیل و سیل برای تصرف دمشق به شام هجوم آورده و بعد از جنگی خونین آنجا را تصرف می کنند.

همزمان خراسانی و یمانی نیز در جبهه شیعه آماده جنگ شده و برای مقابله با سفیانی وارد میدان خواهند شد، چنانچه در احادیث وارده از طرف سنی و



شیعه نیز به خروج همزمان آنها اشاره شده است:

• ثم قال ( عليه السلام ) : خروج السفیانی والیمانی والخراسانی فی سنة واحدة

، فی شهر واحد و فی یوم واحد (غیبت نعمانی ص ۲۶۴)

در حین حمله غرب به شام، یهود و اعراب در صف مقدم حمله خواهند بود:

• وتجمع إلیه اليهود جمیعاً، فیسیر نحو الشام، مقدمته العصابة المشرقیة، معهم

أعراب (فتن ابن حماد حدیث ۱۵۲۶)

و امیرالمؤمنین(ع) نیز فرمودند که همه شام جز دمشق ویران خواهد شد:

• ...ستهدم حصون الشامات وتطوف ببلادها الآفات ! فلا یسلم (ولا یبقی) إلا

دمشق ونواحیها!... (الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۴)

یعنی تمام شهرهای شام سقوط خواهد کرد و بلا بر همه شهرهایش طواف خواهد

کرد، به طوری که جز دمشق و حوالی اش جائی سالم نخواهد ماند، طبق فرمایش

امیرالمؤمنین(ع) بعد از خرابی شام، ابتدا غرب با حمله هوائی گسترده و

سهمگین، شام را مورد تهاجم قرار خواهد داد و سپس حمله گسترده زمینی از

طرف اردن به فرماندهی شخصی که در احادیث از او تحت عنوان سفیانی یاد

شده، شروع می شود و دمشق سقوط کرده و به دست سفیانی می افتد:

• عن امیر المؤمنین(ع): فانظروا إلی أصحاب البراذین الشهب المحذوفة (حمله

کننده های شهابگونه) و الرايات الصفر، تقبل من المغرب حتی تحل بالشام،

و ذلك عند الجزع الأكبر... فإذا كان ذلك، خرج ابن آكلة الأكباد من

الوادي اليابس، حتی یتوی علی منبر دمشق.... (غیبت نعمانی ص ۳۰۵)

بنابر این روشن می شود که سفیانی نیروی زمینی و لشگر عربی ضد شیعه

وابسته به دجال و غرب می باشد، از مجموعه این روایات بر می آید که بعد از



ویرانی سوریه به دست نیروهای ضد شیعه که در احادیث از آنها به "مروانی" تعبیر شده است، غرب به شام تهاجم آورده و جنگ عظیمی در آنجا درمی گیرد که يك طرف آن غرب و متحدانش از اعراب و یهود بوده و طرف مقابلش نیروهای شیعه با محوریت ایران قرار خواهد داشت، (طبق احادیث، غرب در خروج سفیانی یا ملحه صغری، نیروی زمینی وارد نمی کند و به حملات هوایی گسترده دست می زند) که پس از حمله ی هوایی غرب به شام، از وادی یابس در اردن، با لشگری جرار، حمله زمینی به شام و سوریه را شروع می کند و پس از قلع و قمع نیروهای جنگنده در آنجا دمشق را تصرف کرده و پس از تسخیر شام برای سرکوب کرن شیعه به عراق حمله می کند:

• فأول أرض تخرّب أرض الشام ثم یختلفون عند ذلك علی ثلاث آیات، راية الأصبه، وراية الأبقع، وراية السفیانی، فیلتقی السفیانی بالأبقع فیقتلون فیقتله السفیانی... ثم لا یكون له همة إلا الإقبال نحو العراق.

(غیبت نعمانی ص ۲۸۹)

از آن جهت به نیروها و عوامل عرب دجال، سفیانی گفته شده که در رأس و فرماندهی نظامی این نیروی عظیم و جرار و سیل آسا، شخصی از نسل ابوسفیان قرار دارد که در بعضی احادیث اسم او عنبسه و در حدیثی دیگر عبدالله ذکر شده، که در غرب بزرگ شده و تربیت شده و آدم غربی هاست، و در حدیثی از او به عنوان "ابن الملک" یاد می شود یعنی شاهزاده بوده و از قبل دارای حکومت و سلطنت می باشند.

• یقبل السفیانی من بلاد الروم... و هو صاحب القوم. (غیبت طوسی ص ۴۳۳)



## سفیانی یک حرکت ضد شیعه:

همانطور که گفته شد هدف این جبهه عظیم متشکل از غرب دجال و یهود و عرب، شکست دادن و متلاشی کردن نیروهای شیعی یا جبهه شیعه با محوریت ایران می باشد، که در مقابل جبهه غرب و سفیانی می جنگند. بنابراین بارزترین مشخصه و ماهیت جبهه و لشکر سفیانی در احادیث، ضد شیعه بودن آن است، چنانچه امام صادق علیه السلام فرمودند:

- فان حنقه و شرهه انما هي علي شيعتنا... (غیبت نعمانی ص ۳۰۱)
  - يظهر السفیانی و من معه حتی لا یكون له همة إلا آل محمد(ص) و شيعتهم... و تقبل رایة من خراسان... (الزام الناصب ج ۲ ص ۹۶)
- و در حدیث دیگری فرمودند: انما همته بوار اهل المشرق، یعنی همت و هدف نیروهای سفیانی شکست دادن ایران می باشد. چرا که طبق احادیث، ایران محور نیروهای شیعه خواهد بود، چنانچه در حدیثی می فرماید: سفیانی می گوید منشأ همه مشکلات ما ایران می باشد..

- یقول- السفیانی- ما هذا البلاء كله و قتل اصحابي الا من قبل اهل المشرق (فتن ابن حماد ص ۲۲۳)
- یعنی: از نظر جبهه غرب و سفیانی، منشأ قتل و جنگ بر علیه نیروهایشان ایران می باشد (چنانچه امروزه ایران را حامی تروریسم می دانند) چرا که همانطور که گفته شد طبق احادیث در دوران ظهور، ایران محور نیروهای شیعه خواهد بود. لذا اساسا جبهه غرب و سفیانی برای سرکوبی شیعه به محوریت ایران، وارد معرکه شام خواهند شد و هدف و همت شان شکست دادن شیعه و ایران می باشد



طبق احادیث، در جنگ شام ایرانی ها حضوری گسترده خواهند داشت، طبق حدیثی در اثر شدت جنگ، ایرانی ها به طرف عراق عقب نشینی می کنند:

- ... یخرج عند ذلك السفیانی فیقتلهم حتی یدخلهم مصر ثم یرجع فیقاتل أهل المشرق حتی یردهم إلى العراق. (فتن ابن حماد ص ۱۸۱)

و طبق حدیثی دیگر در اطراف حمص جنگی درمی گیرد که هفتاد هزار نفر کشته می شوند، که سه چهارم آنها ایرانی خواهند بود:

- ثم ینحاز من دمشق وحمص مع السفیانی و یلتقون و أهل المشرق فی موضع یقال له الیدین حمص فیقتل بها نیف وسبعون ألفا ثلاثة أرباعهم من أهل المشرق. همان.

و حتی در حدیثی این جنگ و اختلاف و ضدیت بین ایران و غرب یکی از علل ذکر شده است که قائم (ع) در پی آن قیام می کند:

- یقوم القائم (ع) اذا...اختلف اهل المشرق و اهل المغرب.

یعنی قائم (عج) وقتی قیام می کند که بین شرق و غرب اختلاف بیافتد، این اختلاف منجر به جنگ شده و جنگ بین ایران و غرب از شام شروع می شود. در جنگ شام، سفیانی به نیابت از غرب و با اتحاد و کمک آنها، و ابقع و اصبه به نیابت از ایران و با اتحاد و کمک ایران، باهم وارد جنگ می شوند، ولی نهایتاً غرب و ایران، مستقیماً در شام وارد جنگ می شوند، همانطور که گفته شد، طبق روایات، ایران نیروهای زیادی را برای کمک به اصبه و ابقع بر ضد سفیانی به شام گسیل خواهد داشت، به عبارت دیگر، جنگ شام یک جنگ نیابتی خواهد بود، سفیانی و عرب ها به نیابت از غرب و ابقع و اصبه، به نیابت از ایران، که البته نیروهای ایرانی نیز در آنجا حضور خواهند داشت.



• انتظروا حتی يستجيش أهل المشرق وأهل المغرب ويقتتلون بها سبعا يكون بينهم من الدماء مثلما كان في جميع الفتن.  
يعني ايران از يك طرف و غرب از طرف ديگر لشكركشی کرده و جنگ و خونریزی می شود که هرگز سابقه نداشته است.

• إذا أقبلت الرايات السود من المشرق والرايات الصفر من المغرب حتى يلتقوا في سرة الشام يعني دمشق فهناك البلاء هنالك البلاء... يقاتله من بالشام من أهل المشرق و بها يومئذ منهم جند عظيم... (فتن ابن حماد ص ۱۸۴)  
يعني در آن روز از ایرانیان لشکر عظیمی در شام خواهد بود و با سفیانی خواهد جنگید. غرب و سازمان ملل (الامم المتحدة) نیز به یاری سفیانی خواهند شتافت:

• يأتي الأمم فيستمدهم على أهل الشام فيجيبونه، وتجمع إليه اليهود جميعا فيسير نحو الشام، مقدمته العصابة المشرقية (فتن ابن حماد حديث ۱۵۲۶)  
• إذا رجع السفیانی دعا إلى نفسه بجماعة أهل المغرب فيجتمعون له مالم يجتمعوا لأحد قط لما سبق في علم الله تعالى...

يعنی سفیانی از غرب کمک می خواهد و آن ها به نحو بی سابقه ای متحد می شوند و در حمص و دمشق آتش جنگ بر افروخته می شود...

بنابر این از مجموعه این احادیث برمی آید که هدف اصلی غرب و سفیانی، ایران است. اما جنگ نیابتی از شام شروع می شود، و آن جا به مثابه خط مقدم جنگ علیه ایران استفاده میکند، سفیانی و نیروهای غربی بعد از تسخیر شام به عراق حمله میکنند:

• ثم لا يكون له همة إلا الإقبال نحو العراق، یعنی بعد از تسخیر شام هدفی جز وارد شدن به عراق نخواهد داشت (غیبت نعمانی ص ۲۸۹)



طبق احادیث سفیانی پس از تسخیر شام به عراق حمله می کند و پس از تسخیر عراق و کشتار وسیع شیعیان به ایران حمله می کنند ولی نهایتاً از خراسانی و یمنی شکست خورده فرار می کنند. (احادیث مربوط به سفیانی در جلد اول بطور مفصل و با ذکر مصادر بررسی شده است)

### نتیجه گیری از احادیث وارده در باره سفیانی:

از بررسی مجموع احادیث معلوم می شود که سفیانی یکی از پنج علامت حتمی ظهور است که شش ماه قبل از ظهور از وادی یابس در شام خروج کرده و و برای تسخیر دمشق پیش می رود و هدف نهائی اش شکست دادن ایران و جبهه شیعه است.

و همچنین از مجموع احادیث نتیجه می گیریم که حرکت سفیانی یک جبهه عظیم و سیل آسا و گسترده ای است متشکل از کشورهای غربی و کشورهای عربی ضد شیعه، مثل عربستان و اردن باضافه یهود (امروزه اسرائیل).

که جنگ ابتدا با بمباران هوائی (براذین الشهب) از شام شروع می شود و پس از شش ماه جنگ خونین، دمشق و کل شام را متصرف می شوند و سپس به سوی عراق رفته و عراق را از نیروهای شیعه پس می گیرند، پس از تصرف عراق با هجومی که در روایات خونین و وحشتناک توصیف شده، به ایران حمله می آورند، در ایران طبق روایات، تا اصطخر پیشروی می کنند، تهران خراب می شود - خراب الری من السفیانی - اما نهایتاً نیروهای سفیانی از لشکر خراسانی و یمنی شکست خورده و عقب نشینی می کنند، و این شکست هم زمان است با خسف بیداء و ظهور امام زمان (عج).

پس از ظهور نیز، سفیانی تحت تعقیب لشکر امام زمان (عج)، قرار گرفته و تا بیت المقدس عقب نشینی کرده و نهایتاً شکست می خورد، قابل توجه است که





به تصریح احادیث، یهود و سفیانی همزمان در بیت المقدس شکست می‌خورند و بعد از شکست روم یا غرب به پیش می‌آید و با حضرت قرار داد آتش بس می‌بندد، و این نشان می‌دهد که غرب و یهود و اعراب ناصبی در قبال شیعه و حضرت مهدی(عج) باهم متحد شده و در قبال حضرت یک جبهه تشکیل خواهند داد.

هشت ماه بعد از ظهور با شکست نهائی سفیانی، غرب از خاورمیانه عقب نشینی کرده و قرارداد آتش بس هشت ساله امضا می‌شود و بیت المقدس و کل خاورمیانه آزاد شده و تحت اختیار حضرت مهدی(عج) قرار می‌گیرد.

## هفت حادثه قبل از خروج سفیانی

در احادیث به وقایعی اشاره شده که قبل از خروج سفیانی اتفاق خواهد افتاد، طبق این احادیث مجموعاً بیش از هفت حادثه (که بعضی از آنها حادثه بزرگ و عظیمی می‌باشند) در سطح خاورمیانه اتفاق خواهد افتاد که می‌شود آنها را علامتهای خروج سفیانی به حساب آورد و با اتفاق افتادن آنها باید منتظر خروج سفیانی بود، ذیلاً به بررسی اجمالی این حوادث و اتفاقات می‌پردازیم.

### ۱- جنگ و کشتار گسترده در سرزمین های عربی و خرابی شام:

یکی از علامتها و حوادث قبل از خروج سفیانی، به هم ریختن اوضاع کشورهای عربی و شورش و اختلاف و جنگ و کشتار در این کشورها می‌باشد که نهایتاً به شام یا سوریه می‌رسد و شام ویران می‌شود:

- و هي سنة اختلاف في كل ارض من ارض العرب... (تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۶۱)



• و سیف قاطع بین العرب، و اختلاف شدید، فأول أرض تحرب أرض الشام، ثم يختلفون عند ذلك على ثلاث رايات: راية الأصب، وراية الأبقع، وراية السفیانی. (غیبت نعمانی)

ص ۲۶۱ و ص ۲۸۹

چنانچه ملاحظه می شود در این احادیث به اختلافات و جنگها و کشتارها در کشورهای عربی اشاره کرده و بویژه اختلاف و جنگ و ویرانی در شام سپس فرموده: ثم يختلفون.... الاصب و الابقع و السفیانی. یعنی اول این اختلافات و جنگ و کشتار اتفاق می افتد و شام ویران می شود و در پی این حادثه سفیانی خروج می کند.

## ۲- وضعیت عراق در آستانه خروج سفیانی و یمانی:

(اشغال عراق بوسیله غرب و شروع اتفاقات و کشتارهای گسترده)

در احادیث گفته شده که قبل از خروج سفیانی پرچمها و کشورهای غربی از دور و نزدیک آمده و کشور عراق را اشغال خواهند کرد و گروههایی در عراق دست به کشتار گسترده و بیرحمانه خواهند زد، اسم این پدیده در احادیث ' شیصبانی ' می باشد که امام باقر(ع) فرمودند بعد از این حادثه متوقع باشید که سفیانی خروج کند:

• سألت أبا جعفر الباقر(ع) عن السفیانی، - فقال: أنى لكم بالسفیانی حتى يخرج قبله الشیصبانی، يخرج من أرض كوفان، ينبع كما ينبع الماء، فيقتل وفدكم. فتوقعوا بعد ذلك السفیانی... (غیبت نعمانی ص ۳۱۴)

و در حدیثی از امیرالمؤمنین(ع) اوضاع عراق بویژه موصل، قبل از سفیانی اینچنین توصیف می شود:



- ...تجمع إلى الموصل رجال الزوراء... وتكون وقعة عظيمة يقتل فيها سبعين ألفا، و يجري على الموصل قتال شديد يحل بها، ثم ينزل إلى السفيناني و يقتل منهم ستين ألفا و إن فيها كنوز قارون ولها أحوال عظيمة... (الزام الناصب ۲ص ۱۷۳)

و در حدیث دیگری می فرمایند وای بر بغداد از غربیها و طوفان سلاحها:

- الویل لها-لبغداد- من الرايات الصفر... تسیر إليها من کل قریب و بعید... و سیأتیها طوفان السیوف (یا طوفان انفجارات). (بشارة الاسلام ص ۱۶۷)
- و طبق حدیثی گروههای آدم کش با ادعای حق بودن و با پرچمهای سیاه آمده و براحتی موصل را گرفته و دست به کشتار گسترده و وحشیانه زده و حتی با اره ها سر خواهند برید!

- عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودَ فَالْتَمُوا الْأَرْضَ فَلَا تَحْرُكُوا أَيْدِيكُمْ، وَلَا أَرْجُلَكُمْ... فُلُوبُهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ، هُمْ أَصْحَابُ الدَّوْلَةِ، (یعنی صاحب دولتند) داعش خودش را دولت اسلامی می نامد) لَا يَفُونَ بِعَهْدٍ وَلَا مِيثَاقٍ، يَدْعُونَ إِلَى الْحَقِّ وَلَيْسُوا مِنْ أَهْلِهِ، (به هیچ عهد و پیمان و قانونی پایبند نیستند! به دروغ ادعای حق دارند و اهلش نیستند!) أَسْمَاؤُهُمُ الْكُنَى، وَنَسَبَتُهُمُ الْقُرَى، (اسمهایشان لقب و منسوب به شهرها هستند) (ابوبکر بغدادی و شیشانی و امثاله)... (فتن ابن حماد ص ۲۱۰)

### ۳- کشته شدن رئیس ضد شیعه عراق قبل از خروج سفینانی

علامت و اتفاق دیگر قبل از خروج سفینانی که در احادیث آمده کشته شدن خلیفه یا رئیس ضد شیعه در عراق می باشد:

- قتل الخليفة بالعراق... (بشارة الاسلام ص ۳۵)



- اذا قتل الخليفة الذي عليكم فتوقعوا خروج ال ابي سفيان.  
(معجم الاحاديث ج ۳ ص ۲۸)
- طبق این احادیث قبل از خروج سفیانی، در ادامه آشوبهای عراق که در احادیث به آنها اشاره شده، رئیس عراق که فردی ضد شیعه می باشد کشته می شود.

#### ۴- خروج و انقلاب در مصر:

- علامت دیگر قبل از خروج سفیانی، خروجی است که در مصر اتفاق می افتد:
- يخرج قبل السفيناني مصري... یعنی قبل از خروج سفیانی خروج و انقلابی در مصر اتفاق می افتد. (بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۱۰)
  - قال امير المؤمنين(ع): و اذا... قام أمير الإمراء (غیبت نعمانی ص ۲۷۵)
- یعنی در پی شورش و خروج انقلاب در مصر، امیرالامرا سر کار می آید. (۱)

#### ۵- خروج زیدی ها قبل از خروج سفیانی از صنعای یمن

حادثه دیگری که قبل از خروج سفیانی پیش بینی شده خروج فرزندان زید یا زیدی ها از صنعای یمن می باشد:

- ذكر عند أبي عبد الله (عليه السلام) السفيناني فقال: أني يخرج ذلك؟ ولما يخرج كاسر عينيه بصنعاء؟ (غیبت نعمانی ص ۲۸۶)

این حدیث شریف اشاره به خروج و انقلابی دارد که قبل از خروج سفیانی، در یمن اتفاق می افتد، و با این خروج که از صنعای شروع می شود دو چشم سفیانی

<sup>1</sup> - الان وزیر دفاع مصر که امیرالامرای ارتش محسوب می شود، که بعد از خروج و انقلاب مصر بپاخواست، کودتا کرده و سرکار آمد.



در هم می‌شکند. (۱) و در حدیث دیگری می‌فرماید که آنها از فرزندان زید هستند، ( و چنانچه امروز می‌بینیم شیعیان یمن زیدی هستند):

- عن الصادق(ع)...قال : خروج رایة من المشرق و رایة من المغرب... و خروج رجل من ولد عمي زید باليمن.... (مستدرک سفینة البحار ج ۷ ص ۴۷)
- ثم یرج ملک من صنعاء الیمن ، أبيض کالقطن اسمه حسین أو حسن ... یعنی سپس خروج کند پادشاهی از صنعاء یمن به رنگ سفید همانند پنبه اسمش حسن یا حسین می‌باشد(۲) (بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۱۶۲)

## ۶- مردی از نسل حسین(ع) به کوفه آمده و مردم را به سوی پدرش

دعوت می‌کند :

یکی از اتفاقات قبل از خروج سفیانی که در احادیث ذکر شده است آمدن مردی از اولاد امام حسین(ع) به کوفه می‌باشد که قبل از خروج سفیانی به کوفه می‌آید و مردم را به طرف پدرش دعوت می‌کند:

- ...و یقبل بالکوفة رجل من ولد الحسین یدعو إلی أبيه، ثم یبث السفیانی جیوشه. (فتن ابن حماد ص ۱۷۱)

<sup>1</sup> - شاید منظور از در هم شکستن دو چشم سفیانی درهم شکستن دو حکومت طرفدار غرب و سفیانی در عربستان و یمن باشد - که وابسته به غرب اند و مثل دو چشمش از نزدیک، مکه محل ظهور را زیر نظر دارند، یا نخست وزیر و وزیر دفاع سابق یمن که وابسته به عربستان بودند و با خروج حوثی‌ها از صنعاء در هم شکسته و فرار کردند.

<sup>2</sup> - جالب خواهد بود اگر بدانیم که اسم بنیانگزار حرکت حوثیها در یمن، سید حسین حوثی بود و برخلاف یمنی‌ها که اکثراً گندمگون هستند، کاملاً سفید روی بود.



چون مضمون این حدیث تا حدودی مبهم می باشد لازم است به کمک دیگر احادیث مضمونش روشنتر شود، در این روایت می فرماید مردی از نسل حسین(ع) به کوفه می آید و مردم را به سوی پدرش دعوت می کند سپس سفیانی خروج میکند، در روایت دیگری می فرماید قبل از خروج سفیانی کسی می آید و مردم را به آل محمد(ص) دعوت می کند:

• و یخرج قبل (السفیانی) من یدعو لآل محمد(ص) (معجم الأحادیث ج ۱ ص ۳۲۸)

در حدیث دیگری که صحبت از دعوت مردم قبل ظهور می شود حدیث یمانی است که می فرماید یمانی می آید و مردم را به صاحب الامر(ع) دعوت می کند:

• رایة الیمانی هی رایة هدی لأنه یدعو إلی صاحبکم. (غیبت نعمانی ص ۲۵۶)

در این حدیث شریف غیر از این که می فرماید یمانی می آید و به صاحبان دعوت می کند، می فرماید رایت یمانی رایة الهدی است، و در حدیث دیگری می فرماید رایة الهدی از کوفه بلند می شود:

• فتخرج رایة هدی من الکوفة (تفسیر الصافی ج ۴ ص ۲۲۷)

با دقت در این احادیث مشخص می شود که کسی به کوفه می آید و به پدرش دعوت می کند، همه مشخصات یمانی را دارا می باشد، چرا که یمانی سه مشخصه دارد و هر سه مشخصه یمانی در کوفه جمع می شود: ۱- یدعوا الی صاحبکم او الی آل محمد(ص)...۲- رایته رایة هدی التی تخرج من کوفه...۳- یحارب السفیانی"، بنابر این علی القائده این همان یمانی صاحب رایة الهدی است که از نسل و فرزندان امام زمان(عج) و امام حسین(ع) می باشد.

اما لقب "رجل من ولد الحسین(ع)"، باید گفت این لقب در حدیث دیگری نیز برای یمانی استفاده شده است، آن هم در معراج وقتی که خداوند علائم ظهور را به پیامبر ص داد بجای خروج یمانی و خروج سفیانی فرمود خروج رجل من



### ولد الحسین (ع) و خروج سفیانی:

• .... و آخر رجل منهم یصلي خلفه عيسى بن مریم، يملأ الأرض عدلا كما ملئت منهم ظلما وجورا...

- فقلت: إلهي وسيدي متى يكون ذلك؟ - فأوحى الله عز وجل: يكون ذلك إذا رفع العلم... وخروج "رجل من ولد الحسين" ... و ظهور

السفياي. (كمال الدين ص ۲۷۹ - بحارالانوار ج ۲۶ ص ۱۸۹)

از مجموعه این احادیث میشود نتیجه گرفت که یکی از حوادث قبل از خروج سفیانی آمدن یمانی به کوفه است که آمده و رایة الهدی را در کوفه بر افراشته و دعوتش را از آنجا شروع می کند و پس از جمع آوری لشگر، همزمان با سفیانی خروج کرده و با او جنگیده و او را شکست میدهد:

• یخرج علیهم السفیانی... ثم ینحدرون الی الکوفة... فتخرج رایة هدی من

الکوفة فتلحق ذلك الجيش فيقتلونهم... (تفسیر الصافی ج ۴ ص ۲۲۷)

این موضوع مهم ان شاء الله در جلد سوم کتاب بیشتر بررسی خواهد شد.

### ۷- حمله هوائی غرب به شام و سقوط دمشق:

اتفاق و علامت دیگری که در احادیث به آن اشاره شده و قبل از خروج سفیانی و یمانی اتفاق می افتد، حمله هوائی نیروهای غربی با "براذین الشهب" (یا وسائلی مثل شهاب که از آسمان می آیند) به سوریه و در نتیجه سقوط دمشق و خروج سفیانی می باشد، این حادثه پس از ویران شدن شام اتفاق می افتد:

• قال امیرالمؤمنین(ع): فانظروا إلى أصحاب البراذین الشهب المحذوفة

والرایات الصفر تقبل من المغرب حتی تحل بالشام وذلك عند الجزع الأكبر والموت الأحمر... فإذا كان ذلك خرج ابن آكلة الأكباد من



الوادي اليابس. حتى يستوي على منبر دمشق فإذا كان ذلك فانتظروا

خروج المهدي(عج) (غیبت نعمانی ص ۳۰۵)

مضمون حدیث: پرچمهای اروپائی (به اروپائیها در احادیثبنی اصفیر و به پرچمهایشان رایات الصفر گفته می شود) از مغرب با حمله کننده هائی شهاب گونه (هواپیما و موشک) حمله می کنند تا شام را اشغال کنند در وحشتناکترین و مرگ آورترین شکل.... وقتی این اتفاق افتاد سفیانی خروج می کند و بر منبر دمشق مستقر می شود(دمشق را تسخیر می کند) و وقتی اینچنین شد منتظر خروج حضرت مهدی(عج) باشید.



## فصل سوم

**شخصیت و نقش مهم خراسانی در دوران ظهور**

(بر مبنای احادیث و روایات اهل بیت علیهم السلام)



## خراسانی یکی از شخصیت‌های مهم در دوران ظهور:

در احادیث اهل بیت (ع) از خراسان و نقش آن در دوران ظهور زیاد صحبت شده است و همانطور که در جلد اول کتاب بیان شد خراسان و "المشرق" در احادیث به معنی سرزمین ایران می باشد نه فقط استان خراسان، مثلاً منظور از "اذا تحرکت عساکر خراسان" حرکت نیروهای نظامی ایران برای جنگ با سفیانی می باشد نه فقط حرکت نیروهای نظامی استان خراسان، و در همانجا به نقش تعیین کننده ایران در دوران ظهور پرداختیم، در اینجا مشخصاً به شخصیت خراسانی و نقش مهم او در دوران ظهور می پردازیم.

خراسانی یکی از شخصیت‌های مهم و مطرح دوران ظهور می باشد که در احادیث اهل بیت (ع) به شخصیت او و خروجش در زمان خروج سفیانی و یمانی اشاره شده است که ذیلاً بخشی از این احادیث مورد بررسی قرار می گیرد:

۱ - طبق احادیث قبل از ظهور سه خروج مهم و همزمان اتفاق می افتد که خروج خراسانی یکی از آنهاست:

• عن أبي جعفر (ع) أنه قال: خروج السفیانی والیمانی والخراسانی فی سنة واحدة فی شهر واحد فی یوم واحد. (غیبت نعمانی ص ۲۶۴)

۲ - امام باقر (ع) خروج خراسانی را یکی از پنج علامت مهم قبل از ظهور به حساب آورده و فرمودند:



• عن أبي عبد الله (ع) قال:.... يا أبا محمد، إن قدام هذا الأمر خمس علامات: أولهن النداء في شهر رمضان، وخروج السفیانی، وخروج الخراسانی، وقتل النفس الزکیة، وخسف بالبیداء. (غیبت نعمانی ص ۳۰۱)

۳ - امیرالمؤمنین (ع) از خراسانی به عنوان قائم یاد کرده و فرموده قیامش همزمان خواهد بود با قائمی از اهل بیت (ع) که از گیلان قیام می کند:

• عن أبي عبد الله جعفر بن محمد (ع) قال: أن أمير المؤمنين حدث عن أشياء تكون بعده إلى قيام القائم، فقال الحسين (ع): - يا أمير المؤمنين، متى يطهر الله الأرض من الظالمين؟ - فقال أمير المؤمنين (ع): لا يطهر الله الأرض من الظالمين حتى يسفك الدم الحرام... ثم قال: إذا قام القائم بخراسان... و قام منا قائم بگیلان... (غیبت نعمانی ص ۲۸۳)

چنانچه ملاحظه می شود در این احادیث، اهل بیت (ع) خراسانی را یکی از علائم و شخصیت‌های زمان ظهور ذکر فرموده و حتی امیرالمؤمنین (ع) از او به عنوان قائم خراسان یاد می کنند که همراه قائم گیلان یا شاب هاشمی (۱) می کنند. در حدیث دیگری امام باقر (ع) فرمودند پرچم‌های خراسان (یا لشکر خراسانی) همراه و در معیت اصحاب قائم (ع)، برای جنگ با سفیانی حرکت خواهند کرد، و این به این معنی است که خراسانی با قائم آل محمد (ص) خواهد بود:

---

1 - شاب هاشمی که از او با القاب دیگری مثل رجل من آل محمد (ص) نیز یاد شده و بعدا به آن خواهیم پرداخت، البته قابل ذکر است که بعضی‌ها اشتباها "شاب هاشمی" که در کتف راستش خال است را با خراسانی یک شخص در نظر گرفته اند، که اشتباه بوده و بر خلاف نص احادیث وارده می باشد و بعدا با بررسی احادیث، خواهیم دید که شاب هاشمی کسی است که لشکر امام زمان (عج) را تشکیل داده و همراه خراسانی قیام خواهد کرد.



• قال أبو جعفر الباقر(ع): ..يبعث السفیانی جيشا إلى الكوفة... فیصیبون من أهل الكوفة قتلا وصلبا وسبیا. فبینا هم كذلك إذ أقبلت رايات من قبل خراسان... معهم نفر من أصحاب القائم. (غیبت نعمانی ص ۲۸۹)

در حدیث دیگری امیرالمؤمنین(ع) خروج پرچمهای سیاه از خراسان را یکی از حوادث مهم قبل از ظهور به حساب آورده و فرمودند:

• سئل أمير المؤمنين (عليه السلام) عن قوله تعالى: (فاختلف الأحزاب من بينهم)، فقال:- انتظروا الفرج من ثلاث. - فقيل: يا أمير المؤمنين، وما هن؟ - فقال: اختلاف أهل الشام بينهم والرايات السود من خراسان والفرجة في شهر رمضان (غیبت نعمانی ص ۲۶۰)

به همین دلیل وبا نظر به اهمیت نقش خراسان (یا ایران) و خراسانی در زمان ظهور، امام باقر(ع) همواره از خراسان یاد کرده و می فرمودند خراسان! خراسان! (یا ایران! ایران!) کانه بشارت ظهور می دهند و به نقش بسیار مهم ایران در دوران ظهور اشاره می فرمایند:

• ما دخلنا علی أبي جعفر(ع) قط إلا قال: خراسان! خراسان! یعنی هرگز پیش امام باقر(ع) وارد نشدیم مگر اینکه فرمودند: خراسان! خراسان! (غیبت نعمانی ص ۲۸۲)

اهمیت نقش ایران در دوران ظهور وقتی برجسته تر می شود که بدانیم شیعه و سنی از حضرت رسول(ص) در حد تواتر روایت کرده اند که حضرت فرمودند امر فرج اهل بیت(ع) و ظهور با خروج و انقلابی از ایران شروع خواهد شد، چند حدیث از احادیث آورده در کتب اهل سنت را در انباره در زیر می آوریم:

• ...قال رسول الله (ص) : - يخرج قوم من قبل المشرق ، فيوطئون للمهدي سلطانة.... (المعجم الأوسط للطبرانی ج ۱ ص ۹۴)



• قال رسول الله (ص): ..يخرج ناس من المشرق فيوطئون للمهدي، يعني سلطاناه. (سنن ابن ماجه - حديث: ۴۰۸۸)

• عن عبد الله بن مسعود قال : - أتينا رسول الله (ص) فخرج إلينا مستبشرا يعرف السرور في وجهه...حتى مرت فتية من بني هاشم فيهم الحسن والحسين ، فلما رأهم التزمهم وانهملت عيناه ، فقلنا : يا رسول الله ما نزال نرى في وجهك شيئا نكرهه ، فقال - إنا أهل بيت اختار الله لنا الآخرة على الدنيا ، وإنه سيلقى أهل بيتي من بعدي تطريدا وتشريدا في البلاد حتى ترتفع رايات سود من المشرق... (المستدرک للحاکم النیشابوری ج ۴ ص ۴۶۴)

در کتب شیعه نیز همین مضمون روایت شده است از جمله در کتاب غیبت نعمانی حدیثی آمده از امام باقر(ع) وارد شده که طبق فرمایش ایشان این خروج و انقلاب در ایران در دوران ظهور اتفاق خواهد افتاد و شرکت کنندگان در آن قیام صاحب الامر(ع) را درک خواهند کرد:

• عن أبي جعفر(ع) أنه قال: كأني بقوم قد خرجوا بالمشرق يطلبون الحق...حتى يقوموا و لا يدفعونها إلا إلى صاحبكم قتلاهم شهداء أما إني لو أدركت ذلك لاستبقيت نفسي لصاحب هذا الأمر. (غیبت نعمانی ص ۲۷۳)

و نکته دیگر در این کلام امام باقر(ع)، این است که این قیام و انقلاب بر خلاف قیام های دوران غیبت که از انجام آن نهی شده، مورد تأیید اهل بیت(ع) بوده و گذشته شده های آن قیام و انقلاب شهید محسوب می شوند و بلکه دادن پرچم به دست صاحب الامر(ع) هدف واقعی این خروج و قیام و انقلاب می باشد.



## چرا خراسان (یعنی ایران) و قیام خراسانی تا این حد مورد

### توجه اهلیت (ع) بوده؟

با احادیث ذکر شده تا حدودی روشن می شود که چرا خراسان و خروج خراسان تا این حد مورد توجه اهلیت (ع) بوده به نحوی که راوی می گوید نشد به پیش امام باقر (ع) برویم الا اینکه ایشان تکرار فرمودند: خراسان! خراسان!، برای روشنتر شدن دلیل این مسئله باید به نکاتی توجه کنیم:

چنانچه قبلاً گفته شد در مرحله اول ظهور، سیطره جهانی دجال محقق می شود و بعد از استقرار نظام جهانی دجالی در مغرب زمین، و آماده سازی زیرساختهای حکومت واحد جهانی، در مرحله دوم انقلابی شیعی در ایران اتفاق می افتد، که چنانچه خواهیم دید هدف واقعی آن آماده سازی منطقه امن و امکانات لازم برای تشکیل لشگر امام زمان (عج) در گیلان و طالقان خواهد بود، و خواهیم دید که لشگر امام زمان (عج) قبل از ظهور و درایران تشکیل خواهد شد و لذا در احادیث متواتری که از طریق شیعه و سنی روایت شده، از این انقلاب به عنوان مبدأ و آغاز فرج یا ظهور یاد شده است، چنانچه فرمودند: "یکون مبدأه من المشرق". مبدأ ظهور از ایران خواهد بود.

و به همین دلیل همانطور که گفته شد، بعد از این انقلاب، تشکیل حکومتی قدرتمند (ملک عظیم) در ایران پیش بینی شده است که توان ایستادگی در مقابل دجال، با آن قدرت عظیمش، را داشته باشد و حتی پیش بینی شده که این حکومت دو شاخه در غرب و طرف قبله خواهد زد (۱)

۱- قابل توجه است که هماکنون حزب الله لبنان در غرب و انصارالله یمن در طرف قبله، دو شاخه



• ظهور ملك المشرق فيعظم أمره، و يشتد في الآفاق خبره، و يعلو شأنه إلى أن تصعد جناحاه إلى الغرب و القبلة... (بشارة الإسلام ص ۲۵۸)

اهمیت این امر در آنجاست که این حکومت انقلابی، با غرب اختلاف پیدا کرده و نهایتاً با آنها وارد جنگ خواهد شد. در نتیجه این حکومت باید بتواند در مقابل قدرت عظیم غرب ایستادگی کرده و ایران را مستقل کند(۱)، به عبارت دیگر این انقلاب شروع کننده "هلاک الملوک" می باشد و جدا کننده ایران از غرب و مسئولیت بزرگ آماده کردن منطقه امن و مقدمات تشکیل لشکر امام زمان(عج) را به عهده دارد، که در ادامه بیشتر به آن خواهیم پرداخت، و به این شکل است که خراسان و خراسانی مقدمات ظهور را آماده می کند.

## خراسانی کیست؟

باید توجه داشت که احادیث صریح و واضحی برای معرفی شخصیت خراسانی وارد نشده است، اما با بررسی احادیثی که در این رابطه وارد شده ، می توان تا حدودی شخصیت او را شناسائی کرد.

از جمله بعد از روشن شدن این مطلب که مبدأ ظهور، خروج و انقلابی است که در ایران (خراسان یا المشرق در احادیث) اتفاق خواهد افتاد و با این خروج و

---

انقلاب ایران محسوب می شوند.

۱- الان برای همه روشن است که اگر در ایران انقلاب نمی شد با وجود شاه، ایران همچنان عامل آمریکا و بمثابه اسرائیل دوم بود و صدام هم از جایش تکان نخورده بود و عملاً هلاک الملوک امکان پذیر نمی شد و مقدمات ظهور بوجود نمی آمد.



انقلاب فرج آل محمد(ص) شروع شده و نهایتاً به ظهور وصل خواهد شد که طبق فرمایش امام باقر(ع)، دادن پرچم به دست صاحبش هدف واقعی این خروج و قیام و انقلاب می باشد:

• عن أبي جعفر(ع) أنه قال: كَأني بقوم قد خرجوا بالمشرق يطلبون الحق... حتى يقوموا و لا يدفَعونها إلا إلى صاحبكم قتالهم شهداء أما إني لو أدركت ذلك لاستبقيت نفسي لصاحب هذا الأمر. (غيبت نعمانی ص ۲۷۳)

چنانچه امیر المومنین(ع) نیز فرمودند:

• و عن علي عليه السلام أنه قال: المهدي أقبل، جعد، بخده خال، يكون مبدأه من قبل المشرق... (بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۵۲)

و چنانچه گذشت کتب صحاح اهل سنت نیز به این شکل روایت شده (متن حدیث قبلاً ذکر شد) که رسول خدا(ص) فرمودند اهلبیت من در رنج و طرد و عذاب خواهند بود تا قومی از ایران(المشرق) خروج کنند، "حتی یخرج قوم من المشرق"، یعنی با آن خروج رنج و شکنج اهلبیت(ع) رو پایان خواهد نهاد و فرجشان شروع خواهد شد.

بنا بر این توجه به فرمایش امام باقر(ع)، این خروج و انقلاب وصل به ظهور می باشد و پرچم پیروزی را تسلیم حضرت می کنند، و می توان کل جریان این خروج و انقلاب شیعی در ایران و خراسان را، یعنی از اول خروج و انقلاب تا ظهور حضرت را، قیام یا خروج خراسانی به معنی انقلاب ایران یا ایرانی در نظر گرفت.

و با توجه به این که این انقلاب وصل به ظهور می باشد و خراسانی نیز همزمان با یمانی خروج کرده و در نتیجه حاکمیتش وصل به ظهور می باشد، قطعاً شخص خراسانی مذکور در احادیث، یکی از رهبران این قیام و انقلاب باید





باشد، و با توجه به این که خراسانی همزمان با خروج یمانی و سفیانی می باشد علی القاعده باید آخرین رهبر این انقلاب باشد:

• قال (الباقرع): خروج السفیانی و الیمانی و الخراسانی فی سنة واحدة فی

شهر واحد و فی یوم واحد (غیبت نعمانی ص ۲۵۵)

خراسانی با فرماندهی عساکر خراسان (یا نیروهای نظامی ایران)، با پرچمها و لباسهای سیاه<sup>(۱)</sup> همراه شاب هاشمی به جنگ سفیانی خواهند رفت، و نهایتاً با دادن پرچم به دست صاحبش (و لا یدفعونها إلاّ الی صاحبکم) به هدف نهائی اش خواهد رسید، باین شکل روشن می شود که خراسانی آخرین رهبر انقلاب و قیام شیعی در ایران می باشد.

### خراسانی، دومین رهبر انقلاب شیعی در ایران

با توجه به فرمایش امام باقر(ع) که فرمودند (کأني بقوم قد خرجوا بالمشرق يطلبون الحق ... أما إني لو أدركت ذلك لاستبقيت نفسي لصاحب هذا الأمر) معنی این کلام امام باقر(ع) که فرمودند " لاستبقيت نفسي لصاحب هذا الأمر " این خواهد بود که شرکت کنندگان در آن انقلاب، صاحب الامر(ع) را درک می کنند، و این یعنی بین آن انقلاب و ظهور حضرت، فاصله زیادی نخواهد بود (در حد عمر متوسط یک انسان بالغ که در این انقلاب شرکت می کند) و بنابر این علی القاعده این انقلاب تا ظهور حضرت، مجموعاً نباید بیشتر از دو رهبر

<sup>1</sup> - (لباسها و پرچم آنها سیاه است به علامت عزاداری امام حسین(ع). با شعار یا لثارات الحسین(ع)،

چون سفیانی رجب خروج می کند و بعد از شش ماه جنگ، یعنی ماه محرم به ایران می رسد)



داشته باشد، و رهبر دوم باید کسی باشد که همراه یمانی خروج می‌کند و پرچم را تسلیم صاحبش می‌کند. اتفاقاً همین نتیجه گیری عقلانی را کلامی از امیرالمؤمنین(ع) تأیید می‌کند، امیرالمؤمنین(ع) در کلام مفصلی که از علائم ظهور صحبت می‌کنند، می‌فرمایند رهبر انقلاب کننده (ثائر) از دنیا می‌رود و جایش رهبر دیگری می‌آید، و بعد از سر کار آمدن رهبر دوم، یمانی برای جنگ با سفیانی بپا می‌خیزد، و با توجه به این که در احادیث (ع) فقط از یک خروج و انقلاب صحبت شده که مقدمه ظهور و فرج آل محمد(ص) خواهد بود، آن هم انقلاب و خروجی در ایران می‌باشد، این ثائر در کلام حضرت امیر ع باید رهبر اول همین انقلاب باشد.

و با توجه به این که حضرت می‌فرماید بعد از سر کار آمدن رهبر دوم، یمانی بپا می‌خیزد، و با توجه به اینکه خروج خراسانی فرمانده عساکر خراسان یا نیرو های نظامی ایران، همزمان با خروج یمانی اعلام شده است، از این کلام امیرالمؤمنین(ع) معلوم می‌شود که دومین رهبر انقلاب شیعی ایران همان خراسانی مذکور در احادیث خواهد بود که با یمانی خروج کرده و به جنگ سفیانی خواهد رفت.

امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید رهبر انقلاب کننده "ثائر" از دنیا می‌رود و رهبر بعدی سر کار می‌آید، بعد از اینکه رهبر دوم سر کار آمد یمانی بپا می‌خیزد، بنابراین، طبق این فرمایش امیرالمؤمنین(ع) دومین رهبر این انقلابی که در دمدمه های ظهور در ایران بوقوع می‌پیوندد، همزمان خواهد بود با شروع دعوت و نهضت یمانی:

• عن علي عليه السلام قال: ... فيموت الثائر و يقوم الآخر ثم ينهض اليماني



و این یعنی انقلاب ایران در دوران رهبر دومش، با آمدن یمانی به ظهور وصل می شود، و از مجموع اینها نتیجه گرفته می شود که دومین رهبر قیام و انقلاب شیعی در ایران همان خراسانی مذکور در احادیث می باشد.

## خراسانی ایران را برای تشکیل لشکر امام زمان (عج)

### آماده می کند:

با توجه به این که حضرت رسول (ص) خروج و انقلاب در ایران را سر آغاز فرج آل محمد (ص) اعلام فرمودند:

• إن أهل بيتي سيلقون بعدي بلاء و تشريدا و تطريدا حتى يأتي قوم من

قبل المشرق و معهم رايات سود (بحار الأنوار ج ۵۱ ص : ۶۵)

مشخص می شود که این انقلاب شیعی در ایران زمینه ساز ظهور و بلکه آغاز ظهور خواهد بود، و با توجه به این که تا ایران از گردونه سلطه جهانی دجال خارج نشود این امر میسر نخواهد شد، و لذا طبق احادیث با این انقلاب بین ایران شیعی با غرب دجال اختلاف خواهد افتاد و این اختلاف خود یکی از غلام ظهور می باشد (اختلاف بین المغرب و المشرق)، اختلافی که ایران را از گردونه عوامل دجال خارج کرده و نهایتا در شام به جنگ و رو در روئی مستقیم انجامیده و نهایتا به خروج سفیانی معروف در روایات، منتهی می شود<sup>(۱)</sup>.

<sup>1</sup> - بنابر مفاد این احادیث، هدف واقعی و اصلی انقلاب شیعی در ایران و وظیفه اصلی خراسانی به عنوان رهبر دوم این انقلاب- طبق نقشه خداوند- زمینه سازی برای ظهور می باشد، و برخلاف تصور



چنانچه در احادیث اهل بیت (ع) وارد شده، سفیانی به عنوان عامل غرب در پی انقلاب ایران خروج می کند: "یخرج السفیانی علی اثر ذلک". "و یقول السفیانی کل هذا و قتل اصحابی بید اهل المشرق"! یعنی سفیانی می گوید همه این مشکلات و کشته شدن نیروهایم به دست ایرانی هاست! که نشان می دهد ایرانیها در کشتن نیروهای دجال و سفیانی دست خواهند داشت.

و لذا هدف نهائی سفیانی و طبعاً غرب هم، طبق احادیث وارده، درهم شکستن ایران به عنوان محور شیعه می باشد: انما همته بوار اهل المشرق! و در حدیث دیگری فرمودند:

• حتی لا یكون له همة إلا آل محمد و شیعتهم... (الزام الناصب ج ۲ ص ۹۶) و این نشان می دهد که ایران در دوران ظهور سمبل شیعه می شود و این در حالی است که این پیشگوئیهها زمان پیامبر (ص) انجام گرفته که ایرانیها هنوز مسلمان هم نشده بودند! و این خراسانی است که ایران را برای این جنگ و رودر روئی عظیم آماده می کند.

چنانچه قبلاً اشاره شد و در فصل بعدی مورد بحث و بررسی بیشتر قرار خواهد

---

عام، ایجاد حکومت عدل و داد اسلامی هدف درجه اول این انقلاب نمی باشد، چرا که اساساً بنا نبوده و نیست که هیچ حکومت عدل و دادی قبل از ظهور حضرت، در گوشه ای از جهان بوجود بیاید، بلکه این انقلاب زمینه ساز ظهور و مقدمه آن بوده و مأموریت و مسئولیت اصلی و واقعی خراسانی، نه ایجاد حکومت عدل و داد، بلکه درگیر شدن در معادلات بسیار بغرنج و پیچیده آخرالزمانی، و مقابله با سیستم جهانی دجال در آخرالزمان، و سپردن پرچم به دست صاحبش می باشد، درگیر شدن با سیستم پیچیده و قدرتمند و بغرنجی که طبق احادیث کوهی از آتش دارد و قصد تصرف کل جهان و به فساد و کفر کشاندن آن را تحت امر شیطان در سر می پروراند، بعد از شکست دجال و ظهور حضرت است که حکومت عدل و داد در سطح جهانی ایجاد می شود.



گرفت، طبق احادیث اهل بیت (ع)، لشگر دوازده هزار نفره امام زمان (عج) به وسیله شخصی که در احادیث از او تحت عناوین مختلفی مثل "رجل من آل محمد"، قائمی از اهل بیت، شاب هاشمی و... یاد شده، قبل از ظهور در ایران تشکیل می‌شود و خراسانی کسی است که بستر و زمینه‌های لازم را به لحاظ جغرافیائی و امکانات نظامی و امنیت لازم برای تجمع و تشکیل این لشگر را در ایران فراهم آورده و به آن شخص هاشمی کمک می‌کند، (چنانچه امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: "اذا قام القائم بخراسان-خراسانی- و قام "منا" قائم بجیلان!" و فرمودند: "یخرج هاشمی بجیلان بعینه المشرقی- ای الخراسانی".

و نهایتاً این شخص، با کمک خراسانی، لشگر دوازده هزار نفره امام زمان (عج) را در ایران و مشخصاً گیلان تشکیل داده و همراه خراسانی به جنگ سفیانی رفته و لشگر سفیانی را شکست داده و مجبور به فرار کرده و در کوفه مستقر می‌شوند که در این موقع حضرت ظهور می‌کند و این لشگر که از ایران آمده، برای بیعت با حضرت، راهی مکه می‌شود، و لذا فرمودند: " و اذا تحركت رایات من خراسان و معهم نفر من اصحاب القائم! و جابر، از امام باقر (ع) نقل می‌کند که فرمودند:

• تنزل الرايات السود التي تخرج من خراسان إلى الكوفة، فإذا ظهر المهدي عليه السلام بعث إليه بالبيعة.

(غیبت طوسی ص ۴۵۲)

یعنی لشگر دوازده هزار نفره‌ای که با عساکر خراسان از ایران حرکت کرده و بعد از شکست دادن سفیانی در کوفه مستقر می‌شوند، با ظهور حضرت راهی مکه شده و با حضرت بیعت می‌کنند و با حضرت راهی کوفه می‌شوند و بعد از استقرار حضرت در کوفه راهی فلسطین شده و یهود و سفیانی را شکست



داده و فلسطین را آزاد می‌کند (و این یعنی آزادی فلسطین همزمان خواهد بود با ظهور حضرت):

- تخرج من خراسان رايات سود فلا يردھا شيء حتى تنصب بايلياء. (ايليا در فلسطین) (کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۶۱)

در واقع این خراسانی است که، ایران و شیعه را، قبل از ظهور و در شرایط بسیار بغرنج و پیچیده جهانی رهبری کرده، و با قدرت عظیمی که کسب می‌کند (ملک عظیم)، ایران را برای جمع شدن یاران قائم (ع) و تشکیل لشکر دوازده هزارنفره امام زمان (عج) به رهبری شاب هاشمی، امن و آماده می‌کند، لشگری که در شرایط سلطه جهانی دجال در هیچ نقطه دیگری از جهان عملاً امکان جمع شدن و تشکیل وجود ندارد. چرا که طبق احادیث اهل بیت (ع)، دجال و عواملش که بر جهان مسلط می‌شوند قصد شکست ایران و نابودی شیعه را دارند.

به این شکل می‌توان گفت که انقلاب شیعی پیش‌گویی شده از طرف حضرت رسول (ص) و اهل بیت (ع) در ایران، مقدمه ای برای به میدان آمدن خراسانی بوده و خراسانی با قدرت عظیمی به مصاف دجال غرب رفته و زمینه ساز تشکیل لشکر امام زمان (عج) به رهبری شاب هاشمی می‌باشد، که با جمع کردن و تشکیل لشکر امام زمان (عج) و شکست دادن لشکر سفیانی و بیرون راندن دشمنان از منطقه ظهور، زمینه ساز ظهور حضرت امام زمان (عج) می‌باشد. و مجموعه این عوامل و حوادث، پروسه ظهور را کامل کرده و زمینه را برای ظهور حضرت آماده می‌کند.

- يخرج عليهم الخراساني و السفیاني هذا من المشرق و هذا من المغرب يستبقان إلى الكوفة کفرسي رھان (غیبت نعمانی ص ۲۵۵)

در حدیث دیگری امیر المؤمنین (ع) از لشکر خراسانی و یمانی به عنوان لشکر



- امام حسین(ع) یاد می کند که باهم برای تاختن به سفیانی مسابقه می گذارند:
- عن أمير المؤمنين(ع)...حتى تهجم عليهم خيل الحسين يستبقان كأنهما فرسان رهان، شعث غبر أصحاب بواكي و قوارح. (مختصر البصائر ص ۴۷۱)

## خلاصه مطالب این بخش

حال با توجه به مطالب فوق به طور خلاصه روشن شد که :

- ۱- با توجه به قدرت نظامی و اقتصادی عظیم و جهنمی دجال (یا غرب) در آخرالزمان، که به فرموده رسول خدا(ص) دجال کوهی از نان-یعنی قدرت اقتصادی- و کوهی از آتش- یعنی قدرت نظامی- دارد و بر جهان سیطره می یابد، در ایران انقلابی اتفاق می افتد که با آن جبهه ضد دجال شکل میگیرد که این جبهه قدرتی پیدا می کند که در مقابل دجال بایستد.
- ۲- و با توجه به اینکه لشگر دوازده هزارنفره حضرت باید قبل از ظهور و در ایران تشکیل شود، و فرمودند تا این لشگر تشکیل نشود قائم خروج نمی کند: لا یخرج حتی یکنتم الحلقه، والحلقه عشره آلاف.
- ۳- و با توجه به این که برای تشکیل این لشگر باید در نقطه ای از زمین امنیت و امکانات لازم مهیا شود که دجال به آن نقطه از زمین سیطره و دسترسی نداشته باشد.
- ۴- طبق احادیث اهل بیت عصمت(ع) آن نقطه امن خارج از سیطره دجال، ایران خواهد بود، که بوسیله خراسانی و قدرت بازدارنده عظیمش (ملک عظیم) برای تجمع و تشکیل لشگر دوازده هزارنفره امام زمان(عج) آماده و مهیا می شود.



۵- لشگر دوازده هزار نفره امام زمان(عج) در ایران امن خارج از سیطره دجال بوسیله شاب هاشمی یا قائمی از اهل بیت(ع) و با کمک خراسانی تشکیل می شود (یخرج هاشمی من جیلان یعنی المشرقی ای الخراسانی) و وقتی سفیانی شام و عراق را گرفت و به ایران حمله کرد، همراه لشگر خراسانی به جنگ سفیانی رفته و آنرا شکست می دهد و بعد از شکست دادن سفیانی در کوفه مستقر شده و پس از ظهور حضرت راهی مکه شده و با حضرت بیعت کرده و حضرت همراه لشگرش آمده و در کوفه مستقر می شود

در نتیجه نقش حساس و تعیین کننده خراسانی در دور کردن ایران از غرب و امن کردن آن با قدرت بازدارنده اش در قبال قدرت عظیم دجال که کوهی از آتش دارد، برای تشکیل حلقه و لشگر دوازده هزارنفره حضرت روشن می شود، امری که بدون آن تشکیل این لشگر غیر ممکن می شد که خداوند این امر و مأموریت و مسئولیت عظیم را به عهده خراسانی و نیروها و قدرت عظیم بازدارنده اش گذاشته است(۱).

در ادامه به بررسی تشکیل لشگر امام زمان(عج) در ایران می پردازیم.

---

<sup>1</sup> - چنانچه امروزه نیز شاهد هستیم اگر نیروی بازدارنده و قدرت موثر ایران نبود، آمریکا و عواملش مثل داعش و غیره مدتها پیش ایران را متلاشی می کردند.



## فصل چهارم

# تشکیل لشکر امام زمان (عج) در ایران

(روشنگری حقائق بسیار مهم و مستتر دوران ظهور)



## تشکیل لشکر حضرت در ایران

تصور عمومی بر این است که لشکر حضرت بلافاصله بعد از ظهور و بطور معجزه آسا و خلق الساعه کنارش جمع شده و خبر ظهور حضرت از رادیو و تلویزیون اعلام می شود! در نتیجه مردم به شکل میلیونی به استقبال حضرت می روند!

باید توجه داشت که چنین تصویری بر خلاف نص صریح احادیث اهل بیت (ع) در باره ظهور بوده و بیشتر به قصه و افسانه شبیه می باشد. قصه‌ای که در حین ظهور هیچیک از حجج الهی اتفاق نیافتاده است. اهل بیت (ع) صریحا فرمودند که "خروج رسول الله" و روشن است که خروج رسول الله (ص) چقدر غریبانه بود و لذا فرمودند اسلام در آخرالزمان نیز مثل اول ظهور اسلام غریبانه خواهد بود: "بدأ السلام غریبا و سيعود غریبا". البته چنین تصوراتی معمولا در حین ظهور دیگر موعودها در امم گذشته اتفاق می افتاد و مردم در باره ظهور موعود منتظر خود به چنین قصه سازی ها و افسانه پردازی ها دست می زدند، اما بهترین راه در این باره تمسک به ثقلین و توجه به احادیث وارده در این مورد و آشنائی با آنها می باشد، تا از اشتباهات امم ماضیه در زمان ظهور موعود منتظرشان مصون بمانیم. در ادامه بحث در هفت قسمت به بحث و بررسی احادیث مربوط به زمان و نحوه تشکیل لشکر حضرت خواهیم پرداخت.



## ۱- محل تشکیل لشکر حضرت

طبق احادیث وارده از طریق شیعه و سنی، لشکر امام زمان (عج) قبل از ظهور حضرت، در ایران و در گیلان و طالقان، به رهبری مردی که از او در احادیث به مردی از آل محمد (ص) یا قائمی از اهلبیت تعبیر کرده اند تشکیل خواهد شد، لذا در بحث و بررسی روایات مربوط به ظهور امام زمان (عج)، به احادیث فراوانی برمی‌خوریم که از طریق شیعه و سنی و در حد تواتر نقل شده‌اند، از خراسان سخن می‌گویند، در بعضی از احادیث نیز به جای خراسان کلمه "المشرق" را به کار برده‌اند. (۱) و لذا در بخشی از این احادیث تصریح شده است که آغاز فرج اهل بیت (ع) و مبدأ ظهور، از خراسان و ایران خواهد بود.

از جمله رسول خدا (ص) ضمن حدیثی که مضمونش در کتب معتبر اهل سنت آمده و هین مضمون در کتب شیعه نیز وارد شده است، فرمودند اهلبیت (ع) من بعد از من پیوسته دچار رنج و شکنج و قتل و طرد تشرید خواهند بود تا خداوند پرچمی را از "المشرق" برای ما عطا فرماید، یعنی شروع فرج با حرکت پرچمی از ایران خواهد بود:

• قال رسول الله (ص): إن أهل بيتي سيلقون من بعدي قتلا و تطريدا و تشريدا في البلاد حتى يتيح الله لهم راية تخرج من المشرق (معجم احاديث ج ۱ ص ۲۹۵)

و اميرالمؤمنين (ع) نیز همین مطلب را بیان کرده و فرمودند مبدأ ظهور از

<sup>1</sup> در جلد اول کتاب با بررسی احادیث، روشن شد که منظور از خراسان و المشرق، ایران می باشد و نه



طرف "مشرق" یا همان خراسان و ایران می باشد:

- و عن علي عليه السلام أنه قال: المهدي أقبَل، جعد، بخرده خال، يكون مبدأه من قبل المشرق... (بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۲۵۲)
- امیرالمؤمنین (ع) در احادیث دیگری فرمودند انصار و یاران امام زمان (عج) در ایران در گیلان و طالقان جمع خواهند شد:
- إذا قام القائم بخراسان... و قام منا قائم بجیلان (غیبت نعمانی ص ۲۷۵)
- يقوم منا قائم بجیلان یعینه المشرقي (ای الخراسانی) (إلزام الناصب ص ۱۱۳)
- قال امیر المؤمنین (ع): ویحا للطالقان فإن لله عز و جل بها کنوزا... هم أنصار المهدي في آخر الزمان. (بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۸۷)
- بالطالقان کنوز ما هو بذهب و لا فضة، رجال كأن قلوبهم زبر الحديد... بهم ينصر الله إمام الحق. (بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۳۰۸)

بعداً خواهیم دید که این لشکر از ایران حرکت کرده به کوفه رفته و سپس به مکه خواهد رفت و با امام زمان (عج) بیعت کرده و به کوفه برخواهد گشت:

- وعن الباقر (ع) قال: إن لله تعالى كنزا بالطالقان ليس بذهب ولا فضة، اثنا عشر ألفا بخراسان... يقودهم شاب من بني هاشم. (منتخب انوار المصیئة ص ۳۴۳)
- تنزل الرايات السود التي تخرج من خراسان إلى الكوفة، فإذا ظهر المهدي عليه السلام بعث إليه بالبيعة. (غیبت طوسی ص ۴۵۲)

## ۲- تعداد نفرات لشکر حضرت

طبق احادیث وارده از طریق شیعه و سنی، تعداد لشکر حضرت بین ده الی پانزده هزار نفر خواهد بود و نه بیشتر<sup>(۱)</sup> و در حین ظهور تعداد ایمان آورندگان

<sup>1</sup> - سؤال اینجاست که اگر ظهور به شکل معجزه آسا و واضح و آشکار اتفاق خواهد افتاد، طوری که



به حضرت، همین تعداد خواهد بود و کسی جز آنها به حضرت ایمان نخواهند آورد! ذیلا تعدادی از این احادیث را که تأکید می کنند لشکر حضرت بیش از ده الی پانزده هزار نخواهد بود می آوریم:

• ۱- عن امیر المؤمنین (ع): یخرج فی اثنی عشر ألفا إن قلوا، أو خمسة عشر

ألفا إن كثروا. (معجم الاحادیث ج ۱ ص ۴۰۹)

• ۲- ثم یبعث الله عند ذلك رجلا من عترة الرسول (ص) فی اثنی عشر ألفا

إن قلوا، أو خمسة عشر ألفا إن كثروا... (المستدرک للصحیحین ج ۴ ص ۵۵۳)

همه متوجه ظهور شده و به استقبال حضرت خواهند رفت، پس چرا لشکر حضرت فقط ده الی دوازده هزار نفر خواهد بود و این تعداد اندک به حضرت ایمان آورده و به کمکش خواهند شتافت؟ پس میلیونها شیعه منتظر و مشتاق حضرت آن موقع کجا خواهند بود؟

تصوری که بین شیعه عمومی شده این است که امام زمان (عج) با معجزات قاهره و باهره ظهور می کند و علما و مراجع و خبرگزارها ظهور امام زمان (عج) را اعلام می کنند و میلیونها شیعه به کمک و استقبالش می شتابند و با معجزه و یک شبه جهان را تسخیر می کنند! و در نتیجه شیعه خیالش از این بابت راحت است که ظهور خیلی واضح و آشکار اتفاق خواهد افتاد و بوسیله علما و بزرگان اعلام خواهد شد و احتیاجی به تحقیق و بررسی از طرف آنها نیست!

این دقیقا همان ظهور کارتونی و تحریف شده ایست که زمان ظهور حضرت مسیح (ع) اتفاق افتاد و طبق فرموده حضرت رسول (ص) امتش عینا و موبمو کار آنها را دارد تکرار می کند و پا جای پای گذشتگان می گذارد!

باید گفت که این تصور کاملا غلط بوده و برخلاف آیات قرآن در باره آمدن حجج الهی، و برخلاف احادیث اهل بیت (ع) در مورد ظهور غریبانه حضرت مهدی (عج) می باشد و این تصور غلط و کارتونی گونه از ظهور نتیجه ای جز انکار قائم (ع) در حین ظهور و مقابله با او نخواهد داشت، دقیقا مثل وضعیت تاسف آور یهود در حین ظهور حضرت مسیح (ع).



- ۳- (یرسل الله) على أهل الشام من يفرق جماعتهم حتى لو قاتلتهم الثعالب غلبتهم، وعند ذلك يخرج رجل من أهل بيتي في ثلاث رايات، المكثر يقول خمسة عشر ألفا، والمقلل يقول إثنا عشر ألفا... (معجم الاحاديث ج ۱ ص ۴۰۹)
- ۴- إذا سمع العائد الذي بمكة بالخسف خرج مع اثني عشر ألفا فيهم الابدال حتى ينزلوا إيليا (فتن ابن حماد حديث ۵۰۵)
- ۵- عن أبي عبد الله(ع): لا يخرج القائم (عليه السلام) حتى يكون تكملة الحلقة. قلت: وكم تكملة الحلقة؟- قال: عشرة آلاف. (غيبت نعمانی ص ۳۱۸)

طبق این احادیث که از طریق شیعه و سنی روایت شده، حضرت فقط با دوازده هزار نفر که از ایران آمده اند از مکه حرکت می کند و نه بیشتر، و هرکس غیر از این را بگوید آگاهانه یا نا آگاهانه در صدد تحریف آشکار علائم و کیفیت ظهور می باشد!

بعد از ظهور و حرکت از مکه، و وقتی به کوفه و نجف می رسد، تعداد لشگرش همان دوازده هزار نفر است و نه بیشتر! و کسی به آنها اضافه نمی شود! چرا که چنانچه بعدا خواهیم دید مردم در نجف و کوفه با تصور اینکه او مدعی کذاب و امام زمان قلابی است به جنگ حضرت خواهند رفت!

روزی امیرالمؤمنین(ع) در کوفه پای بر زمینی کوبیدند و فرمودند وقتی قائم ما قیام کند از اینجا دوازده هزار سپر و سلاح بیرون می آورد و بر دوازده هزار نفر از اولاد عجم می پوشاند (همانها که از ایران آمده بودند) و می فرماید اینها را ببوشید و هرکس (در صحنه جنگ) این زره را بر تن نداشت بکشید (و این یعنی که آنموقع در کوفه و در صحنه جنگ جز آن ۱۲ هزار نفر کسی یار حضرت نیست و ما بقی همه دشمن هستیم!):



- ... ثم خرج (امیر المؤمنین ع) حتی انتهى إلى باب قصر الامارة بالكوفة، فركض رجله فتنزلت الأرض، ثم قال: أما والله، لقد علمت ما هاهنا، أما والله لو قد قام قائمنا لأخرج من هذا الموضع اثني عشر ألف درع واثني عشر ألف بيضة لها وجهان، ثم ألبسها اثني عشر الف رجلا من ولد العجم ثم ليتأمر بهم ليقتلن كل من كان على خلاف ما هم عليه. (معجم الاحاديث ج ۳ ص ۱۱۸)
- همين مطلب را امام صادق (ع) نیز به شکل دیگری بیان فرمودند:
- عن ابى عبدالله(ع): إذا قام القائم أتى رحبة الكوفة فقال برجله هكذا أو أوماً بيده إلى موضع، ثم قال: احفروا ههنا، فيحفرون فيستخرجون اثني عشر ألف درع واثني عشر ألف سيف، واثني عشر ألف بيضة، لكل بيضة وجهان، ثم يدعو اثني عشر ألف رجل من الموالي من العجم فيلبسهم ذلك، ثم يقول: من لم يكن عليه مثل ما عليكم فاقتلوه (بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۷)
- و عجيب اين که لشگر از کوفه حرکت کرده و به شام می رود و باز در شام نیز لشگر حضرت همان دوازده هزار نفر هستند و نه بیشتر!:
- فلا تسبوا أهل الشام... وسيرسل الله إليهم سيبا من السماء فيفرقهم حتى لو قاتلتهم الثعالب غلبتهم، ثم يبعث الله عند ذلك رجلا من عترة الرسول (ع) في اثني عشر ألفا، يقاتلهم.... (فتن ابن حماد حديث ۴۰۹)
- عجيب اين که بخشی از اين دوازده هزار نفر هم شبه عبدة الشمس والقمر هستند:
- عن أبى عبد الله(ع): إذا خرج القائم (ع) خرج من هذا الأمر من كان يرى أنه من أهله و دخل فيه شبه عبدة الشمس و القمر. (غيبت نعمانى ص ۳۱۷)
- امیر المؤمنین (ع) در نهج البلاغه تصریح فرمودند که یاران قائم (ع) افرادی



ناشناخته و گمنام و مجهولون فی الارض و معروفون فی السماء هستند، و فرمودند و تأکید کردند که قائم(ع) مثل رسول خدا(ص) غریبانه می آید.

### ۳- غریبانه آمدن حضرت

اما شاید اینجا این سؤال پیش بیاید که چرا لشگر حضرت فقط دوازده هزار نفر هستند؟ در صورتی که امروزه تعداد شیعیان جهان به دویست میلیون نفر می رسد! و فقط در راهپیمائی اربعین با همه خطراتش بیش از بیست میلیون شیعه شرکت می کند! شاید راز این امر در آنجا باشد که اهلیت(ع) تصریح فرموده و تأکید کرده اند که قائم ما مثل رسول خدا(ص) امر جدید خواهد آورد (امر جدیدی که با دین مستقر همخوانی ندارد و در نتیجه به عنوان بدعت رد و طرد می شود و در نتیجه) غریبانه خواهد آمد! و فرمودند برگشت اسلام در آخرالزمان مثل شروع و ابتدایش در صدر اسلام، غریبانه خواهد بود و کار قائم(ع) سختتر از کار رسول خدا(ص) خواهد بود و فقط افراد "نادر و غریب" مثل ابوذرها و بلال حبشی ها به او ایمان خواهند آورد و لذا فرمودند خوشا به حال غریبان: (۱)

---

1 - این سؤال را باید تکرار کرد که چرا قائم(ع) مثل رسول الله(ص) غریبانه می آید و لشگرش فقط ۱۲ هزار نفر هستند؟ اگر "یک در هزار" شیعه دویست میلیونی، به کمک حضرت بروند، لشگر حضرت دویست هزار نفر خواهد بود و نه دوازده هزار نفر!، و روشن است که اگر آئین موقع شیعه حضرت را بشناسند و بدانند که حضرت ظهور کرده، میلیونها شیعه ای که امروزه با همه خطرات مشتاقانه برای زیارت اربعین، پیاده به کربلا می روند، به کمک حضرت خواهند شتافت! و بنابر این احتمالاً آن موقع مردم و از جمله بزرگان شیعه بدلیل تصور غلط از ظهور، حضرت را شناخته و او را تأیید نخواهند کرد وگرنه چرا از دویست میلیون شیعه، فقط تعداد اندک و نادری آنها افراد تنها و ناشناخته و غریب و یا شبه عبدة الشمس و القمر به او می پیوندند؟





- أن القائم (عليه السلام) يستأنف دعاءا جديدا، وأن الإسلام بدأ غريبا وسيعود غريبا كما بدأ. (غيبت نعمانی ص ۳۲۷)
- عن أبي بصير عن كامل عن أبي جعفر(ع) أنه قال: إن قائمنا إذا قام دعا الناس إلى أمر جديد كما دعا إليه رسول الله(ص) و إن الإسلام بدأ غريبا و سيعود غريبا كما بدأ، فطوبى للغرباء (غيبت نعمانی ص ۳۳۴)
- قلت لأبي عبد الله (عليه السلام): أخبرني عن قول أمير المؤمنين (عليه السلام): إن الإسلام بدأ غريبا، وسيعود كما بدأ، فطوبى للغرباء! فقال: يا أبا محمد، إذا قام القائم(ع) استأنف دعاء جديدا كما دعا رسول الله (صلى الله عليه وآله).
- در حدیث دیگری می فرماید آن بخش کمی هم که به حضرت می پیوندند و یار و شیعه او شوند از طرف مردم تکفیر خواهند شد و مردم آنها را دروغگو و ملعون و گمراه خواهند خواند:
- أنهم عند الناس، كفار و عند الله، أبرار و عند الناس كاذبون و عند الله صادقون و عند الناس أرجاس و عند الله نظاف و عند الناس ملاعین و عند الله بارون و عند الناس ظالمون و عند الله عادلون فازوا بالایمان و خسر المنافقون، (الملاحم و الفتن ص ۱۳۷)
- و در حدیثی دیگر امیرالمومنین(ع) فرمودند بین در حین ظهور بین شیعه اختلاف خواهد افتاد (یعنی بین مردم و یاران قائم(ع))، مردم یاران نادر و اندک و غریب او را کذاب خواهند خواند و به روی هرکس که به او پیوندد تف خواهند انداخت! و اینچنین خواهد شد که جز آن دوازده هزار نفر افراد نادر، کسی از شیعه با حضرت نخواهد ماند و به لشگرش نخواهد پیوست:



- عن امیرالمومنین(ع): ... (لا يقوم القائم) حتی يتقل بعضكم في وجوه بعض و حتی یسمی بعضكم بعضا كذابين (در نتیجه) حتی لا یبقی منكم، أو قال من شیعتی، (مع القائم) إلا كالکحل في العين و الملح في الطعام! (غیبت نعمانی ص ۲۱۶)
- تخرج رایة من ولد الحسين تظهر بالكوفة بدعاية الأمية و يشمل الناس البلاء، و یتلی الله خیر الخلق حتی یمیز الخبیث من الطیب، و یتبرأ الناس بعضهم من بعض، و يطول ذلك (الملاحم و الفتن ص ۱۳۷)
- قال الرضا(ع): والله لا يكون ما تمدون إليه أعینکم حتی تمحصوا و تمیزوا، و حتی لا یبقی منكم إلا الأندر فالأندر (غیبت نعمانی ص ۲۱۶)

ملاحظه می شود که طبق احادیث اهلبیت(ع) ظهور واقعی به این شکل غریبانه خواهد بود و نه به آن شکل تحریف شده ای که بین مردم شائع است! و تعداد کسانی که در آن ظهور غریبانه به حضرت ایمان آورده و او را یاری رسانده و لشگرش را تشکیل خواهند داد فقط دوازده هزار نفر خواهند بود و نه بیشتر! و این بزرگترین و خطرناکترین تحریفی است که متأسفانه درباره ظهور حضرت اتفاق افتاده است، چرا که باعث سردرگمی و گمراهی اکثریت منتظران شده و مانع پیوستن آنها به حضرت و بلکه دشمنی خیلی ها با حضرت در زمان ظهورش خواهد شد!

#### ۴- گنجهای طالقان تشکیل دهندگان لشکر امام زمان(عج)

حال با روشن شدن محل و تعداد افراد تشکیل دهنده لشکر امام زمان(عج) می خواهیم ببینیم اینها چه کسانی هستند؟ و کی و کجا و چگونه جمع شده و لشکر حضرت را تشکیل می دهند؟



در احادیث اهل بیت (ع) از تشکیل دهندگان این لشکر به گنجهای الهی تعبیر شده است که در طالقان جمع می شوند. (۱)

گنجهای طالقان گنجهایی است که خداوند آنها را برای حجتش در آخرالزمان ذخیره کرده است! حضرت خطاب به آنها می فرماید بیائید به سوی من ای آنانی که خداوند آنها را قبل از ظهورم برای نصرت من آماده کرده:

• عن ابي عبد الله (ع) قال: يقف (القائم ع) بين الركن والمقام، فيصرخ صرخة فيقول: يا معاشر نقبائي! وأهل خاصتي! ومن ذخرهم الله لنصرتي! قبل ظهوري!... ائتوني طائعين!  
(الزام الناصب ج ۲ ص ۲۲۰)

به فرموده امیر المؤمنین (ع) این گنجها، جوانمردان و گوهرهای الهی هستند که در آخر الزمان خلیفه خدا و منجی عالم بشریت را یاری می رسانند و او با آنها جهان را فتح می کند، مردانی مومن و باورمندی که خدا را به حقیقت شناخته اند و خود را به خدا سپرده اند و پر از فهم و درک و شعورند:

• قال امير المؤمنين (ع): ويحا للطلالقان فإن لله عز و جل بها كنوزا، ليست من ذهب و لا فضة، و لكن بها رجال مؤمنون عرفوا الله حق معرفته! هم أنصار المهدي في آخر الزمان.  
(بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۸۷)

1 - احادیث گنجهای طالقان از طریق شیعه و سنی روایت شده است چنانچه شهید محمد صادق صدر در کتاب تاریخ غیبت می گوید: اَنَّ مَضْمُونَ (حدیث الطالقان) مروی عن النبی (ص) من كلا الفريقين، و إن اختلفت بعضُ الفاظه.

(تاریخ غیبت صغری ج ۳ ص ۲۸۳)

اما این که طالقان کجاست؟ با توجه به اینکه در احادیث در باره محل خروج لشکر حضرت در کنار طالقان از گیلان و دیلمان و قزوین نیز یاد شده است معلوم می شود که منظور همین شهر طالقان مشهوریست که بین استان تهران و گیلان قرار دارد.



حضرت امام صادق(ع) این گنجهای الهی را اینچنین توصیف فرمودند:

- کنوز الله بالطالقان! کنوز و أي کنوز! لیست من فضة و لا من ذهب، بل هي رجال كزبر الحديد! على البراذین الشهب بأیدیهم الحراب و لم یزل یقتل الظلمة حتی یرد الکوفة. (الزام الناصب ج ۲ ص ۲۲۷)

اما باید توجه داشت که منظور از طالقان کل ایران بلکه ایران قدیم می باشد:

- و (الله کنوز) في خراسان کنوز لا ذهب و لا فضة و لكن رجال یجمعهم الله... (ملاحم سید ابن طاووس ص ۱۴۴)

طبق احادیث و فرمایشات اهلبیت(ع)، ۳۱۳ نفر خاصان و مقربین حضرت هم جزو این گنجهای طالقان و بلکه فرماندهان آنها هستند:

- عن أبي جعفر الثاني(ع) عن آباءه قال: قال النبي(ص): و له کنوز لا ذهب و لا فضة إلا خیول مطهمة و رجال مسومة یجمع الله له من أقاصی البلاد علی عدة أهل بدر ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا. (بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۳۱)

امام جواد(ع) در حدیث مفصلی که شیخ صدوق(ره) آن را در کتاب کمال الدین آورده، از پدرش امام رضا(ع) از پدرانیش از امام حسین(ع) نقل می کند که حضرت فرمود: بر رسول خدا(ص) وارد شدند و رسول خدا(ص) بشارت دادند که منجی بشریت از ذریه ایشان خواهد بود و در ادامه به توصیف یاران منجی عالم بشریت پرداخته و فرمودند که آنها گنجهای الهی هستند که خداوند آنها را از اقاصی ارض در طالقان جمع خواهد کرد:

- و له بالطالقان کنوز لا ذهب و لا فضة إلا خیول مطهمة و رجال مسومة یجمع الله عز و جل له من أقاصی البلاد علی عدد أهل بدر ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا (کمال الدین و تمام النعمة ص : ۲۵۶)



اما همانطور که گفته شد سیصد و سیزده نفر فرماندهان لشکر هستند، و تعداد کل لشکر طبق فرمایش امام باقر(ع) دوازده هزار نفر هستند:

- وعن الباقر(ع) قال: إن لله تعالى كنزا بالطالقان ليس بذهب ولا فضة، اثنا عشر ألفا بخراسان، يقودهم شاب من بني هاشم. (منتخب انوار المصیئة ص ۳۴۳)

## گنجهای طالقان چه کسانی هستند؟

براستی این گنجهای الهی چگونه انسانهایی و چه کسانی هستند؟

بله آنها گنجها و ذخیره های الهی هستند، گنجهایی نه از نقره و طلا بلکه مردانی که رهائی بشریت از غل و زنجیر شیطان و شیطانیان را به رهبری حجت و خلیفه خدا محقق خواهند کرد.

آری خدای را در طالقان گنجهایی است و چه پرافتخارا! "إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى فِي الطَّالِقَانِ كُنُوزًا"، اما جنس این گنجها نه از طلا هستند و نه از نقره، از جنس آن گوهرهایی هستند که مولا علی(ع) فرمودند اگر چهل نفر از آنها را پیدا کنم کار عمر نابکار را یکسره می کنم! اما افسوس که جز سه نفر از آنها در آن زمان وجود نداشت (که یکی از آنها از گنجهای طالقان بود: سلمان فارسی!) و امام صادق(ع) فرمود اگر به تعداد انگشتان دست از آنها را داشته باشم قیام می کنم، اما نیافت!

اما این بار ۱۲ هزار از این گوهرها در خراسان و در ایرانزمین جمع خواهند شد که تعداد فرماندهانشان ۳۱۳ نفر می باشد.

۱۲ هزار نفر گوهر تابناک که در طالقان جمع می شوند، از جنس ۷۲ تن کربلا، چه شگفت انگیز! نه چهل نفر، نه هفتاد و دو نفر! که دوازده هزار نفر!



دوازده هزار گنج و گهر که خداوند در ایران و طالقان برای حجت و خلیفه اش ذخیره کرده تا با آنها چنانچه در کتاب اوستا نیز آمده جهان را از دست اهریمن رها ساخته و گیتی را نو سازند.

این گنجها از جنس آن گوهرهائی هستند که امام حسین(ع) با هفتاد و دو نفر از آنها تابلوی خیره کننده کربلا را نقاشی کرد که تا ابد بر تارک هستی می درخشند و نور افشانی می کنند، و گنجهای طالقان با شعار یا لثارات الحسین(ع) بپا می خیزند! و انتقام آنها را می گیرند.

آری این گنجها از جنس آن مردان استثنائی هستند که چون الماس برا هستند و چونان گوهر درخشان! بل رجال کزبر الحديد عرفوا الله...! (1)

احادیث وارده در این موضوع که از طریق شیعه و سنی روایت شده است به قدری زیاد است که قطعاً به حد تواتر می رسد، ذیلاً چهارده حدیث از این احادیث را که بعضی از آنها را قبلاً هم آوردیم می آوریم:

- ۱- عن ابن عباس، أنه قدم على معاوية... فأجازه وأحسن جائزته، ثم قال: يا أبا العباس، هل يكون لكم دولة؟... قال: نعم، و ذلك في آخر الزمان، قال: فمن أنصاركم؟ قال: "أهل خراسان"...

(فتن ابن حماد ص ۱۳۰)

می بینیم که در این روایت ابن عباس که طبعاً از رسول خدا(ص) شنیده، انصار اهل بیت(ع) برای تشکیل دولت عدل در آخرالزمان را اهل خراسان اعلام می کند.

1 - قابل ذکر است همانطور که قبلاً گفته شد به فرموده امیر المؤمنین(ع) گنجهای طالقان و تشکیل دهندگان لشگر، افراد مشهور و شخصیتهای شناخته شده و بزرگان نیستند، بلکه افرادی عادی و مجهول و ناشناخته و از دید متکبرین کوچک و ذلیل اند: یجاهدهم في الله قوم أدلة عند المتكبرين



- ۲- قال رسول الله(ص): إن أهل بيتي سيلقون من بعدي قتلا و تطريدا و  
تشريدا في البلاد، حتى يفتح الله لهم راية تخرج من قبل المشرق.  
(معجم الاحاديث ج ۱ ص ۲۹۵)

يعنى اهل بيت من هميشه در طرد و عذاب و فشار خواهند بود و فرجى نخواهد  
بود تا اينكه پرچمى از المشرق يا ايران بلند شود، با آن پرچم و حرکت، فتح و  
فرج اهلبيت(ع) شروع خواهد شد.

- ۳- قال رسول الله(ص): يخرج أناس من المشرق فيوطنون للمهدي يعني  
سلطانه هذا حديث حسن صحيح روته الثقات ... (بحارالانوار ج ۵۱ ص ۸۷)

يعنى اين نيروها و پرچمهاى كه از طرف "المشرق"، كه به معنى ايران مى باشد،  
مى آيند ، زمينه و مقدمات حكومت مهدوى را آماده خواهند كرد. (۱)

1- در لغت معنى "المشرق" با خراسان يکى است چرا كه خور آسان يعنى جائي كه خور آسد، و خور  
آسد به پهلوى يعنى خورشيد آيد، و المشرق هم بعربى به معنى محل آمدن و طلوع خورشيد مى باشد  
و به همان معنى خراسان است، بنابراین المشرق همان خراسان مى باشد و خراسان نيز به معنى ايران  
مى باشد و نه صرفاً استان خراسان" چرا كه چنانچه در حديث بالا ديديم، اصحاب پيامبر(ص) از كلمه  
"المشرق" در كلام پيامبرص "فرس" را فهميدند، چنانچه در حديثى نيز مى فرمايد: اذا تحركت  
عساكر خراسان كه منظور اين است كه وقتى نيروهاى نظامى ايران حرکت كردند و نه نيروهاى نظامى  
استان خراسان. - در حديث زير نيز معنى "المشرق" معلوم مى شود:

كنت مع النبي صلى الله عليه يوم الخندق فأخذ الكرزين فضرب به الأرض فضحك، فقلت: يا رسول  
الله ما تضحك؟ قال "عجبت من قوم يؤتى بهم من قبل المشرق" ويساقون إلى الجنة في الكبول".  
- والحديث بشارة بفتح "فارس" وهزيمة "كسرى" ودخول "الاسرى الفرس" في الاسلام. (معجم



در حدیثی از امیر المؤمنین(ع) به دو نیرو و دو رهبر و قائم از ایران اشاره می‌شود که قبل ظهور قیام می‌کنند، و یکی از آنها را به خودشان نسبت داده و از او به قائمی از ما تعبیر می‌فرمایند:

• ۵- عن امیر المؤمنین(ع): اذا قام القائم بخراسان (خراسانی)... و قام منا قائم بجیلان... (غیبت نعمانی ص ۲۸۳)

در این حدیث معلوم می‌شود که، قائمی از اهل بیت(ع) (که طبعاً این قائم غیر از امام مهدی(عج) می‌باشد) که رهبر کنوز طالقان می‌باشد از گیلان قیام می‌کند، این قائم همراه خراسانی قیام می‌کند و خراسانی این قائم را یاری می‌دهد:

• ۶- يقوم منا قائم بجیلان بعینه المشرقی(ای الخراسانی). (الزام الناصب ص ۱۴۰)

از این حدیث بر می‌آید که همانطور که گفته شد، خراسانی یا المشرقی، قائمی از اهل بیت(ع) را که از گیلان خروج می‌کند، یاری می‌رساند.

• ۷- وعن الباقر(ع) قال: إن لله تعالى كنزا بالطالقان ليس بذهب ولا فضة، اثنا عشر ألفا بخراسان... يقودهم شاب من بني هاشم

(منتخب انوار المضيئة ص ۳۴۳)

در این حدیث آن قائم را "شاب هاشمی" می‌نامد و معلوم می‌شود که تعداد لشگرش نیز ۱۲ هزار نفر می‌باشد و در طالقان جمع می‌شوند.

• ۸- قال رسول الله(ص): و له بالطالقان كنوز لا ذهب و لا فضة الا خيول مطهمة و رجال مسومه يجمع الله عز و جل له من اقاصى البلاد على عدد اهل بدر ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً... (كمال الدين ص ۲۶۸)

از این حدیث فهمیده می‌شود که "۳۱۳ نفر" اصحاب خاص حضرت نیز، به عنوان فرماندهان لشگر، همراه ۱۲ هزار نفر، در طالقان جمع می‌شوند، چنانچه در





احادیث دیگر نیز از آنها به عنوان اصحاب و لشکر قائم (ع) یاد شده است:

- ۹- اذا اقبلت رايات من قبل خراسان و تطوي المنازل طياً حثيثاً و معهم نفر من اصحاب القائم... (غیبت نعمانی باب ۱۴ ح ۶۷)  
در این حدیث شریف تصریح می‌شود که از ایران، برای جنگ با سفیانی، پرچمهای مختلفی، با تمام سرعت به حرکت در می‌آیند که تأکید می‌شود تعدادی از اصحاب قائم (عج) با آنها هستند، و چون قبلاً دیدیم حضرت امیر (ع) رهبر آنها را قائمی از خودشان معرفی کردند و فرمودند: و إذا قام القائم بخراسان... و "قام منا قائم" بجیلان... یعنی که قائمی از اهل بیت (ع)، همراه خراسانی از گیلان قیام خواهد کرد.

- ۱۰- عن امیر المؤمنین (ع): و اذا تحرکت عساكر خراسان و تبع شعيب ابن صالح من بطن طالقان... (معجم الاحادیث ج ۳ ص ۲۷)  
در این حدیث شریف نیز مشابه حدیث قبلی می‌فرماید وقتی عساکر خراسان (نیروهای نظامی ایران، تحت رهبری خراسانی) برای جنگ با سفیانی (غرب و عواملش) به حرکت در آمدند، شعیب ابن صالح از طالقان، که فرمانده نظامی آن دوازده هزار نفر می‌باشد، به همراه آنها به عساکر خراسان می‌پیوندد.

در حدیث زیر از شعیب ابن صالح بعنوان فرمانده نظامی این لشکر یاد شده است یعنی او فرمانده لشکر آن شاب هاشمی می‌باشد:

- ۱۱- و الهاشمي براي ات سود، علی مقدمته شعيب بن صالح. (معجم

الاحادیث ج ۱ ص ۷۷)



• ۱۲- عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال: ويحا للطلالقان فإن لله عز وجل بها كنوزا ليست من ذهب ولا فضة ولكن بها رجال مؤمنون عرفوا الله حق معرفته هم أنصار المهدي في آخر الزمان. (بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۷)

حضرت امیر(ع) در این حدیث تصریح می‌فرماید که "نیروهای گرد آمده در طالقان" یعنی آن دوازده هزار نفر به رهبری شاب هاشمی که قائمی است از آل محمد(ص)، و به فرماندهی شعیب ابن صالح، همان لشگر و اصحاب امام زمان(عج) می‌باشند که با سفیانی جنگیده و او را شکست داده و منطقه را برای ظهور و آمدن حضرت پاکسازی و امن و آماده می‌کنند.

• ۱۳- قال رسول الله(ص): إذا أقبلت الرايات السود من المشرق يوطئ أصحابها للمهدي يعني سلطانه . (معجم الاحاديث ج ۱ ص ۳۸۸)

چنانچه ملاحظه می‌کنیم در این احادیث به وضوح به حرکت پرچمی از ایران یا خراسان، و جمع شدن ۱۲ هزار نفر به همراه "۳۱۳ نفر" در طالقان، و قیام قائمی از اهل بیت(ع) از گیلان، تصریح شده است، و تصریح شده است که اینها اصحاب امام زمان(عج) بوده که مقدمات حکومت حضرت را آماده می‌کنند.

و در ادامه خواهیم دید که همین دوازده هزار نفر لشگر حضرت بوده و در حین ظهور برای بیعت به مکه می‌روند و بعد از بیعت به عنوان لشگر حضرت، با فرماندهشان شعیب ابن صالح با حضرت به سوی کوفه حرکت خواهند کرد!

• ۱۴- ثم يخرج المهدي على لوائه شعیب بن صالح. (ملاحم ابن طاووس: ص ۱۲۸)

یعنی حضرت مهدی با همان لشگری که از ایران و طالقان آمده خروج خواهد کرد و شعیب ابن صالح فرمانده آنها هم پرچمدار لشگر حضرت خواهد بود.



## ۵- اکثریت لشکر حضرت عجم و ایرانی هستند:

دیدیم که لشکر حضرت در ایران تشکیل می شود و اکثراً عجم و ایرانی هستند، و طبق گفته علامه مجلسی (ره) در بحار، آنها به زبان فارسی صحبت می کنند:

- المستفاد من خطبة أمير المؤمنين فيما يتعلق بإخباره عن القائم (ع) حيث يقول فيها: و كأني أسمع صهيل خيلهم و طمطمة رجالهم، أنهم يتكلمون بالفارسية.. (بحار الانوار ج ۴۸ ص ۳۰۵)

حتی طبق حدیثی در کتاب فتن ابن حماد، بعد از استقرار حضرت در کوفه، این لشکر برای شکست دادن سفیانی و یهود راهی دمشق و بیت المقدس می شوند، شعارشان هم به فارسی و بکش بکش می باشد:

- يدخلون دمشق برايات سود عظام، يقتتلون فيها مقتلة عظيمة، شعارهم: بکش بکش (فتن ابن حماد حدیث ۵۶۵)

## ۶- اکثریت سیصد و سیزده نفر یاران خاص

### حضرت نیز عجم هستند:

نه تنها دوازده هزار نفر لشکر حضرت ایرانی هستند بلکه اکثریت ۳۱۳ نفر نیز ایرانی خواهند بود، در حدیثی دیگر امام باقر (ع) تاکید می فرماید که سیصد و سیزده نفر نیز از اولاد عجم می باشند، که فرماندهان لشکر می باشند و در طالقان جمع می شوند:

- - عن أبي جعفر الباقر (عليه السلام)، قال: " أصحاب القائم ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلا أولاد العجم. (غیبت نعمانی ص ۳۲۹)



می بینیم که اکثر ۳۱۳ نفر (۱) عجم هستند و نتیجه وزرای حضرت هم، که طبعاً همان سیصد و سیزده نفر هستند، عجم هستند :

• - أن وزراء المهدي عليه السلام من الأعاجم. (بحار الانوار ج ۴۸ ص ۳۰۵)

در حدیث دیگری امیرالمؤمنین (ع) می فرماید بعد از پیروزی قیام نیز این عجمها هستند که قرآن را آنطور که نازل شده به مردم تعلیم می دهند:

• - عن الأصمغ بن نباتة قال سمعت عليا (ع) يقول كأني بالعجم فساطيهم في مسجد الكوفة يعلمون الناس القرآن كما أنزل. (غیبت نعمانی ص ۳۱۸)

### تأکید ویژه اهل بیت (ع) روی ایران:

حال که روشن شد لشگر حضرت در ایران تشکیل شده و اکثریت لشگر ایرانیها هستند و با سفیانی جنگیده و او را شکست می دهند و پس از شکست دادن سفیانی عازم مکه می شود و با حضرت بیعت کرده و همراه حضرت به کوفه برگشته و سپس برای نابود کردن سفیانی و آزاد کردن بیت المقدس عازم شام می شود، دلیل توجه خاصی که ائمه (ع) به ایران یا خراسان داشتند روشن می شود از جمله آنجا که امیرالمؤمنین (ع) می فرماید:

• - انتظروا الفرج من ثلاث، فقیل: یا أمير المؤمنين، وما هن؟ فقال: اختلاف أهل الشام بينهم، والرايات السود من خراسان والفرزعة فی رمضان. (غیبت نعمانی ص ۲۶۰)

<sup>1</sup> - گفتیم اکثریت، چرا که از دیگر ملیتها هم به تعداد کم در لشگر خواهند بود از جمله به تصریح احادیث تعدادی از ۳۱۳ از ابدال و اخیار عراق و شام و مصر خواهند بود، اما اکثریت خاصان حضرت و وزرای او که گردانندگان جهان بعد از ظهور خواهند بود، ایرانیها خواهند بود و به این موضوع در احادیث زیادی تصریح شده که بخشی از آن را در جلد اول آوردیم و در جلد سوم نیز به آن خواهیم پرداخت.



و به همین دلیل امام باقر(ع) هر بار مرتب از خراسان یاد فرموده و می فرماید  
خراسان! خراسان! به زبان امروزی یعنی ایران! ایران!:

• ما دخلنا علی أبي جعفر الباقر قط إلا قال: خراسان خراسان.

## شعیب ابن صالح فرمانده میدانی لشکر امام زمان(عج)

در احادیث از شخصیتی به اسم شعیب ابن صالح صحبت شده که فرمانده  
میدانی لشکر دوازده هزار نفره را بر عهده داشته و جلودار و پرچمدار لشکر  
مهدوی بوده و بعد از شکست دادن سفیانی با لشکرش به مکه رفته و با حضرت  
بیعت کرده و سپس در تعقیب لشکر سفیانی تا بیت المقدس پیش می رود،  
تعدادی از این احادیث را در زیر می آوریم:

- ۱- عن أبي الحسن الرضا(ع) أنه قال: قبل هذا الأمر السفیانی و الیمانی و المروانی و شعیب بن صالح... (غیبت نعمانی ص ۹۹)
- ۲- تخرج من خراسان آخری سوداء... علی مقدمتهم رجل یقال له شعیب بن صالح... یهزمون أصحاب السفیانی حتی ینزل بیت المقدس، و یوطیء للمهدی سلطانه، (الفتن ابن حماد ص ۲۱۳)
- ۳- سقى الله بلاد شعيب، بالرأية السوداء المهديّة بنصر الله و كلمته حتى يبایع المهدي بين الركن و المقام (معجم الأحادیث ج ۲ ص : ۲۲۹)
- ۴- عن أبي جعفر قال: يخرج شاب من بنی هاشم، بكفه الیمنی خال، من خراسان، برایات سود، بین یدیه شعيب بن صالح، یقاتل أصحاب السفیانی فیهمهم. (الفتن ابن حماد ص ۲۱۴)
- ۵- «يخرج بالري رجل... یقال له شعيب بن صالح... رأياتهم سود، يكون علی مقدمة المهدي، لا یلقاه أحد إلا فله». (معجم الأحادیث ج ۲ ص ۲۲۵)



- ۶- یا جابر، إذا صاح الناقوس... و تحزكت عساكر خراسان، و نبع شعيب بن صالح التميمي من بطن الطالقان... (معجم الأحاديث ج ۴ ص ۳۴)
  - ۷- يخرج المهدي على لوائه شعيب بن صالح (بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۲۰۸)
- چنانچه ملاحظه می شود طبق این احادیث شعيب ابن صالح به عنوان فرمانده میدانی لشگر امام زمان(عج) نقش برجسته ای دارد و لشگر حضرت را از طالقان تا مکه و از مکه تا بیت المقدس فرماندهی می کند، طبق احادیث او جوانمردی است با ریش کم پشت (خفيف اللحية) یا کوسه با اراده ای قوی که با هر کس و هر نیروئی روبرو شود او را شکست می دهد (لا یلقاه أحد إلا فله)
- یبایعون هاشمیا بکفه الیمنی خال، سهل الله أمره و طریقته، فیخرج... علی مقدمته شعيب بن صالح التميمي من الموالي، أصفر؛ قليل اللحية؛ كوسج، لو استقبل بهم الجبال لهدمها... (القول المختصر في علامات المهدي المنتظر ص ۸۰)
- در کتاب "رایات الهدی و الضلال فی عصرالظهور" در باره شخصیت شعيب ابن صالح می گوید او از شخصیتهای معروف در ایران نیست و یکباره وارد میدان می شود:

و يظهر شعيب في المجتمع الإيراني فجأة، و قبل ذلك لم يكن معروفا بينهم، و قد شبه الامام علي(ع) خروجه في الساحة الإيرانية بالنبع، كناية عن ظهوره المفاجئ... فقال: " و تحزكت عساكر خراسان، و نبع شعيب بن صالح التميمي من بطن الطالقان . " و انتسابه الى بطن الطالقان، يؤكد انه من الكنوز المخفية، التي تظهر في آخر الزمان، و انه لا يمكن ان يكون معروفا في المجتمع الإيراني، الا بعد خروج كنوز الطالقان من أصحاب القائم(ع)، كما تنص الرواية: " و إن لآل محمّد بالطالقان لكنزاً، سيظهره الله إذا شاء، دعاة حق يقومون بإذن الله، فيدعون إلى دين الله (رايات الهدى...في عصر الظهور ص ۷۹)



یعنی شعیب ابن صالح از کنوز طالقان می باشد که بعد از خروج لشگر طالقان شناخته می شود، یعنی قبل از تشکیل لشگر نمی شود مصداق این شخصیت را را شناخت یا تعیین کرد، در حدیث دیگری می فرماید شعیب ابن صالح از سمرقند می آید:

- ثم یكون خروج شعیب بن صالح من سمرقند. (غیبت طوسی ص ۴۴۳)

که سمرقند می تواند کنایه از خارج ایران باشد یعنی او از خارج می آید، چنانچه در حدیث دیگری هم میفرماید تعدادی از ۳۱۳ نفر از خارج با ابر(هوایما) و با مشخصات، اسم و اسم پدر و عکس (یعنی پاسپورت) می آیند:

- قال أبو عبد الله(ع): إذا أذن الإمام دعا الله باسمه العبراني فأتیحت له صحابته الثلاثمائة و ثلاثة عشر قزق كقزق الخریف... منهم من یری سیر فی السحاب نهارا یرعرف باسمه و اسم أبیه و حلینته و نسبه قلت جعلت فداك أیهم أعظم إیماننا قال الذی یری فی السحاب نهارا...

(غیبت نعمانی ص ۳۱۳)

و این یک امر طبیعی است چرا که همه ۳۱۳ نفر ایرانی نیستند و تعدادی از آنها از کشورهای دیگر هستند و طبعاً با هوایما می آیند که شعیب ابن صالح می تواند جزو آنها باشد.

از حدیث دیگری استفاده می شود که آن کسی که سفیانی را شکست داده و تا بیت المقدس پیش می رود (یعنی شعیب ابن صالح) از زندان خارج شده و سفیانی را شکست می دهد، و این نشان می دهد که او ای چه بسا پس از آمدن به ایران به دلائلی دستگیر و مدتی زندانی می شود و سپس از زندان آزاد شده و فرماندهی لشگر امام زمان(عج) را به دست گرفته و سفیانی را شکست می دهد:



- ثم يخرج من السجن غلام يفتني عددهم و يأسر حددهم و يهزمهم إلى البيت المقدس (إلزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۵)
- تخرج من خراسان أخرى سوداء... شعيب بن صالح... يهزمون أصحاب السفيناني حتى ينزل بيت المقدس... (الفتن ابن حماد ص ۲۱۳)

با توجه به نقش برجسته شعيب ابن صالح در بين ياران قائم (ع) و لشگر امام زمان (عج) است که پیامبر (ص) در حدیثی سفارش فرمودند که به آن جوانمرد تمیمی پیوندید چرا که او صاحب پرچم حضرت مهدی (عج) می باشد:

- فإذا رأيتم ذلك فعليكم بالفتى التميمي، فإنه يقبل من المشرق، و هو صاحب راية المهدي».

نتیجه ای که از احادیث به دست می آید این است که شعيب ابن صالح نقش برجسته ای در بين ياران قائم (ع) دارد و طبعاً یکی از ۳۱۳ نفر می باشد و با تشکیل لشگر شناخته خواهد شد و قبل از تشکیل لشگر مصداق این شخصیت دوران ظهور را نمیتوان به طور قطعی مشخص کرد.

## ۷- مسیر حرکت لشگر:

### ۱- حرکت لشگر از گیلان و طالقان:

طبق احادیث وارده این لشگر در گیلان و طالقان جمع می شود و وقتی سفینانی شام را تصرف کرده و به عراق حمله ور می شود و دست به سرکوب شدید شیعیان می زند این لشگر پس از تجمع در گیلان و طالقان، در حالی که فرماندهی میدانی آن با شخصی که از او به عنوان شعيب ابن صالح یاد شده می باشد، برای جنگ با سفینانی از گیلان و طالقان حرکت کرده و به لشگر





خراسانی یا نیروهای نظامی ایران (عساکر خراسان) می پیوندند:

- و بیعت السفیانی جيشا إلى الكوفة... فیصیبون من أهل الكوفة قتلا و صلبا و سبیا فبینا هم كذلك إذ أقبلت رایات من قبل خراسان و تطوي المنازل طیا حثیثا و معهم نفر من أصحاب القائم.. (غیبت نعمانی ص ۲۸۰)
- ...و تحركت عساكر خراسان، و تبع شعيب بن صالح التميمي من بطن الطالقان، (معجم احاديث امام مهدي ج ۳ ص ۲۷)
- و در اصطخر با سفیانی روبرو می شوند و بعد از جنگ سختی به فرماندهی شعیب ابن صالح، لشگر سفیانی را شکست داده و فراری می دهند:
- - عن أبي جعفر(ع) قال: يخرج شاب من بني هاشم، بكفه اليمنى خال من خراسان برایات سود، بین یدیہ شعیب بن صالح، یقاتل أصحاب السفیانی فیہزمهم... (فتن ابن حماد ص: ۲۱۳)
- - تخرج رایات سود تقاتل السفیانی، فیهم شاب من بني هاشم، فی كتفه اليسرى خال، و على مقدمته رجل من بني تمیم، یدعی شعیب بن صالح، فیہزم أصحابه. (معجم احاديث امام مهدي ج ۳ ص ۷۸)
- لشگر امام زمان(عج) به رهبری هاشمی که وزیر حضرت مهدی(عج) نیز می باشد، بعد از شکست دادن لشگر سفیانی در محلی بنام استخر، در طلب حضرت مهدی(عج) به حرکتش ادامه می دهد:
- - ثم يخرج الله على السفیانی من أهل المشرق وزير المهدي فيستخلص من السفیانی ما أخذ، ثم ینهزم السفیانی إلى الشام. (معجم الاحاديث ج ۱ ص ۶۲۰)
- - إذا خرجت خیل السفیانی إلى الكوفة، بعث فی طلب أهل خراسان، و ینخرج أهل خراسان فی طلب المهدي، فیلتقي هو و الهاشمي برایات سود،



علی مقدمته شعیب بن صالح، فیلتقی هو وأصحاب السفیانی باب إسطخر، فتكون بينهم ملحمة عظيمة، فتظهر الرايات السود، وتهرب خیل السفیانی، فعند ذلك يتمنى الناس المهدي و يطلبونه (معجم احادیث ج ۳ ص ۷۷)

• بل هي رجال كزبر الحديد! على البراذين الشهب بأيديهم الحراب و لم يزل يقتل الظلمة حتى يرد الكوفة. (الزام الناصب ج ۲ ص ۲۲۷)

## ۲- استقرار لشگر در کوفه:

این لشگر که می دانند لشگر امام زمان (عج) هستند، از ایران حرکت می کند و بعد از شکست دادن سفیانی در اسطخر در تمنای مهدی (عج) حرکت کرده و در کوفه فرود می آیند، در اینموقع حضرت از مکه ظهور می کنند:

- - إذا هزمت الرايات السود خیل السفیانی... تمنى الناس المهدي، فيطلبونه فيخرج من مكة... (فتن ابن حماد ص ۲۳۸)
- عن اميرالمؤمنين(ع): يقبل رايات من شرقي الأرض غير معلمة، ليست بقطن... و لا حرير، مختوم.. بخاتم السيد الأكبر... تظهر بالمشرق... يسير الرعب أمامها بشهر حتى ينزلوا الكوفة. (بحارالانوار ج ۵۳ ص ۲۷۴)

و حضرت مهدی (عج) بعد از ظهور در مکه از کنار کعبه آنها را، که خداوند قبل از ظهورش، برایش ذخیره و آماده کرده است، ندا کرده و احضار می کند:

- - و يقف بين الركن و المقام، فيصرخ صرخة فيقول: يا معاشر نقبائي و أهل خاصتي و من ذخرهم الله لنصرتي قبل ظهوري على وجه الأرض! ائتوني طائعين! (بحارالانوار ج ۵۳ ص ۷)

و آنها از کوفه به طرف مکه به حرکت در می آیند:



- تنزل الرايات السود التي تخرج من خراسان إلى الكوفة، فإذا ظهر المهدي عليه السلام بعث إليه بالبيعة.
- (غيبت طوسی ص ۴۵۲)

### ۳- حرکت از کوفه به سوی مکه:

وقتی لشگر حضرت لشگر سفیانی را شکست داده و فراری داد به سوی کوفه حرکت کرده و در آنجا مستقر می شود و در این موقع حضرت در مکه ظهور کرده و لشگر را ندا داده و امر می کند که به سوی حضرت در مکه حرکت کنند و لشگر از کوفه حرکت کرده و برای بیعت به سوی مکه می رود، به سه حدیث از احادیث وارده در این باره توجه کنیم :

- ۱- تنزل الرايات السود التي تخرج من خراسان إلى الكوفة، فإذا ظهر المهدي عليه السلام بعث إليه بالبيعة.
- (غيبت طوسی ص ۴۵۲)
- ۲- تنزل الرايات السود الكوفة، فبيعت بالبيعة إلى المهدي، وبيعت المهدي جنوده إلى الآفاق.
- (ملاحم سيد ابن طاووس ص ۱۳۷)
- ۳- يخرج شعيب بن صالح... بالراية السوداء المهدية، بنصر الله و كلمته، حتى يبائع المهدي بين الركن و المقام.
- (ملاحم سيد ابن طاووس ص ۲۷۲)

به این ترتیب این لشگر دوازده هزار نفره که به رهبری "رجل من آل محمد(ص)" یا شاب هاشمی و فرماندهی شعیب ابن صالح و به همراهی لشگر خراسانی از ایران حرکت کرده و بعد از شکست دادن لشگر سفیانی، در کوفه فرود می آید، بعد از ظهور حضرت، برای بیعت به مکه رفته و در آنجا با حضرت بیعت می کند و بعد از درهم کوبیدن بقایای حاکمیت فاسد عربستان و تعیین والی



برای آنجا، لشگر دوباره با خود حضرت بر می گردد به سوی کوفه.

- قال المفضل یا سیدی یقیم بمکه؟ - قال لا یا مفضل بل یستخلف منها رجلا من أهله ...
- قال المفضل قلت یا سیدی فأین تكون دار المهدي و مجتمع المؤمنین؟
- قال دار ملكه الكوفة و مجلس حکمه جامعها. (بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۱)

#### ۴- حرکت از مکه به سوی کوفه:

- بنابراین تا اینجا روشن شد که آن دوازده هزار نفری که در طالقان جمع شدند نهایتاً به مکه رفته و با حضرت بیعت می کنند و همانها هستند که لشکر حضرت را تشکیل می دهند و حضرت با همان لشگر دوازده هزار نفره، همراه وزیرش حرکت کرده رهسپار کوفه شده و در آنجا مستقر می شوند:

و سپس لشگر به دستور حضرت و با فرماندهی شعیب ابن صالح، برای تعقیب دشمن، یعنی لشگر سفیانی که به شام عقب نشینی کرده، به حرکت در می آید.

- - عن الباقر (ع) : ... ثم یخرج من مکه هو و من معه الثلاثمائة و بضعة عشر یبايعونه بین الرکن و المقام معه عهد نبی الله(ص) و رايته و سلاحه و وزیره معه... (بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲۳)

- - إذا سمع العائد الذي بمكة بالخسف خرج مع اثني عشر ألفا فيهم الابدال. (معجم الاحاديث ج ۱ ص ۵۰۵)

- - یخرج في اثني عشر ألفا إن قلوا، أو خمسة عشر ألفا إن كثروا... ، لا یلقاه عدو إلا هزمهم بإذن الله، شعارهم أمت أمت. (معجم الاحاديث ج ۱ ص ۴۰۸)
- - ثم یخرج المهدي علی لوائه شعیب بن صالح... (معجم احاديث ج ۵ ص ۳۲۷)

طبق احاديث که قبلا هم ذکر شد وقتی لشگر، همراه خود حضرت در کوفه



مستقر شد، حضرت دوازده هزار زره و سلاح در آورده و به آن دوازده هزار نفر اولاد عجم می پوشاند تا با لباس متحد الشكل در صحنه جنگ همدیگر را بشناسند، سپس دستور می دهند که هرکس در صحنه جنگ این لباسها را نداشت دشمن است و بکشید :

• عن ابی عبدالله(ع): إذا قام القائم أتى رحبة الكوفة فقال برجله هكذا أو أوماً بيده إلى موضع، ثم قال: احفروا ههنا، فيحفرون فيستخرجون اثني عشر ألف درع واثني عشر ألف سيف، واثني عشر ألف بيضة، لكل بيضة وجهان، ثم يدعو اثني عشر ألف رجل من الموالي من العجم فيلبسهم ذلك، ثم يقول: من لم يكن عليه مثل ما عليكم فاقتلوه (بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۷)

یعنی حضرت همانگونه که قبلاً هم گفته شد حتی بعد از حرکت از مکه و رسیدن به کوفه نیز تعداد لشگرش بیش از دوازده هزار نفر نمی باشد! که همه از اولاد عجم هستند، و این یعنی اینکه غیر از آن دوازده هزار نفر که از طالقان حرکت کردند و سپس برای بیعت رهسپار مکه شدند افراد دیگری به حضرت نمی پیوندند!

### ۵- حرکت لشگر حضرت به سوی بیت المقدس:

طبق احادیث بعد از استقرار حضرت در کوفه، همان لشگر که از خراسان حرکت کرده به مکه رفته بود برای بیعت و با حضرت به کوفه برگشته بود، بعد از استقرار حضرت در کوفه به عنوان پایتخت حکومت عدل مهدوی، به طرف بیت المقدس حرکت می کند و بعد از هشت ماه جنگ، سفیانی و یهود را شکست داده و بیت المقدس را آزاد می کند:



- - قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: «تخرج من خراسان رايات سود لا يردھا شیء حتى تنصب بإيلياء، یعنی بیت المقدس» (فتن ابن حماد ص : ۱۳۰)
  - - عن علي بن أبي طالب (ع) قال: «يخرج قبله -ای قبل المهدي- "رجل من أهل بيته" بالمشرق، يحمل السيف على عاتقه ثمانية أشهر، يقتل ويقتل ويتوجه إلى بيت المقدس....» (ملاحم سيد ابن طاووس ص ۱۳۶)
  - - تخرج من خراسان أخرى سوداء...على مقدمتهم رجل يقال له شعيب بن صالح من تميم، يهزمون أصحاب السفيناني حتى ينزل بيت المقدس، (فتن ابن حماد ص ۲۱۳)  
- ينزل رجل من بني هاشم ببيت المقدس حرسه اثنا عشر ألفا.  
(فتن ابن حماد ص ۲۷۷)
- و به این شکل با شکست دادن یهود در بیت المقدس و خالی شدن منطقه خاورمیانه از جباران و دیکتاتورهای فاسد، زمینه تشکیل اولین حکومت عدل الهی در آخرالزمان آماده شده و حاکمیت مهدوی در خاورمیانه مستقر می شود.

## فصل پنجم

**توصیف رهبر و تشکیل دهنده  
لشکر امام زمان (عج) و پرچمش  
در احادیث اهل بیت (ع)**



## توصیف پرچم این لشکر در احادیث:

در احادیث اهلبیت (ع) از پرچمهای این لشکر یاد شده و از آن به عنوان‌های مختلف از جمله: رایات سود، پرچمهای هدایت و رایة المهدیة یاد شده است و برای پیوستن به آن پرچمها و آن لشکر، و لو سینه خیز بر روی برفها، دستور اکید داده‌اند.

البته قابل ذکر است که در احادیث تصریح شده است که دو "رایات سود" وجود دارد اولی برای بنی‌عباس (سیاه‌جامگان و ابومسلم خراسانی) و دومی برای حضرت مهدی (عج). تعدادی از این احادیث را در زیر می‌آوریم:  
رایات سود از ایران برای حضرت مهدی (عج):

۱- تخرج من المشرق رایات سود لبني العباس، ثم یمکثون ما شاء الله، ثم

تخرج رایات سود صغار تقاتل رجلا من ولد أبي سفیان وأصحابه من قبل

المشرق، و یؤدون الطاعة للمهدي. (ملاحم سید ابن طاووس ص ۱۲۳)

حضرت رسول (ص) تأکید فرمودند که پرچم آنها پرچم اهل بیت (ع) می باشد که خداوند آن را به اهلبیت (ع) عطا فرموده است:

۲- قال رسول الله (ص): حتى یتیح الله لنا رایة تجي من المشرق، من نصرها

نصر، و من یشاقها یشاق، (دلائل بالامامة ص ۴۴۵)

باز حضرت رسول (ص) فرمودند که پرچم آنها پرچم هدایت می باشد که آن را تقدیم امام زمان (عج) می کنند:

۳- قال رسول الله (ص): حتى ترتفع رایات سود من المشرق... فإنها "رایات

هدی" یدفعونها إلى رجل من أهل بیتي. (معجم الاحادیث ج ۱ ص ۳۸۲)





امیر المؤمنین(ع) در توصیف این پرچمها فرمودند که این پرچمها از شرق (ایران) حرکت می کنند و ممهور به مهر نبوت هستند، از ایران ظهور می کنند و بعد از ظهور عطرش (عطر عدالت مهدوی) مغرب زمین را فرا می گیرد (و طرفدارش می شوند)، رعب پیشاپیش آنها حرکت می کنند، (همه قوای دشمن مرعوب آن می شوند) تا در کوفه مستقر می شوند:

• ۴- وتقبل رايات من شرقي الأرض غير معلمة، ليست بقطن ولا كتان ولا حرير، مختوم...بخاتم السيد الأكبر... تظهر بالمشرق و توجد ريحها بالمغرب كالمسك الأذفر يسير الرعب أمامها بشهر حتى ينزلوا الكوفة.  
(بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۸۱)

رسول اکرم(ص) فرمودند این پرچم، همان پرچم حضرت مهدی(عج) می باشد که از ایران حرکت کرده و بعد از شکست دادن سفیانی به مکه رفته و تحویل حضرت مهدی(عج) داده خواهد شد:

• ۵- قال رسول الله(ص): يقبل الرجل التميمي شعيب بن صالح.. بالرأية السوداء المهديوية بنصر الله وكلمته، حتى يبائع المهدي... (ملاحم سيد ابن طاووس ص ۲۷۲)

**دستور اکید و شدید اهلبیت(ع) برای پیوستن به این**

**لشگر:**

از آنجائی که این پرچم، پرچم حضرت مهدی(عج) می باشد و این لشگر، لشگر حضرت، اهلبیت(ع) در عین مخفی نگاهداشتن این امر مهم، دستورات اکید



صادر کرده اند که مردم به این پرچم و به این لشگر پیوندند، گویا اگر بنا بر اخفای امر نبود اینگونه تصریح می فرمودند که: ای مردم این پرچم، پرچم حق و هدایت و پرچم امام زمان(عج) می باشد، و این لشگر همان لشگر امام زمان(عج) می باشد و هر طور شده خود را به آن برسانید! طوری که حتی اگر شما را در صندوقی گذاشته و درش را قفل کرده باشند و شما در درون آن صندوق آمدن آیات سود را شنیدید، آنقدر بر در آن صندوق بکوبید که یا کشته شوید و یا بیرون آئید و به آن لشگر پیوندید:

• ۶- إذا سمعت الرايات السود مقبلة، و انت فی صندوق مقفل، فاکسر ذلك القفل و ذلك الصندوق، فإن لم تسطع فتدحرج حتى تقتل تحتها. (معجم احادیث امام مهدی ج ۳ ص ۷۹)

و پیامبر(ص) فرمودند وقتی دیدید آیات سود خروج کردند خود را به آن برسانید و لو شده با سینه خیز رفتن روی برفها:

• ۷- قال رسول الله(ص): إذا رأيتم الرايات السود خرجت من قبل خراسان، فأتوها ولو حبوا على الثلج. (الملاحم و الفتن سيد ابن طاووس ص ۱۱۹)

و روشن است که اگر این پرچم، همان پرچم مهدوی و پرچم اهل بیت(ع) نبود، به این شدت دستور پیوستن به او را نمی دادند، چرا که در احادیث از پیوستن به هر پرچمی جز پرچم اهلبیت(ع) به شدت منع فرموده اند:

• ۸- و إياك و شذاذ من آل محمد، فان لآل محمد و علی، رایة و لغيرهم رايات، فألزم الأرض ولا تتبع منهم رجلا أبدا حتى ترى رجلا من ولد الحسين، معه عهد نبي الله(ص)... (تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۶۵)

یعنی به هیچ پرچمی پیوند تا مردی را ببینی از اولاد حسین(ع) که با او عهد و وصیت پیامبر(ص) می باشد، که خواهیم دید منظور همان رهبر آیات سود می



باشد.

- ۹- ان لنا اهل البيت رايه، من تقدمها مرق و من تأخر عنها زهق و من تبعها لحق، يکون مکتوبا علی رايته البيعة لله. (روزگار رهائی ص ۴۶۱)  
یعنی برای ما اهل بیت پرچمی است که (وقتی آمد) از او عقب و جلو نیافتید (و بلکه به او پیوندید تا هلاک نشوید) بر آن پرچم نوشته شده: البيعة لله!

### نتیجه گیری از احادیث فوق:

بنابر این از مجموعه احادیث وارده در این مورد، روشن می شود که، قبل از ظهور، لشگری در ایران (خراسان و طالقان) تشکیل شده و حرکت می کند، که آنها اصحاب و لشگر امام زمان (عج) بوده، که رهبر این لشگر نیز چنانچه خواهیم دید، فردی از اهل بیت و آل محمد (ص) بوده و پرچمشان هم پرچم اهل بیت (ع) و پرچم هدایت می باشد.

## رهبر و تشکیل دهنده این لشگر:

همانطور که ملاحظه شد امر تشکیل لشگر امام زمان (عج) قبل از ظهور و در ایران، امر جدیدی به نظر می رسد که با اطلاعات عمومی چندان خوانائی ندارد، اما همانطور که دیدیم در احادیث آمده و با توجه به احادیث مذکور جایی برای شک کردن نمی ماند، یعنی در حقیقت چیز جدیدی نیست و از قدیم در کتب و احادیث ذکر و ثبت و ضبط شده بود اما به دست فراموشی سپرده شده و مثل قرآن مهجور شده! (إن قومي اتخذوا هذا القرآن مهجورا) و مردم آن را فراموش کرده و از آن رویگران شدند، "أمرٌ قد دثر فَضَّلَ عَنْهُ الْجُمْهُورُ":



- «إذا قام القائم عليه السلام دعا الناس إلى الإسلام جديدا، و هداهم إلى أمر  
قد دثر فضل عنه الجمهور!»  
(بحارالانوار ج ۵۱ ص ۳۰)

بعد از این که تشکیل لشگر در ایران مسجل شد، سؤال اینجاست که این لشگر  
دوازده هزار نفره چطور تشکیل می‌شود؟ و آن شاب هاشمی که آنها را جمع  
آوری کرده و رهبری می‌کند کیست؟

با بررسی احادیث متوجه می‌شویم که تشکیل دهنده لشگر نیز نه تنها در  
احادیث مذکور و مطرح می‌باشد بلکه توجه خاصی به او شده است و از او با  
اسمها و عناوین و لقبهای مختلفی از قبیل مردی از آل محمد، جوانی هاشمی،  
قائمی از آل محمد، طالع المشرق، رجل عنیف و... یاد شده است، اما مثل  
تشکیل لشگر قبل از ظهور، تشکیل دهنده آن هم مفعول و مهجور و مجهول  
مانده است، طبعاً کسی که مردم را به امام زمان (عج) دعوت کرده و لشگر  
حضرت را قبل از ظهورش تشکیل خواهد داد نمی‌تواند یک فردی عادی باشد،  
بلکه حتماً باید با خود حضرت در ارتباط باشد که اولاً یقین بداند وقت ظهور  
رسیده و ثانیاً تحت امر و نظارت خود حضرت لشگرش را جمع کرده آماده کند  
و همراه خراسانی با سفیانی جنگیده و او را شکست داده و پرچم پیروزی را  
تحویل حضرت دهد.

باید توجه داشت که عده‌ای به اشتباه این رجل هاشمی را با خراسانی یکی  
پنداشته و هاشمی را همان خراسانی تصور کرده و لذا لقب سید خراسانی را  
مطرح کرده اند، در صورتی که در احادیث دو شخصیت می‌باشند و در واقع  
سید و خراسانی باید گفت و یا هاشمی و خراسانی، و به دلایل زیر تصور یکی  
بودن هاشمی و خراسانی اشتباه می‌باشد:

اولاً خراسانی رهبر و فرمانده خراسان و عساکر خراسان بوده و لشگرش شامل



تمام نیروهای نظامی ایران می باشد، که تعدادشان علی القائده صدها هزار نفر می باشد که از آنها در احادیث تحت عنوان عساکر خراسان یاد شده است و نه دوازده هزار نفر.

ثانیاً در احادیث به دو نفر مختلف بودن خراسانی و قائم گیلان تصریح شده است از جمله این چند حدیث:

• عن علی(ع): اذا قام القائم بخراسان... و قام منا قائم بجیلان... (غیبت نعمانی ص ۲۸۳)

• يقوم منا قائم بجیلان یعینه المشرقی... (الزام الناصب ۲ ص ۱۴۰)  
در این دو حدیث به دو شخص جداگانه بودن خراسانی و شاب هاشمی که قائم گیلان است، تصریح شده، و اینکه خراسانی قائم گیلان را یاری می کند.

• قال رسول الله صلی الله علیه وآله: " کأني بالحسني والحسيني " وقد قاداها فیسلمها إلی الحسيني فیبايعونه. (غیبت طوسی ص ۴۶۹)

در این حدیث شریف رسول خدا(ص) از خراسانی به حسنی و از هاشمی قائم گیلان به حسینی تعبیر کرده (یکی از صفات هاشمی "رجل من ولد الحسين ع" می باشد) فرمودند که این دو نفر با هم لشگرهایشان را رهبری می کنند و نهایتاً حسنی پرچم را تسلیم می کند، از این احادیث به روشنی معلوم می شود که هاشمی و خراسانی دو شخص می باشند، و در ادامه به نامها و لقبها و اوصاف شاب هاشمی می پردازیم.



## القاب و صفتهای شخص تشکیل دهنده لشگر در

### احادیث:

همانطور که گفته شد در احادیث اهلیت (ع) از رهبر و تشکیل دهنده این لشگر با نامها و صفتهای مختلفی یاد کرده اند و به دلیل همین القاب و صفتهای مختلف در دید اول به نظر می رسد آنها افراد مختلف و متفرقه ای هستند که قبل از ظهور قیام می کنند، اما با اندکی دقت روشن می شود که همه اینها لقبهای مختلف یک شخص هستند که همان تشکیل دهنده لشگر حضرت می باشد و اهلیت (ع) او را با این صفات و القاب معرفی کرده و دستور داده اند که وقتی او آمد (و لو سینه خیز روی بر آنها) به سوی او بروید و به او پیوندید. ذیلاً تعدادی از این احادیث را می آوریم:

۱- "رجل من ولد الحسین(ع)";

پیامبر(ص) او را "رجل من ولد الحسین(ع)" معرفی می کنند و با حالت تمجید می فرمایند او کوهها را از سر راهش کنار میزند و راه می گشاید:

• - یخرج "رجل من ولد الحسین" من قبل المشرق، لو استقبلته الجبال لهدمها و

اتخذ فیها طرقاً. (معجم الاخادیت ج ۱ ص ۲۹۳)

۲- "رجل من آل محمد(ص)";

امرالؤمنین(ع) او را با عنوان "رجل من آل محمد(ص) یا مردی از آل محمد(ص) که رهبر پرچمهایی را که از "شرقی الارض" یا المشرق یعنی خراسان و ایران حرکت می کنند معرفی می کنند:



• و تقبل ریایات من شرقی الأرض... مختوم... بخاتم السید الأكبر، یسوقها  
"رجل من آل محمد" (ص) تظهر بالمشرق... (بحارالانوار ج ۵۳ ص ۸۳)

۳- "شاب من بنی هاشم":

امام باقر(ع) به نقل از رسول خدا(ص)، قائد این لشکر دوازده هزار نفره در خراسان را "شاب من بنی هاشم" معرفی می کنند و می فرمایند وقتی شنیدید که او آمده ولو سینه خیز روی برفها به طرف او رفته و خود را به او برسانید:

• عن الباقر(ع) قال قال رسول الله(ص): إن لله تعالى كنزا بالطالقان... اثنا عشر ألفا بخراسان... يقودهم "شاب من بني هاشم"... فإذا سمعتم بذلك فسارعوا إليه ولو حبوا على الثلج (منتخب انوار المضيئة ص ۳۴۳)

قبلا دیدیم که حضرت رسول(ص) هم دستور پیوستن به ریایات سود را دادند و لو سینه خیز روی برفها و فرمودند: "إذا رأيتم الرايات السود خرجت من قبل خراسان، فأتوها ولو حبوا على الثلج" در این حدیث شریف امام باقر(ع) به طور مشخص رهبر آنها را به عنوان جوانمردی که از بنی هاشم است معرفی کرده و دستور می دهند که به سرعت به او پیوندد و لو سینه خیز روی برفها.

۴- "رجل منا أهل البيت":

امام صادق(ع) او را که قبل از امام زمان(عج) می آید به عنوان "رجلا منا أهل البيت" یا مردی از ما اهل بیت معرفی کرده و با حالت تمجید می فرمایند "یشیر بالتقى و يعمل بالهدى" و با قسم جلاله می فرمایند اسم او و اسم پدرش را می داند و اضافه می کنند که بعد از آمدن او قائم بالعدل (یعنی حضرت مهدی(عج) آمده و جهان را پر از عدل و داد می کنند:



- قال الصادق(ع): فإذا انقرض ملكهم أتاح الله لامة محمد "رجلا منا أهل البيت" يشير بالتقى و يعمل بالهدى، و لا يأخذ في حكمه الرشى، والله إني لأعرفه باسمه و اسم أبيه، ثم "يأتينا الغليظ القصرة ذو الخال و الشامتين القائم العادل... يملأها عدلا كما ملأها الفجار جورا و ظلما (بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۶۹)

#### ۵- "إمام أهل بيتي":

در حدیث دیگری رسول اکرم(ص) رهبر رایات سود خراسان را با عنوان امامی از اهل بیت(ع) معرفی کرده و می فرماید پرچم آنها پرچم هدایت است که آن را تسلیم مردی از اهلیت من(یعنی امام مهدی(عج) می کنند و دستور می دهند که به او پیوندید و لو سینه خیز روی برفها: فلیأت "إمام أهل بيتي" و لو حبوا علی الثلج:

- حتى ترتفع رایات سود من المشرق..... فمن أدركه منكم أو من أعقابكم فلیأت "إمام أهل بيتي" و لو حبوا علی الثلج فإنها رایات هدی یدفعونها إلى رجل من أهل بيتي.

(معجم الاحادیث ج ۱ ص ۳)

#### ۶- "امیر جیش الغضب":

در حدیث دیگری امیرالمؤمنین(ع) او را به عنوان امیر جیش الغضب معرفی کرده و قسم جلاله یاد می فرمایند که اسم او و اسم پدرش را میدانند و اضافه می فرمایند که او مردی از ذریه من است که احادیث را می شکافد:

- جیش الغضب أولئك قوم یأتون في آخر الزمان. أما والله إني لأعرف "أمیرهم" و اسمه و مناخ ركابهم، ثم نهض و هو یقول: باقرا باقرا باقرا، ثم قال: ذلك رجل من ذریتي یبقر الحدیث بقرا... (غیبت نعمانی ص ۳۲۵)

ملاحظه می شود که حضرت او را به عنوان "رجل من ذریتي" معرفی می کند، چنانچه در حدیث دیگری هم او را مردی از ذریه رسول خدا معرفی کردند:





• ثم يبعث الله عند ذلك رجلا من عترة الرسول (ص) في أثني عشر ألفا... أو

خمسة عشر ألفا... هذا حديث صحيح. (المستدرک للصحیحین ج ۴ ص ۵۵۳)

۷- "العلج" یا شدید و مصمم:

در حدیث دیگری امیر المؤمنین (ع) او را مردی شدیداً مصمم معرفی کرده و می فرماید خداوند او را بر دشمنان ما مسلط می کند همه جا را فتح می کند و فتوحاتش را تقدیم مردی از عترتم یعنی امام مهدی (عج) می کند و اضافه می فرمایند که او حق را می گوید و به حق عمل می کند:

• .. و یسلط الله علیهم علجا (العلج = الجلد الشدید فی امره) یرج من حیث بدا

ملکهم، لا یمر بمدینة إلا فتحها... فلا یزال كذلك "حتی یظفر و یدفع بظفره

إلی رجل من عترتی"، یقول بالحق و یعمل به. (غیبت نعمانی باب ۱۴ ص ۲۵۸)

چنانچه در احادیث قبلی هم دیدیم که پیامبر (ص) هم همین مضمون را بیان کرده و فرمودند: یدفعونها إلی رجل من أهل بیتی یعنی پرچم و پیرویش را تقدیم حضرت مهدی (عج) می کند.

۸- "عبدا عنیفا بعثه الله":

در حدیث دیگری امام باقر (ع) به نقل از امیر المؤمنین (ع)، مثل حدیث قبلی با اشاره به شدت عمل و خشم و غضب امیر جیش غضب، رهبر رایات سود خراسان را "عبد عنیف" معرفی کرده بنی امیه و بنی فلان را یعنی دشمنان قائم اول را که مثل بنی امیه و بنی عباس با او دشمنی می کنند، متلاشی می کند:

• قال الباقر (ع): قال أمیر المؤمنین (ع) علی منبر الکوفة إن الله عز و جل ذکره

قدر فیما قدر و قضی و حتم بأنه کائن لا بد منه أنه یأخذ بنی أمیه بالسیف

جهره و أنه یأخذ بنی فلان بغتة... بعث الله علیها عبدا عنیفا خاملا أصله....



سود ثیابهم، أصحاب رایات سود، ویل لمن ناوهم، یقتلونهم هر جا،  
(غیبت نعمانی ص ۲۵۳)

۹- " قام منا " یا قائمی از اهل بیت (ع):

امیرالمؤمنین (ع) در حدیثی امیر جیش غضب را قائمی از خودشان معرفی کردند که با قائم خراسان یا خراسانی از گیلان قیام می کند:

- اذا قام القائم بخراسان... و قام منا قائم بجیلان... (غیبت نعمانی ص ۲۸۳)
- يقوم منا قائم بجیلان یعنی المشرقی... (الزام الناصب ۲ ص ۱۴۰)

۱۰- " خلیفة المهدي ":

در حدیث دیگری پیامبر (ص) رهبر رایات سود را " خلیفة المهدي " یا خلیفه امام مهدی (عج) (در نسخه ای دیگر خلیفة الله المهدي) معرفی کرده و باز مثل دفعات قبل دستور دادند به او بیوندید و لو سینه خیز روی برفها:

- إذا رأيتم الرايات السود خرجت من قبل خراسان، فأتوها ولو حبوا على الثلج، فإن فيها خليفة المهدي.
- (بشاره الاسلام ص ۳۰)

۱۱- " فتی الیمنی و یمانی ":

در حدیث دیگری امیر جیش غضب را " خلیفة یمانی " معرفی می کند، چنانچه در احادیث دیگری نیز او را یمانی و صاحب پرچم هدایت معرفی می کنند:

- أمير الغضب ليس من ذي و لا ذهو... لكنه خليفة يمانی... انه يمانی قرشی و انه أمير الغضب.
- (ملاحم سید ابن طاووس ص : ۲۶)

۱۲- " فتی من قبل المشرق ":

در روایت دیگری رهبر اصحاب رایات سود از خراسان را جوانی معرفی کردند که از طرف "المشرق" مبعوث می شود (مبعوث به امر خداوند و از طرف حضرت مهدی) و بر همه دشمنان پیروز می شود:



- فیبعث الله عليهم فتى من قبل المشرق يدعوهم إلى أهل بيت النبي (ص)، هم أصحاب الرايات السود المستضعفون، يعزهم الله وينزل عليهم النصر فلا يقاتلهم أحد إلا يهزموه. (الممهدون للكوراني ص ۱۰۳)

#### ۱۳- "وزير المهدي":

- در جای دیگری رهبر جیش غضب را وزیر حضرت مهدی (عج) معرفی می کنند که برای اهل شرق (ایران) خروج کرده و سفیانی را شکست می دهد.
- ثم يخرج الله على السفیانی من أهل المشرق وزير المهدي فيستخلص من السفیانی ما أخذ، ثم يهزم السفیانی إلى الشام. (معجم الاحاديث ج ۱ ص ۲۹۵)

#### ۱۴- "رجل من أهل بيت امام مهدی (عج)":

- در حدیث دیگری امیرالمؤمنین (ع) او را مردی از اهلبیت امام مهدی (عج) معرفی می کند، و این یعنی که او از فرزندان خود حضرت می باشد که برای اهل مشرق (ایران) خروج خواهد کرد:

- .... ويخرج- قبل المهدي- "رجل من أهل بيته" بأهل الشرق ويحمل السيف على عاتقه ثمانية أشهر يقتل... (ملاحم سيد ابن طاووس ص ۱۳۶)
- ملاحظه می شود که تشکیل دهنده حضرت فردی خاص از اهلبیت (ع) می باشد که با آگاهی و طبعاً اذن الهی و اذن امام زمان (عج) اقدام به تشکیل لشگر حضرت می کند، چرا که تشکیل لشگر حضرت کاری نیست که بدون علم به نزدیکی ظهور و بدون اذن حضرت انجام شود.

و از طرفی روشن است که این شخص که در این احادیث معرفی شده است نمی



تواند همان شخص خراسانی باشد! بلکه دیدیم که حتی به دو نفر بودن آنها تصریح شده است، و قطعاً شخصی غیر از خراسانی می باشد، لذا می بینیم که اهلبیت (ع) آمدن او را به عنوان امیر لشکر غضب و تشکیل دهنده لشکر امام زمان (عج) قبل از ظهور حضرت، پیشگوئی کرده و او را با بیش از ده اسم و عنوان و صفت و با تجلیل معرفی کرده اند!

بار دیگر به این القاب و اسامی که در این احادیث آمده است دقت کنیم:

- ۱- رجل من آل محمد(ص)
- ۲- رجل من ولد الحسين(ع)
- ۳- رجل منا أهل البيت. رجل منی. رجل من ذریتی.
- ۴- شاب من بني هاشم
- ۵- إمام أهل بیته
- ۶- امیر جيش الغضب
- ۷- عبدا عنیفا
- ۸- العلیج یا شدید و مصمم
- ۹- قائم منا (قائمی از ما اهلبیت)
- ۱۰- خلیفة یمانی
- ۱۱- فتی من المشرق
- ۱۲- خلیفة المهدی
- ۱۳- وزیر المهدی
- ۱۴- رجل من اهلبیت امام مهدی(عج).



بنابر این او یک فرد عادی نیست، او را تحت عناوینی مثل رجل من آل محمد(ص)، قائمی از اهل بیت، و امامی از اهلبیت(ع)، و بالاخره رجلی از اهلبیت امام مهدی(ع) توصیف کرده‌اند، و علی القائده اهل بیت(ع) این توصیفات را در مورد یک فرد عادی به کار نمی‌برند، که ان شاءالله در جلد سوم کتاب به بحث و بررسی بیشتر این القاب و اسامی خواهیم پرداخت.

### اشاره به عملکردهای رهبر این لشگر:

اهلبیت(ع) رهبر این لشگر و کارها و عملکردهای او را با احساس و علاقه‌ای خاص با عبارات زیر معرفی کرده‌اند:

۱. لو استقبلته الجبال لهدمها و اتخذ فیها طرقا.
۲. یشیر بالتقی و یعمل بالهدی، ولا یأخذ فی حکمه الرشی،
۳. واللہ انی لأعرفه باسمه واسم أبیه،
۴. فإنها رایات هدی یدفعونها إلى رجل من أهل بیتی
۵. أصحاب رایات سود، ویل لمن ناوهم، یقتلون (الاعداء) هر جا
۶. أما واللہ، انی لأعرف "أمیرهم" واسمه و مناخ رکابهم،
۷. ثم نهض وهو یقول: باقرا باقرا باقرا، ذلك رجل من ذریتی
۸. فتی من قبل المشرق یدعوهم إلى أهل بیت النبی(ص)
۹. لا یمر بمدينة إلا فتحها، ولا ترفع له رایة إلا هدها، ولا نعمة إلا أزالها، الویل لمن ناواه.
۱۰. یقاتل أصحاب السفیانی فیهم مهم.
۱۱. یظفر ویدفع بظفره إلى رجل من عترتی یقول بالحق و یعمل به



۱۲. هو الذي يؤدي الطاعة إلى المهدي.

جالب توجه است که در مورد او که از "المشرق" می آید احادیث فراوانی نیز از طریق اهل سنت وارد شده که در بعضی از آنها غیر از نامهای فوق، از او با نام و لقب "مهدی" نیز یاد شده است، احادیثی که بر صحت و اعتبار آنها نیز تأکید کرده اند، لذا عده ای از علمای اهل سنت به اشتباه افتاده و فکر کرده اند که این شخص که او نیز لقب مهدی دارد همانا خود امام مهدی (عج) می باشد، چنانچه ابن کثیر در کتاب "الفتن" این اشتباه را مرتکب شده و بعد از آوردن احادیث صحیح مربوط به ظهور شاب هاشمی از مشرق می گوید:

• و هذا إسناد قوي صحيح... حتى يكون آخر الزمان فيخرج المهدي و يكون ظهوره من بلاد المشرق لا من سرداب سامراء كما يزعمه جهلة الرافضة... (فتن ابن کثیر ج ۱ ص ۴۲)

اما اگر اندکی دقت می کرد براحتی می دید که در احادیث اهل سنت نیز تأکید شده که امام مهدی (عج) بعد از آمدن شاب هاشمی می آید و طبق احادیث متواتر، خود حضرت از کنار کعبه ظهور می کند و نه از خراسان یا "المشرق"!



## شاب هاشمی و "طالع المشرق" در کلام امیر المومنین (ع):

از احادیث بر می آید که امیر المومنین (ع) نه تنها امیر لشکر غضب، شاب هاشمی، را می شناختند بلکه به او علاقه خاصی داشتند، از جمله دیدیم که قسم خوردند که اسم و لقب او را می دانند و فرمودند او از ذریه من است و شکافته احادیث است که احادیث را می شکافد و روشن می کند، شکافتنی:

- عن امیر المؤمنین (ع): ... یذکر جیش الغضب... فقال أولئك قوم یأتون فی آخر الزمان قزع کقزع الخریف... و الله إني لأعرف أمیرهم و اسمهم و مناخ رکابهم ثم نهض و هو یقول باقرا باقرا باقرا ثم قال ذلك رجل من ذریتی یبقر الحدیث بقرا.
- (غیبت نعمانی ص ۳۱۲)

حضرت در خطبه دیگری که در مسجد کوفه ایراد فرمودند (خطبه در کتاب کافی به نقل از امام صادق (ع) آمده است) در آن خطبه حضرت از آخرالزمان و آمدن امام زمان (عج) صحبت فرمودند، حضرت در آن خطبه شاب هاشمی را ستاره دنباله دار تشبیه کرده و حضرت مهدی (عج) را به قمر منیر تشبیه فرمودند و فرمودند که اول آن ستاره می آید و سپس آن قمر منیر یا ماه درخشان می آید، حضرت در آن خطبه به شاب هاشمی که از مشرق زمین طلوع می کند لقب طالع المشرق می دهند و با شور و شوق و شعف خاصی او را توصیف کرده و می فرمایند: بدانید که اگر از آن ستاره که از مشرق طلوع می کند تبعیت کنید شما را به راههای رسول الله (ص) رهنمون خواهد شد (یعنی بعد از این که با بدعتها و انحرافات از اسلام جز اسمی و از قرآن جز رسمی نمانده و همه گمراه شده اند، شما را به ثقلین برگردانده و به راه رسول الله (ص) راهنمایی



خواهد کرد) و شما با تبعیت از او از کوری و گمراهی نجات خواهید یافت و از سختی طلب و سرگردانی (در عصر غیبت کبری) راحت خواهید شد! و از بار سنگین (غیبت و دوری از حجت خدا) که بر گردن تن سنگینی می کند رها خواهید شد(۱)، و در آن موقع خداوند کسانی را که در قبال او ابا و انکار پیش آورند و با او با کلام زور به مجادله برخیزند، از این رحمت بزرگ (یعنی آمدن طالع المشرق) از این نعمت محروم کرده و رحمتش دور خواهد کرد :

• عن أبي عبد الله (ع) قال: خطب أمير المؤمنين (ع) بالمدينة فحمد الله وأثنى عليه و صلى على النبي وآله ثم قال: ... و قرب الوعد و انقضت المدة و بدأ لكم النجم ذو الذنب من قبل المشرق و لاح لكم القمر المنير، فإذا كان ذلك فراجعوا التوبة و اعلموا أنكم إن اتبعتم 'طالع المشرق' سلك بكم مناهج الرسول (صلى الله عليه وآله) فتداوitem من العمى و الصم و البكم و كفitem مؤونة الطلب و التعسف و نبذتم الثقل الفادح عن الأعناق، و لا يبعد الله إلا من أبي و ظلم و اعترف و أخذ ما ليس له " و سيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون. (کافی ج ۸ ص ۶۶)

می بینیم که حضرت امیر(ع) که کلام مبارکشان در کافی شریف آمده، او را ستاره ای معرفی می کند که قبل از آمدن قمرالمنیر یعنی حضرت مهدی(عج)، از مشرق طلوع می کند و لذا او را "طالع المشرق" می نامد (چنانچه در احادیث قبلی نیز ملاحظه کردیم که به تعبیرهای مختلف به خروج او از مشرق و خراسان تاکید کردند و از جمله فرمودند "یظهر بالمشرق"، و سپس اضافه می فرمایند

<sup>1</sup> چرا که چنانچه در ادامه خواهیم دید طبق احادیث وارده امام زمان(عج) اول به او ظاهر خواهد شد و او تحت اشراف مستقیم حضرت کارها و دعوتش را برای تشکیل لشکر حضرت پیش خواهد برد و بدینشکل غیبت کبری پایان یافته و ظهور صغری شروع خواهد شد.





که وقتی او آمد تجدید توبه کنید و بدانید که اگر از او تبعیت کنید شما را به راههای رسول الله رهنمون خواهد شد و بدینوسیله از کری و کوری و ضلالت نجات خواهید یافت و از سختی طلب و جستجوی حضرت مهدی (عج) رها شده و بار سنگین (دوری و هجران غیبت را از گردن خود برخواهید داشت، و سپس هشدار می دهد که هر کس ابا کرده و از او اطاعت نکند و در قبال او ادعای مقامی را بکند که شایسته اش نیست، از خداوند دور گشته و به سرنوشت زشت ظالمان دچار خواهد شد.

امیرالمومنین (ع) در جاهای دیگر و در احادیث مختلف از او با شور و هیجان خاصی سخن می گوید، از جمله توصیفات زیر، از امیرالمومنین (ع) می باشد: -  
اذا قام القائم بخراسان... و قام منا قائم بجیلان. - أما والله إني لأعرف "أميرهم"  
واسمه و مناخ ركابهم. - ثم نهض وهو يقول: باقرا باقرا باقرا، ثم قال: ذلك رجل  
من ذريتي يقرر الحديث بقرا...  
من ذريتي يقرر الحديث بقرا...

و دیدیم که امام صادق (ع) او را به عنوان رجلی از اهل بیت معرفی کردند که  
قبل از قائم عادل یعنی حضرت مهدی (عج) می آید و امور را با تقوا و هدایت  
پیش می برد و فرمودند:

عن ابي عبدالله (ع) قال: فإذا انقرض ملكهم أتاح الله لامة محمد "رجلا منا أهل  
البیت" يشير بالتقى و يعمل بالهدى، و لا يأخذ في حكمه الرشى، والله إني  
لأعرفه باسمه و اسم أبيه، ثم "يأتينا الغليظ القصرة ذو الخال و الشامتين القائد  
العادل الحافظ لما استودع يملأها عدلا و قسطا (بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۶۹)



## این شاب هاشمی و این طالع المشرق کیست؟

حال سؤال اساسی این است: براستی این شخصیت کیست؟ او کیست که قبل از ظهور می آید و لشگر حضرت را تشکیل داده سفیانی را شکست می دهد و لشگرش را برای بیعت با حضرت مهدی(عج) به مکه می برد؟ او کیست که اهل بیت(ع) اینهمه روی او تأکید کرده و با بیش از چهارده عنوان و اسم و لقب از او یاد کرده اند و قسم خورده اند که او را می شناسند و اسمش را می دانند! او کیست که حضرت امیر(ع) با این شور و اشتیاق از او به عنوان "طالع المشرق" سخن می گوید؟ او کیست که اهل بیت(ع) به این شدت و حدت دستور داده اند که هرطور شده و لو سینه خیز روی برفها خود را بسرعت به او برسانید و به لشگرش ملحق شوید!

و اگر بنا بوده کسی به این عظمت قبل از ظهور حضرت مهدی(عج) آمده و چنین نقش مهمی را ایفا کند، چرا تاکنون کسی به او توجه نکرده؟ و چرا وجودش ناشناخته مانده همه از وجودش غافل مانده اند؟

و یا اینکه اساساً چرا اهل بیت(ع) او را واضحتر و روشنتر از اینها به ما معرفی نکرده اند؟ و اینکه اسم و هویت واقعی او چیست و کیست؟

او کیست؟ از کجا و چگونه می آید؟ و چگونه او را بشناسیم و به او بپیوندیم؟ باید گفت که اهل بیت(ع) در احادیث وارده در باره این شخصیت، اسم و مشخصات و ویژگی های ظاهری و محل تولد و محل ظهور و محل خروج او را به شیوه خاصی سخن گفته و او را معرفی کرده اند، بطوری که بدون شناخت او و پیوستن به لشگرش، خود حضرت را هم در حین ظهور نخواهیم شناخت.

در جلد سوم کتاب به بررسی احادیث وارده در این موضوع خواهیم پرداخت.

و صلی اللہ علی محمد و آل محمد

خبري در راه است...

جلد دوم

مراحل ظهور

شخصیت و نقش خراسانی در دوران ظهور

وتشکیل لشکر امام زمان(عج) در ایران قبل از ظهور